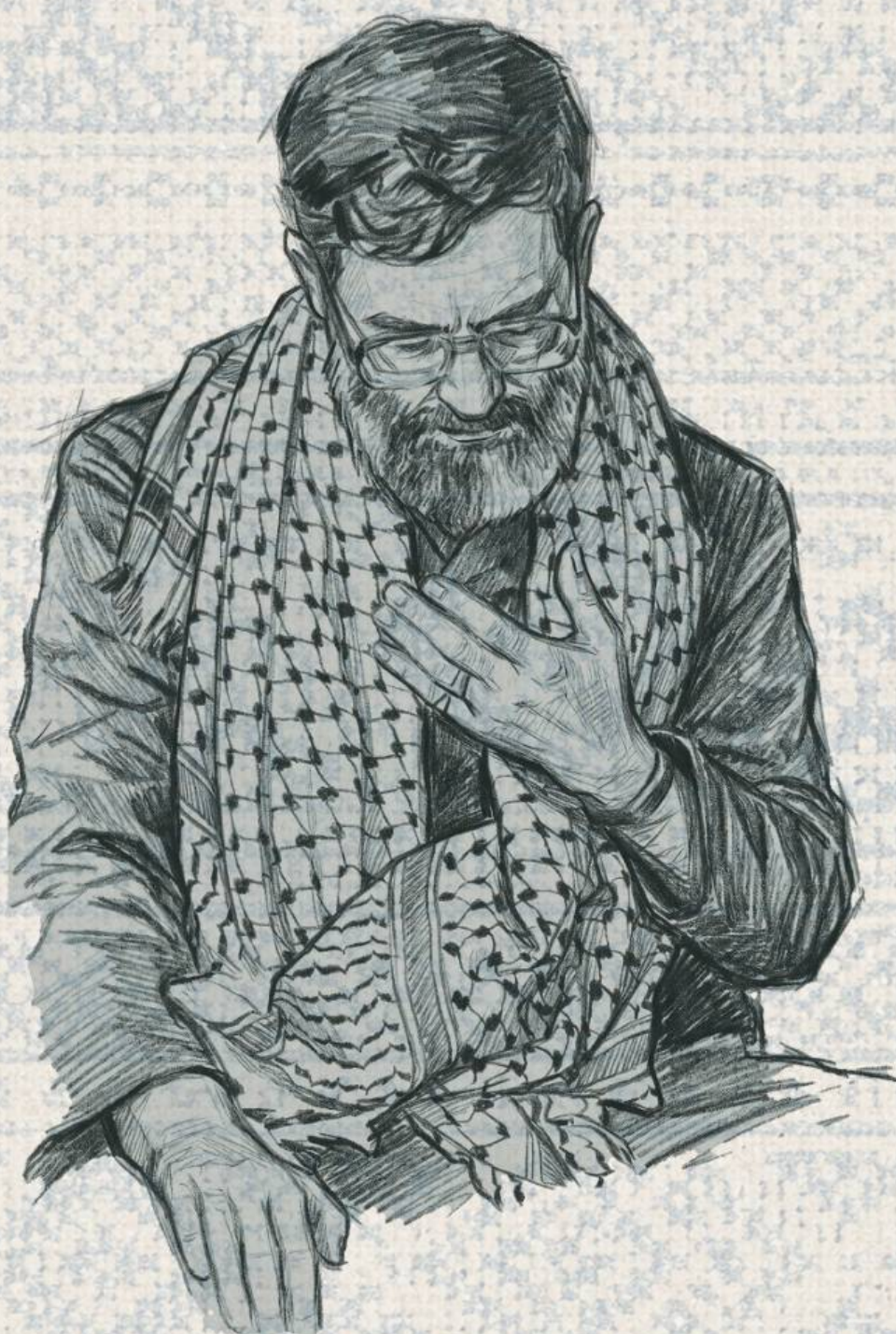


سنگر خطره

۸۶ خاطره از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران



سمہ برحق علیہ السلام

حَضْرَتِ اَللّٰهِ الْعَظِيْمِ شَهِيدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

این کتابچه، نذر واژه‌هاست به نام رهبر شهید انقلاب
اسلامی ایران؛
و در امتداد آن، ادای دینی است به همه آنان که عاشقانه در
راه حفظ وطن و دین جان خود را نثار نمودند؛
و تقدیم به شهدای مظلوم مدرسه میناب و شهدای عرصه
تعلیم و تربیت.
باشد که این یاد، نه در صفحات، که در مسیر ما ادامه یابد.

سنگر خاطره

گزیده‌ای از خاطرات رهبر معظم انقلاب حضرت سید علی حسینی خامنه‌ای

عنوان: سنگر خاطره، گزیده‌ای از خاطرات رهبر معظم انقلاب

سید علی حسینی خامنه‌ای

پدیدآورنده

مجموعه سرزمین زیتون

موضوع

خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۴-۱۳۱۸

1939-2026, Khamenei, Seyed Ali

ناشر

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

چاپ

۱، ۱۴۰۵

گردآورنده

فاطمه فاطمی‌راد

گرافیک

ترمه کتابچی و همکاران

بهاء

صلوات

فضای مجازی

@sarzaminzeytoon

صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان گیلان

کد پستی

۴۱۴۵۲۵۵۰۴۵





در مکتب حسین علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَأُمِّكَ وَآخِيكَ وَالْمَعْصُومِينَ مِنْ وَلَدِكَ.

سلام بر امامی که ندای حیات بخش قیامش، پژواکی عظیم و پرطنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد بخشید و از اثر آن انقلاب اسلامی ایران پدید آمد. انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست، و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید.

عمر غفرلہ

بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب
به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران
۱۸ / تیر / ۱۴۰۵



سید علی حسینی خامنه‌ای

سید علی حسینی خامنه‌ای، فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در فروردین ماه سال ۱۳۱۸ شمسی در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. او در فضای ساده و مذهبی خانه‌ای روحانی پرورش یافت، تحصیلات دینی را از کودکی آغاز کرد و برای ادامه تحصیل به حوزه‌های علمیه مشهد و قم رفت. از سال‌های جوانی با نهضت اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) آشنا شد و در سال‌های مبارزه، بارها تحت فشار و محدودیت قرار گرفت. او در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و خطابه‌ها، نقشی مؤثر در گسترش آگاهی دینی و انقلابی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت‌هایی چون نمایندگی مجلس، امامت جمعه تهران و ریاست جمهوری را بر عهده گرفت و در سال ۱۳۶۸ به رهبری جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

رهبر فرزانه انقلاب و سکان‌دار مبارزه با استکبار جهانی، با ایمانی استوار و روحیه‌ای مقاوم، عمر خویش را در راه دفاع از آرمان‌های اسلام، عزت مسلمین و ایران اسلامی سپری کرد و سرانجام، پس از سال‌ها مجاهدت و استقامت، به لقای حق شتافت و به یاران شهید خویش پیوست.

فهرست

عنوان	خاطره
شام مهمانی رئیس جمهور	۱
خانه‌ای که رهبر در آن بزرگ شد	۲
شام رهبر؛ نان و کشمش!	۳
خانه والدین رئیس جمهور	۴
فیلم برداری از خانه‌ی رهبر	۵
گوشت کوبنی برای رئیس جمهور	۶
فرش زبرتر از موکت!	۷
مسئولی که در خانه‌اش برنج پیدا نمی‌شد!	۸
عبادت حضرت آقا در زندان	۹
تربت امام حسین (ع) برای دفع سیل	۱۰
وقتی همه‌ی محافظانش به مرخصی رفتند	۱۱
آیت‌الکرسی برای مردم استقبال‌کننده	۱۲
بازدید از فداییان انقلاب وظیفه است!	۱۳
ناشناس و بدون تشریفات، میان مردم، برای مردم	۱۴
بهترین و بدترین گزارش‌ها برای رهبر	۱۵
عمامه‌ای که مدیون خون بود	۱۶
مسئولی که به محافظانش خدمت می‌کرد	۱۷
نباید میان من و مردم فاصله باشد!	۱۸
همراه با مردم کوچه بازار	۱۹
اولویت من دقت است!	۲۰
روحیه بلند!	۲۱
تاکتیکی که رسیدن به اهداف را دور می‌کند!	۲۲

عنوان	خاطره
تسلط بر علم کتاب‌شناسی و نسخ خطی	۲۳
ناچیز در مقابل همت ایرانی	۲۴
حتی به اندازه یک وجب!	۲۵
اعتماد به تخصص و کالای ایرانی	۲۶
گره‌گشایی از بحران‌ها با توسل به مسجد جمکران	۲۷
پایه‌گذار صنعت موشکی کشور	۲۸
وقتی غرور اروپایی‌ها شکست	۲۹
تنها مخالف خرید موشک‌های ارزان قیمت	۳۰
عتاب رهبری در مواجهه با صحنه سازی‌ها	۳۱
حمایت‌های آقا از رویان در فضای بی‌اعتمادی‌ها	۳۲
طنین فارسی در سازمان ملل	۳۳
این هنوز از نتایج سحر است!	۳۴
بشارت به اسلام در دیدار با نویسنده مسیحی	۳۵
وقتی رهبر ایران شیوه‌های مقاومت را به نلسون ماندلا می‌آموزد	۳۶
سخنرانی مرجع تقلید شیعیان در مسجد اهل سنت کشمیر	۳۷
تبیین علت دشمنی مستکبرین با ایران اسلامی در پاکستان	۳۸
سیاست مدارتر از رئیس سازمان ملل متحد	۳۹
جنگ میان دو اردوگاه غیرخدایی	۴۰
نویدی محقق شده در دل نبرد	۴۱
وقتی یک ایرانی در تربیون سازمان ملل متحد از عدم جدایی دین از سیاست نطق می‌کند	۴۲
صحبت با مردم دنیا از تربیون سازمان ملل	۴۳
سخنرانی یک ایرانی در اجلاس سران عدم تعهد‌ها علیه جناح چپ و راست	۴۴

عنوان	خاطره
شما غلط می کنید!	۴۵
نطق ویران کننده در تریبون سازمان ملل	۴۶
جایز نیست بچه ها سر این سفره بنشینند!	۴۷
بهتر از دویست تا!	۴۸
راهی جز بازگشت ندارید!	۴۹
وقتی نخست وزیر چین شخصاً از رئیس جمهور ایران عذرخواهی می کند	۵۰
وقتی رئیس جمهور ایران در نماز جمعه مسلمانان چین سخنرانی می کند	۵۱
جمعه نصر	۵۲
ملت های ایران و رومانی در چه چیزی اشتراک دارند؟	۵۳
دردی که با عشق خدمت تسکین می یافت	۵۴
آداب احترام رئیس جمهور ایران به مزار سرباز گمنام و تیتو	۵۵
شرط های ما در برجام رعایت نشد	۵۶
عمل نکردن آمریکا به وعده های توافق هسته ای	۵۷
بم؛ جایی که حضور، واجب تر از هر نگاه و فرمان بود	۵۸
وقتی زمین فوتبال، مدرسه ای برای بزرگان کشور معرفی می شود	۵۹
بزرگ در نگاه دنیا	۶۰
لحظه های عرفه در حیاط خانه؛ با عطر حضور مادر که در یاد جاودان شد	۶۱
شاهنامه، تجلی گاه هویت ملی ایرانی در بستر حکمت قرآنی	۶۲
معجزه ی طبس، تجلی «نصر من الله» در برابر فیل های فولادی آمریکا	۶۳
وقتی نجوای توسل کودکان، قانون زندان را درهم می شکند	۶۴
فتح خرمشهر، نمایش بی بدیل عزت ملی در برابر جهانیان	۶۵
شجره ی طیبه، روایت اصالت و تبلور هویت در تبار سادات	۶۶

عنوان	خاطره
شجره‌نامه ما تنظیم علامه طباطبایی است	۶۷
آنجا که مهر پدری، فراتر از توانِ دستان، شروع به بافتن می‌کند	۶۸
لحظه‌های تلخ پیش از رحلت امام، بغضی که ناتمام ماند	۶۹
وقتی عبا، تنها پناهگاه مطالعه بود	۷۰
نوجوانی؛ دوره طلایی مطالعه و یادگیری	۷۱
مدیون این مرد و کتابش هستم	۷۲
عده‌ای تهاجم فرهنگی را نفهمیدند	۷۳
روایت یک هشدار درباره نفوذ فرهنگی	۷۴
شورای عالی انقلاب فرهنگی، از یک ایده تا ستون فقرات نظام	۷۵
قدرت کلام امام در برابر سانسور مدرن پیام	۷۶
تیپی کوچک، اثری بزرگ؛ روایت امداد الهی در جبهه	۷۷
ضعف باور به کمک الهی؛ سد راه پیشرفت کشور	۷۸
سرداری که مادرش فکر می‌کرد مستخدم سپاه است!	۷۹
گیلان، سربلند در آزمون ایمان و جهاد	۸۰
نیروگاه هسته‌ای هم می‌توانیم بسازیم	۸۱
پشتوانه مردمی، رمز پیروزی ولیّ خدا در تمام دوران	۸۲
از پیشرفت هسته‌ای خبری نبود، اگر...	۸۳
هم‌رکاب با چمران در دل نبرد	۸۴
شهیدی که زیر آفتاب مانده بود	۸۵
از تضرع تا تکلیف، روایت یک مسئولیت بزرگ	۸۶

شام مهمانی رئیس جمهور

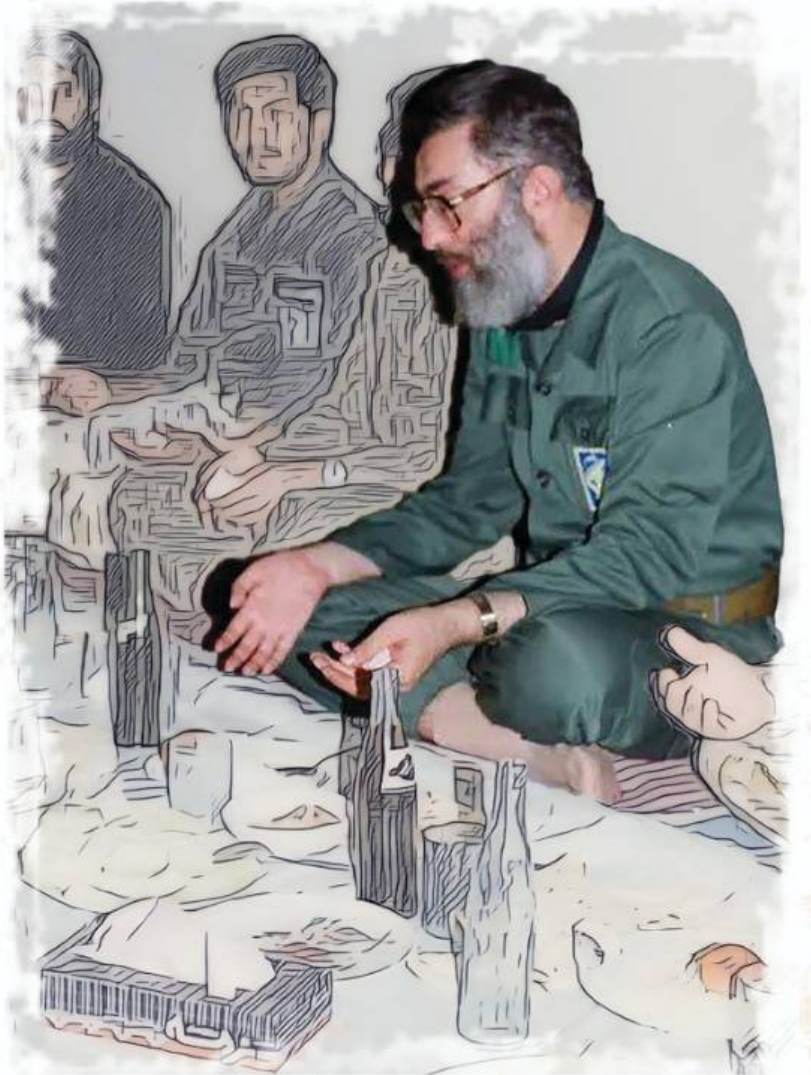
یک روز، زمان جنگ که حضرت آقا هنوز رئیس جمهور بودند، خدمت ایشان در منزلشان رسیدم. بعد از نماز مغرب و عشا آقا فرمودند: «آقا رحیم! شام می مانید؟»

گفتم: «شام علما برکت دارد!»

گفتند: «از بیرون سفارش بدهم یا هرچه در خانه است می خورید؟»
گفتم: «هرچه در خانه است کفایت می کند.»

سفره را انداختند؛ یک املت ساده با مقداری سبزی خوردن. شام رئیس جمهور ایران همین بود!

قالیچه ای کف اتاق ایشان پهن بود که تقریباً ریش ریش شده بود و این هم وضعیت خانه رئیس جمهور بود!
حالا فرزندان‌شان هم همین نوع زندگی را دارند...



✍️ راوی: سردار یحیی رحیم صفوی، دستیار و مشاور عالی رهبر شهید انقلاب در امور نظامی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

خانه‌ای که رهبر در آن بزرگ شد

منزل پدری من که در آن متولد شده‌ام، تا چهار پنج سالگی من یک خانه ۶۰-۷۰ متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق و یک زیرزمین تاریک و خفه‌ای داشت.

هنگامی که برای پدرم میهمان می‌آمد (و معمولاً پدر بنابر اینکه روحانی و محل مراجعه بود، میهمان داشت) همه ما باید به زیر زمین می‌رفتیم تا مهمان برود. بعد عده‌ای که به پدر ارادت داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم.

راوی: رهبر شهید انقلاب آیت الله خامنه‌ای. ۱۳۷۱/۰۱/۱۶



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شام رهبر؛ نان و کشمش!

پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه گیر... زندگی ما به سختی می گذشت. من یادم هست شب هایی اتفاق می افتاد که در منزل ما شام نبود! مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می کرد و آن شام هم نان و کشمش بود.



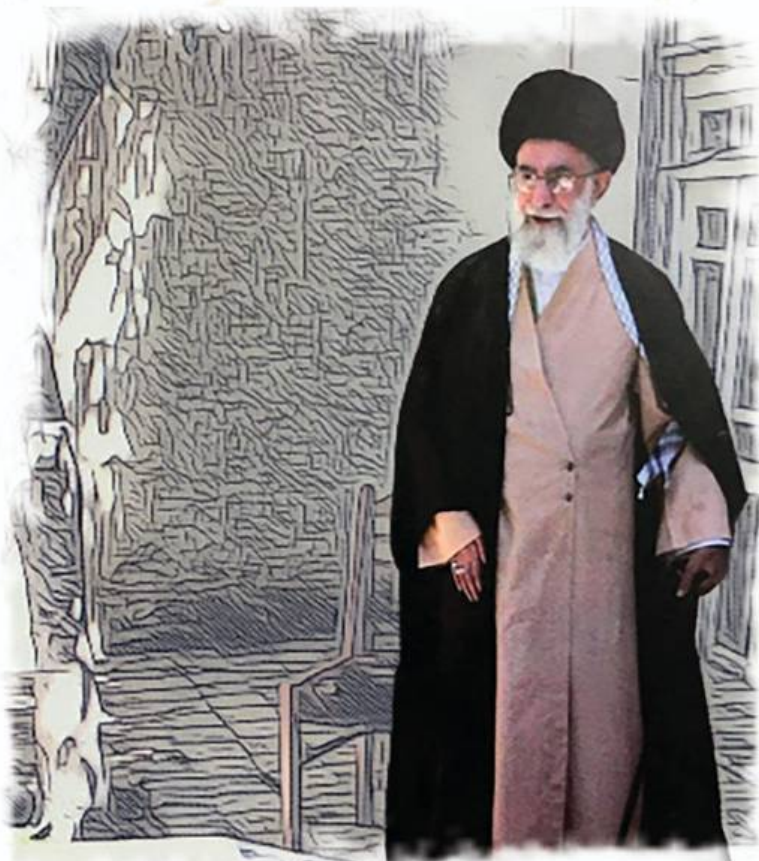
✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب آیت الله خامنه ای - ۱۳۷۱/۰۱/۱۶



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

خانه والدین رئیس جمهور

در این خانه [پدری]، هشت سال پدر و مادر رئیس جمهور وقت زندگی کردند. بنده رئیس جمهور بودم و امکانات این کشور محدودی که در اختیار رئیس جمهور بود، در اختیار بنده بود؛ اما این پیرمرد و پیرزن کوچک ترین توقعی نداشتند که چون پسرشان رئیس جمهور شده، این خانه را تبدیل به احسن کنند یا دستی به سر و صورتش بکشند.



پدرم تا سال ۶۵ و مادرم تا انتهای دوران ریاست جمهوری در همین خانه زندگی می کردند؛ اما این خانه کمترین تغییری در جهت کامل شدن پیدا نکرد؛ این برای جمهوری اسلامی مایه افتخار و مباهات است. اگر این خانه از این جهت حفظ شود، خوب هست؛ و الا از جهت خشت و گل و یا از این جهت که اینجا محل تولد یا بزرگ شدن فلانی است، حفظ آن ارزشی ندارد. البته فضل این کار به من بر نمی گردد؛ به آن دو بزرگوار برمی گردد که به معنای واقعی کلمه زاهد و به زخارف و ظواهر دنیایی رغبت بودند.

راوی: رهبر شهید انقلاب آیت الله خامنه ای - ۱۳۷۵/۰۴/۱۴

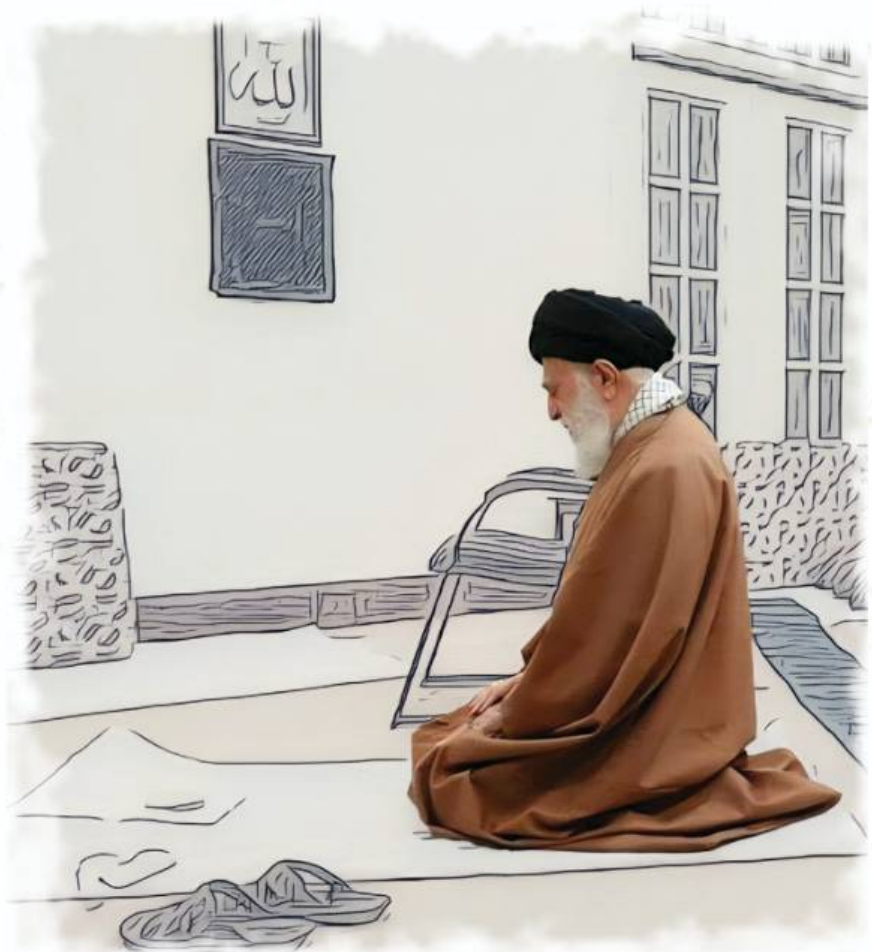


خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

فیلم برداری از خانه رهبر

ما زمانی خدمت حضرت
آقا رفتیم و از ایشان
درخواست نمودیم تا
اجازه بفرمایند از داخل
منزلشان وضعیت زندگی
شان فیلمبرداری کنیم، تا
مردم وضعیت زندگی رهبر
خود را ببینند و بفهمند که
ایشان چگونه زندگی می
کنند.

آقا فرمودند: «اگر شما
بخواهید زندگی مرا نشان
بدهید، می ترسم خیلی ها
باور نکنند.»



✍️ راوی: حجت الاسلام علی اکبری



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

گوشت کوپنی برای رئیس جمهور



مصرف گوشت خانه‌ی آیت
الله خامنه‌ای در زمان ریاست
جمهوری تنها از طریق کوپن
بود.

ایشان در آن زمان به من
فرمودند: «من تاکنون غیر از همان
گوشت کوپنی که به همه مردم
داده می‌شود، گوشت دیگری از
بازار نخریده‌ام.»
امروز هم زندگی ایشان
مثل زندگی مردم محروم و
مستضعف است.

✍️ راوی: علامه محمدتقی مصباح یزدی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

فرش زبرتر از موکت!

برخود واجب می‌دانم که شهادت دهم زندگی داخلی آیت‌الله خامنه‌ای را؛ نه از باب اینکه رهبر عزیز انقلاب ما به این حرف‌ها نیاز داشته باشند، بلکه وظیفه خود می‌دانم تا این مهم را به مردم مسلمان و انقلابی ایران بگویم که من از داخل منزل ایشان مطلع هستم. مقام معظم رهبری در خانه بیش از یک نوع غذا بر سفره ندارند. خانواده معظم له روی موکت زندگی می‌کنند. روزی به منزل ایشان رفتم یک فرش مندرس آن جا بود، من از زبری آن فرش به موکت پناه بردم.



راوی: مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

مسئولی که در خانه اش برنج پیدا نمی شد...



در زمانی که من نماینده شورای اسلامی بودم، همسر من یکی از بچه ها را نزد پزشک برد و در مطب پزشک، همسر ایت الله خامنه ای را ملاقات کرد. ایشان نیز یکی از فرزندان خود را برای مداوا به آنجا آورده بودند. کسی نمی دانست که ایشان کیست!

چون نوبت به همسر آقا رسید، به اتاق پزشک مراجعه کردند. دکتر پس از معالجه، گفت: «برای مداوا این فرزند باید روزی یک لیوان لعاب برنج به او بدهید.» همسر مقام معظم رهبری گفتند: «ما چنین امکاناتی را نداریم.»

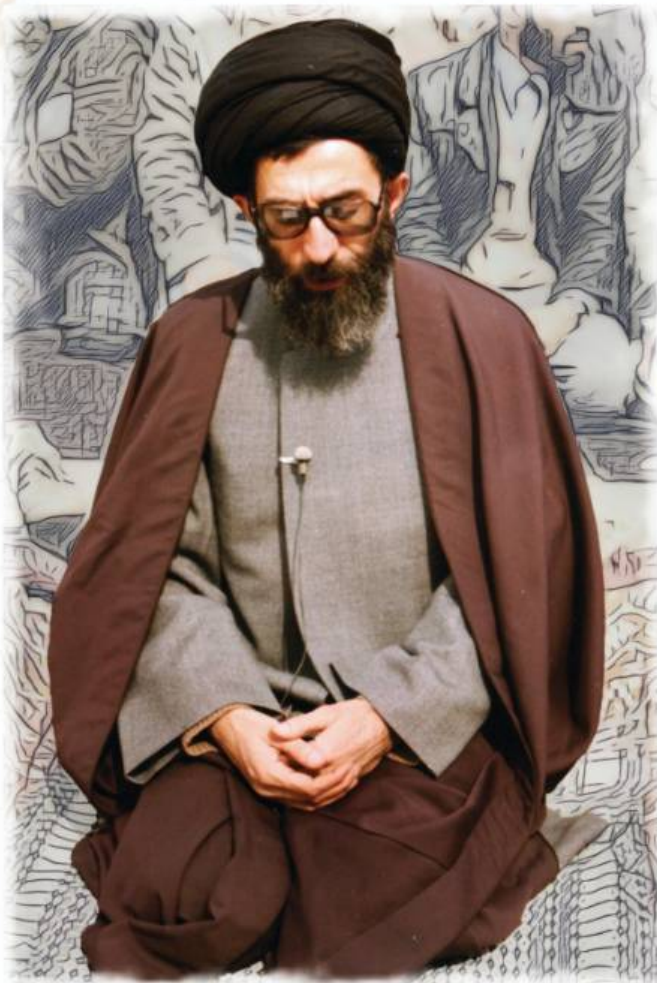
پزشک که ایشان را نمی شناخت عصبانی شد و گفت: «مگر امکان دارد که در خانه ای برنج نباشد؟» همسر ایت الله خامنه ای فرمود: «همسر من اجازه نمی دهد که در خانه، غیر از برنج کوپنی مصرف کنیم و آن نیز کفاف خوراک ما را بیش از یک بار در هفته نمی دهد.»

✍️ راوی: سید علی اکبر طاهایی، معاون وزارت کار و امور اجتماعی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

عبادت حضرت آقا در زندان



دو نفر می ایستادند تا دو نفر دیگر بتوانند به حالت نیمه دراز کشیده ساعتی بخوابند و بعد، جایشان را عوض می کردند. آن سلول انفرادی زندان ساواک، برای یک نفر هم تنگ و تاریک بود؛ چه برسد به چهار نفر! اما او در همان وضعیت، نمازهای یومیه که هیچ حتی نماز مستحبی می خواند دم غروب کنار پنجره‌ی کوچک سلول، به نماز می ایستاد، زیر لب قرآن می خواند و زار زار اشک می ریخت. احساسات روحانی او آنقدر زیاد و زلال بود که به گفته هم سلولی اش، هوشنگ اسدی که افکار کمونیستی داشت، در او هم اثر می کرد و می فهمید که او از صمیم قلب، با خداوند راز و نیاز می کند.

اسدی مذهبی نبود و سال ها بعد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، (به جرم جاسوسی برای ساواک در قبل از انقلاب) به زندان افتاد و بعدتر، به خارج از کشور رفت و به ضدیت با جمهوری اسلامی پرداخت. اما اسدی، در همین ایام خارج نشینی، وقتی خاطرات آن چهارماه هم سلولی بودن را روایت کرد، به صراحت گفت: «آقا خامنه‌ای ماه بود.»

راوی: رجوع شود به فیلم مصاحبه‌ی برنامه پرازیت صدای آمریکا با هوشنگ اسدی



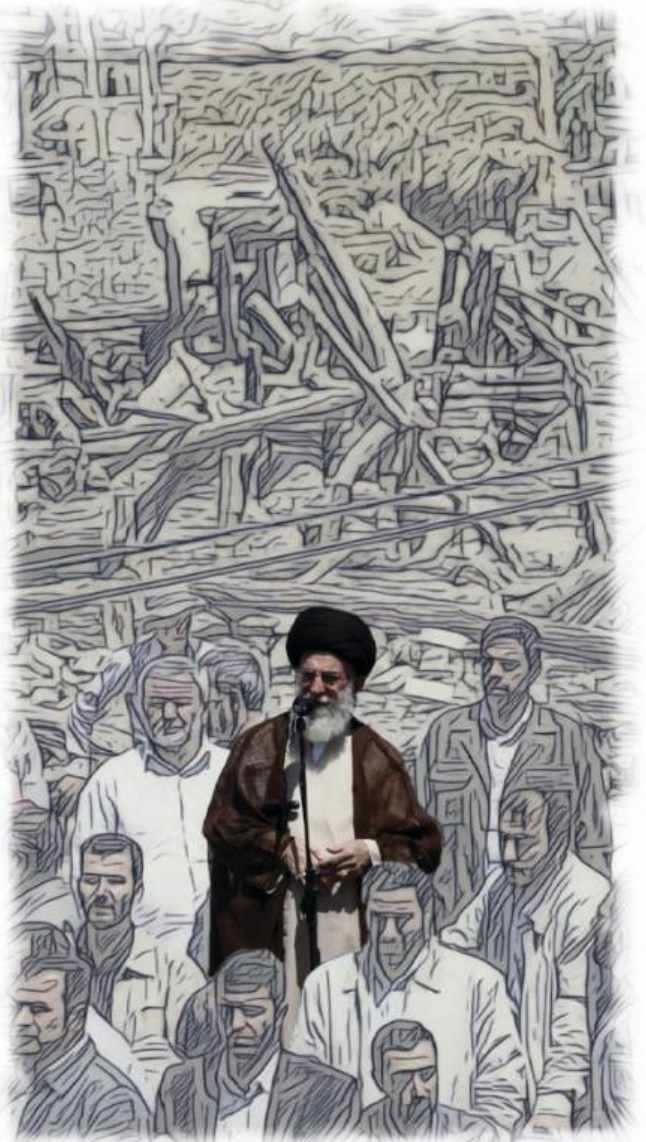
> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تربت امام حسین (ع) برای دفع سیل

پس از نماز مغرب دیدم سیل شهر [ایران شهر] را فرا گرفته و آب بالا آمده تا جایی که به ایوان مسجد هم رسیده. جریان سیل، دوسه ساعت ادامه داشت. در این مدت، صدای آوار خانه ها را یکی پس از دیگری می شنیدیم. همه چیز وحشتناک بود، تاریکی ناشی از قطع برق، سیل خروشان و بی امان، خراب شدن خانه ها و فریاد کمک خواهی مردم؛ دنبال هر وسیله ای برای مقابله با وضع موجود می گشتم.

قبلا این مطلب را شنیده بودم که برای رفع چنین خطر فراگیری می توان با تربت سیدالشهدا (ع) به اذن خدای متعال توسل جست. قطعه ای از تربت که خدابه برکت وجود ریحانه پیامبر (ص) بدان شرافت بخشیده در جیب داشتم، آن را از جیب بیرون آوردم و به خدا توکل کردم و آن را در میان امواج پر تلاطم سیل پرتاب کردم. لحظاتی نگذشت که به لطف و فضل خدا سیل بند آمد. پس از آن، کمیته ای برای کمک به سیل زدگان تشکیل دادیم. در شهر پیچید که خانه تبعیدی ها را آب نگرفته و این را کرامتی برای ما تلقی کردند!

امامن به مردم توضیح دادم و گفتم: «این که آب وارد خانه ما نشده به دلیل این هست که خانه در جای بلندی واقع شده است بنابراین معجزه و کرامتی در کار نیست.»



راوی: رهبر شهید انقلاب آیت الله خامنه ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی همه محافظانش به مرخصی رفتند!

(هفته اول جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران بود.) شش هفت نفر محافظ هم داشتیم؛ به محافظین گفتم: «شماها مرخصید، من دارم می‌روم میدان جنگ، شما دور من هستید که من کشته نشوم، من دارم می‌روم طرف میدان جنگ، آنجا دیگر محافظ معنی ندارد!» این طفلک‌ها گریه‌شان گرفت که نمی‌شود و این حرف‌ها. گفتم: «نه، من شماها را نمی‌برم.» گفتند: «خیلی خب، پس به عنوان محافظ نه، اما به عنوان همراه، ما هم بیاییم؛ ما هم می‌خواهیم برویم جبهه، ما را اینجوری ببرید.» گفتیم باشد، که با من به منطقه‌ای که رفتیم آمدند؛ تا آخر دیگر با ما بودند. عصر راه افتادیم با مرحوم چمران، سوار یک سی ۱۳۰ شدیم و آمدیم طرف اهواز.



✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب آیت الله خامنه‌ای - ۱۳۹۷/۰۷/۰۴



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!



برای سلامتی مردم استقبال کننده آیت الکرسی می خوانم

به یاد دارم در سفرهای استانی که خدمت ایشان بودم، یکی از نگرانی‌های ایشان به خصوص در مراسم استقبال مردمی این بود که نکند در این مراسم استقبال که هجمه جمعیت به سمت خودروی حامل ایشان بالاست، به کسی آسیبی وارد شود.

لذا یک بار ایشان فرمودند: «من از همان اول که در این نوع مراسم استقبال در اتومبیل می‌نشینم، برای مردم و سلامتی آنها آیت الکرسی می‌خوانم که اتفاقی برایشان نیفتد.»

در یکی از سفرهای استانی در مراسم استقبال باخبر شدند که پیرمردی که برای استقبال آمده بود، زیر دست و پا و در جمعیت صدمه دیده است. لذا وقتی نزدیک مغرب به محل مورد نظر رسیدیم، مقام معظم رهبری بعد از خواندن نماز مغرب و عشاء سریع به بیمارستانی که آن پیرمرد بستری بود، رفتند و از اوضاع سلامتی و احوال ایشان جویا شدند.

راوی: سردار حسین نجات، رئیس سابق تیم حفاظت رهبر شهید



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بازدید از فداییان انقلاب وظیفه است

در طول ریاست جمهوری تا رهبری، هیچگاه ایشان برنامه بازدید از خانواده شهدا یا ملاقات منظم با آنها را از دستور کارشان خارج نکردند، زیرا احساس می‌کردند که این‌ها خانواده مردانی هستند که تمام هستی خود را فدای انقلاب کردند و حال، رهبری وظیفه دارد که از آن‌ها بازدید کند.



✍️ راوی: سردار حسین نجات، رئیس سابق تیم حفاظت رهبر شهید



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

ناشناس و بدون تشریفات، میان مردم، برای مردم

آیت الله خامنه‌ای در جریان زلزله (بم دی ۱۳۸۲) برای اینکه بتوانند راحت‌تر به همه جاهای شهر سر بزنند و ازدحام مردم، مانع از رسیدگی مطلوب ایشان نشود، اولاً هیچ یک از مسئولان را موقع بازدید مطلع نکردند و ثانیاً با لباس مبدل به آنجا رفتند و بدون عمامه و با کلاهی خاص در آنجا حاضر شدند و به چادرهای مختلف می‌رفتند. حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم در داخل چادر با ایشان صحبت کردند و چون مقام معظم رهبری را با این قیافه ندیده بودند، اصلاً متوجه نشدند که ایشان رهبری هستند.



لذا ایشان با شش تا هفت نفر به اکثر چادرهای مناطق مختلف سر زدند، و بدون این که کسی متوجه شود. این روش را خود ایشان انتخاب کردند تا بتوانند بدون ازدحام و از نزدیک با مردم تماس داشته و اطلاع از وضعیت و شرایط آن‌ها داشته باشند.

✍️ راوی: سردار حسین نجات، رئیس سابق تیم حفاظت رهبر شهید



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بهترین و بدترین گزارش‌ها برای رهبر

همیشه در ملاقات مسؤلان اجرایی کشور با ایشان، گزارش‌هایی که به ایشان داده و بیان می‌شد که مشکلی از مردم در زمینه‌های مختلف مانند اشتغال، آب رسانی، برق رسانی، خدمات عمومی، بیمارستان‌سازی، کم کردن هزینه‌های مردمی یا حوزه سلامت انجام شده است، به شدت مشعوف می‌شدند و در مقابل بدترین گزارش‌ها برای ایشان، گزارش‌های سمینارها و گردهمایی‌هایی پرخرج و کم بازده و بی‌خاصیتی بود که همیشه نسبت به این نوع کارها به مسؤلان اجرایی تذکر می‌دادند و از آن‌ها بازخواست می‌کردند.

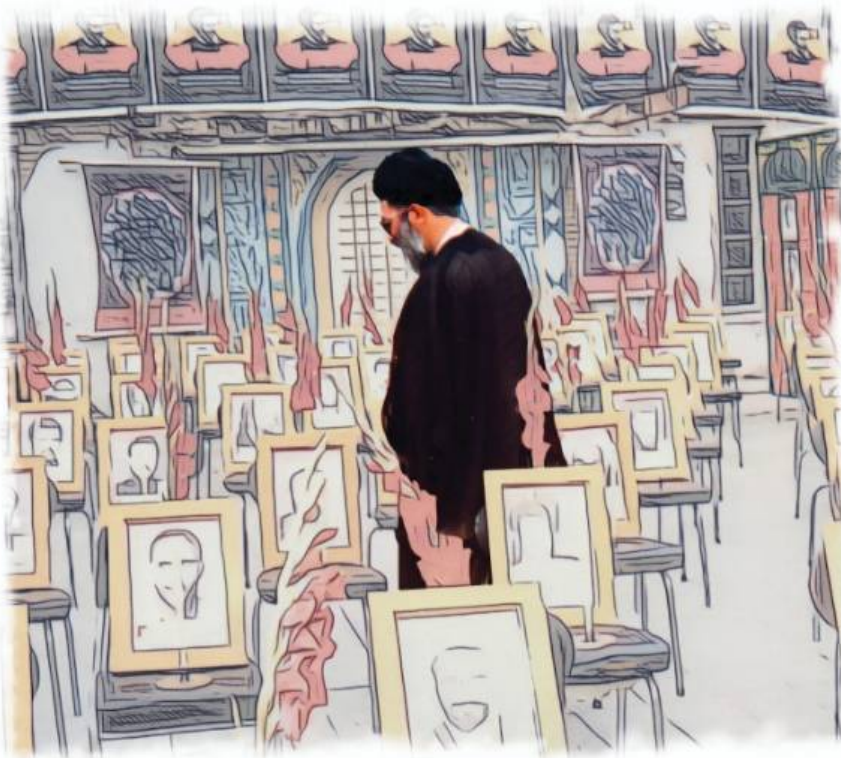


✍️ راوی: سردار حسین نجات، رئیس سابق تیم حفاظت رهبر شهید



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

عمامه‌ای که مدیون خون بود



قرار بود مقام معظم رهبری در ساعت مشخص به منزل یکی از علما تشریف بیاورند. پانزده دقیقه از وقت مقرر گذشت و حضرت آقا بعد از یک ربع تاخیر، تشریف آوردند. آن شخص با کنایه به آقا گفتند: «شما چند دقیقه تاخیر داشتید.»

آقا فرمودند: «بله، ما به دیدن خانواده شهدا که می‌رویم، معمولاً اگر در یک کوچه چند خانواده شهید باشد، به همه آنها سر می‌زنیم. در کوچه‌ای که مارفته بودیم، از قبل گفته بودند دو خانواده شهید حضور دارند ولی

بعد معلوم شد خانواده شهید دیگری نیز حضور دارد، تاخیر ما به این علت بود.»

این آقا باز درک نکرد و گفت: «این کارها برای جذب قلوب بد نیست.» یعنی شما این کار را برای جذب قلوب می‌کنید!

مقام معظم رهبری با یک حالت جدی فرمودند: «شما اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید، ولی آقای... بدانید اگر این خانواده شهدا نبودند، اگر خون‌های پاک نبود، این عمامه بر سر بنده و جنابعالی نبود.»

✍️ راوی: حجت‌الاسلام موسوی کاشانی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

مسئولی که به محافظانش خدمت می‌کرد

سربازها دوتا سنگک را از نانوايي خریدند و به اهل خانه ي او تحويل دادند. سپس به اتاقشان رفتند و دور هم نشستند. هنوز چند دقيقه‌اي نگذشته بود که صدای در متوجه‌شان کرد. درِ اتاق، چندبار تا نیمه باز و سپس، بسته شد. یکی از سربازها بلند شد و در را باز کرد. ناباورانه دید که او بایک سینی چای در دست چپ، پشت در ایستاده و از آن جایی که دست راستش در حادثه‌ی ترور ششم تیر ماه ۱۳۶۰ از کار افتاده بود، سعی داشت در را با پایش باز کند، اما موفق نمی‌شد. هر روز که سربازها برای خانه‌ی او نان می‌خریدند و می‌آوردند، او فوراً یکی از پسرهایش را به اتاق سربازها می‌فرستاد تا بخشی از نان‌ها را برای خودشان بیاورد، اما آن روز، آیت الله خامنه‌ای خودش با دستان خودش برای سربازهایش که وظیفه‌ی حفاظت از جان او را داشتند، نان و چای آورده بود...



راوی: برداشته شده از کتاب خون دلی که لعل شد (خاطرات آیت الله خامنه‌ای)



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

نباید میان من و مردم فاصله باشد!

در جریان سفر آیت الله خامنه‌ای به تبریز در سال ۱۳۷۲، استقبال بی‌نظیری در تبریز از ایشان شد. به چند شهرستان هم تشریف بردند و در تمام طول سفر به مشکلات مردم رسیدگی می‌کردند. در مصلاي تبریز، برای رسیدگی به مشکلات، دیدارهای مردمی انجام می‌گرفت. در مقابل ایشان، نواری کشیده شده بود که فاصله‌ای ایجاد شود بین ایشان و مردمی که برای بیان مشکلات به حضورشان می‌رسیدند. ایشان درخواست کردند که این نوار برداشته شود تا فاصله‌ای در میان نباشد.



راوی: مرحوم آیت‌الله مسلم ملکوتی، امام جمعه سابق تبریز



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

همراه با مردم کوچه بازار

مقام معظم رهبری درباره تورم و گرانی از مسئولانی انتقاد می‌کردند. در مقابل، مسئولانی مدعی بودند که گزارش‌های نادرست محضر ایشان ارائه می‌کنند. معظم‌له با اطمینان پاسخ می‌دادند: «این‌ها گزارش‌های دیگران نیست، محصول ارتباط من با جامعه و مردم است. اعضای خانواده من هر روز خودشان برای خرید مایحتاج روزمره از قبیل نان و... به کوچه بازار مراجعه می‌کنند و با این واقعیات، مانوس و دست به گریبانند.»



✍️ راوی: دکتر محمد حسین صفار هرنیدی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام



> **خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!**



اولویت من دقت است!

وقتی تولیدات اولیه موشک اتفاق افتاد، حضرت آقا بلافاصله فرمودند:

«حالا روی کیفیت تولیدات کار کنید.»

تا پیش از این؛ ما روی بومی سازی کار کرده بودیم، اما محصولات دقت لازم را نداشت. در اولین جلسه ای که ما ۱۶ آذر سال ۸۸ خدمت حضرت آقا رسیدیم، من یادم است که عرض کردم برنامه های ما این است و این کارها را می خواهیم بکنیم. در برنامه ها، من صحبت از دقت عملکرد تولیدات نکرده بودم. آقا فرمودند: «اولویت من دقت است. این هایی که می گوئید خوب است، ولی بروید و روی دقت متمرکز بشوید.» ما هم گفتیم چشم.

✍️ راوی: پاسدار شهید امیرعلی حاجی زاده، فرمانده سابق نیروی هوافضای سپاه



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!



روحیه بلند!

زمان جنگ، زمانی که آیت الله خامنه ای رئیس جمهور بودند، روزی ایشان در حال گفتن خطبه های نماز جمعه بودند که دشمنان با برنامه ریزی قبلی، بمبی را در محل برگزاری نماز جمعه منفجر کردند. بلافاصله بعد از انفجار، معظم له دست را بالا آوردند و خطبه ها را ادامه دادند. طمأنینه و آرامش ایشان، نشان از آن داشت که این صحنه، هیچ تاثیری در شکستن روحیه بلند آقا نداشته است. مردم نیز با متانت و صبر، فوراً نظم جلسه را برقرار کردند و خطبه های نماز جمعه ایشان، همچنان ادامه یافت، گویا هیچ حادثه ای رخ نداده بود، در صورتی که در آن لحظه، عده ای شهید و بدن هایشان قطعه قطعه شده بود و مردم نظاره گر پیکرهای تکه تکه شده آنها بودند. آن صحنه، از صحنه های به یادماندنی و جاویدان انقلاب اسلامی است.

راوی: حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی



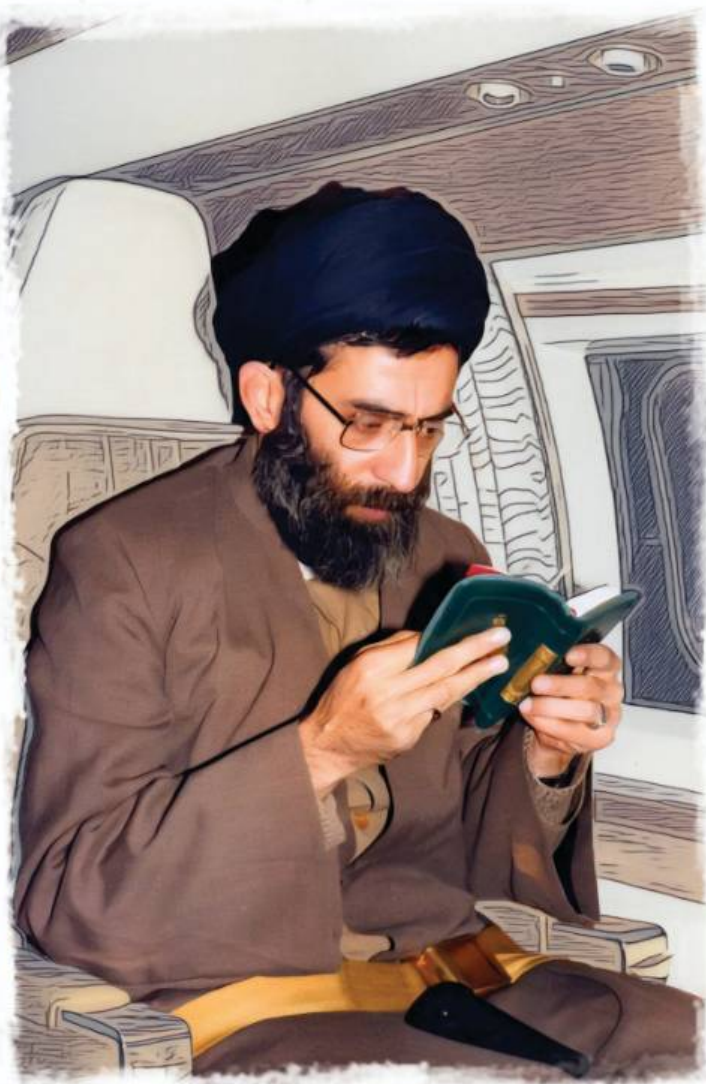
> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تاکتیکی که رسیدن به اهداف را دور می‌کند!

بنده زمان ریاست جمهوری به یکی از کشورهای مسلمان مدعی مبارزه‌ی با اسرائیل رفتم و با رئیس آن کشور گفت و گو کردم. او قبلاً گفته بود ما حاضریم با زمامداران اسرائیل ملاقات کنیم و مراوده داشته باشیم! من به او گفتم: «این چه حرفی است که از قول شما نقل شده است!»

به معاونش نگاهی کرد و بنا کردند قه‌قهه خندیدن! من با خودم گفتم لابد جواب مهمی دارند گفتند: «بله این حرف‌ها تاکتیک بود!»

گفتم عجب؛ تاکتیکی است که انسان را از اصل اهداف دور می‌کند. مبنای کار شما تحریم اسرائیل بود؛ شما می‌خواستید اسرائیل در محیط اسلامی و عربی به صورت یک سکه‌ی رایج درنیاید؛ اما به عنوان تاکتیک دارید درست عکس این را عمل می‌کنید. گاهی بعضی‌ها به عنوان این که ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون می‌کنند! باید مراقب باشید این‌طوری نشود. کسانی که این‌گونه عمل می‌کنند، غلط و برخلاف این عمل می‌کنند.

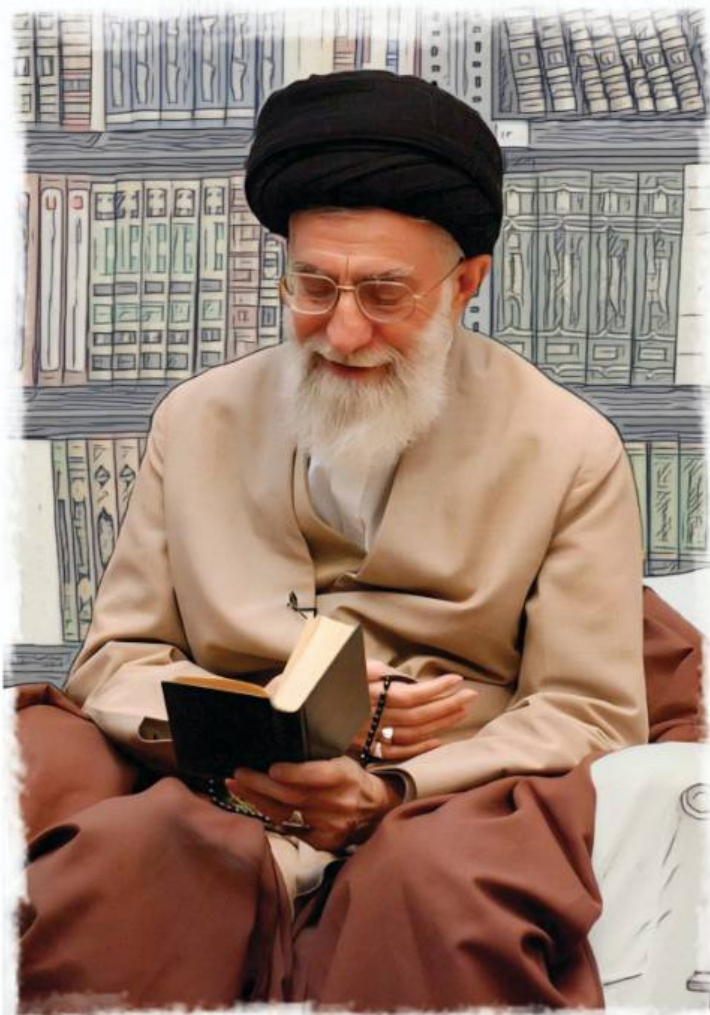


حجۃ‌الرای: آیت الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب - ۱۳۸۴/۰۳/۱۰



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تسلط بر علم کتاب‌شناسی و نسخ خطی



مقام معظم رهبری زمانی که از کتابخانه فیضیه بازدید می کردند، به هر قسمتی که می رسیدند، می ایستادند، بعضی از کتاب‌ها را به دست می گرفتند، مطالعه می کردند و در خصوص آن‌ها توضیحات می دادند که برای ما خیلی جالب بود، ایشان طوری درباره کتاب‌ها و علم کتاب‌شناسی سخن می گفتند که برای من بسیار تازگی داشت. وقتی درباره کتاب‌های خطی اظهار نظر می کردند، آیت‌الله استادی که خود متخصص کتب خطی هستند، بسیار متعجب شده بودند.

✍️ **راوی:** حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ملکا، مسئول دفتر رهبر انقلاب در قم



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

ناچیز در مقابل همت ایرانی

آن‌ها چیزی را که همه می‌گفتند نمی‌توان ساخت، بدون کمک بقیه ساختند؛ اما او به آن‌ها گفت:
«کار بزرگی نیست.»



راوی: برداشت از بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران - ۱۳۸۸/۱۱/۳۰



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

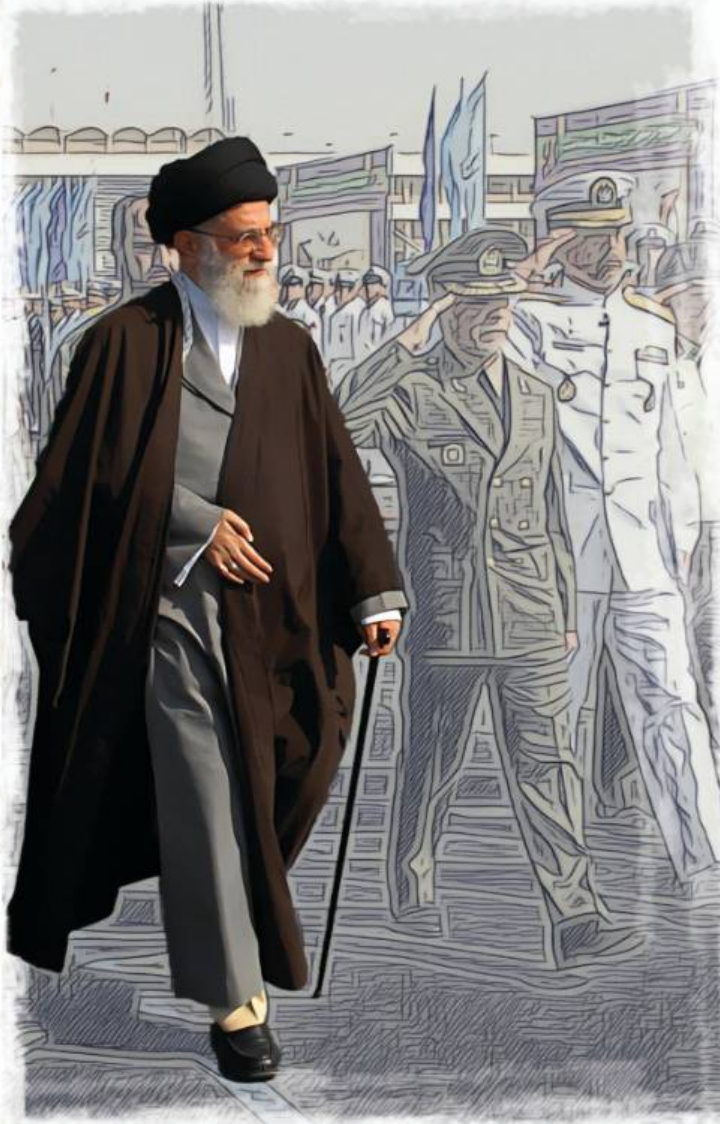
بهمن سال ۱۳۸۸ بود، ایشان برای دیدن به آب انداختن ناوشکن [جماران] که سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح آن را ساخته بود، به بندرعباس رفته بود. او فرمان ساخت این غول پیکر دریایی را در سال ۱۳۷۶ و هنگامی که از نمایشگاهی در کارخانه‌های نیروی دریایی راهبردی ارتش بازدید می‌کرد، صادر کرده بود و به آن‌ها گفته بود: «ناوشکن بسازید، آن هم با قابلیت حمل بالگرد و پرتاب موشک!» در آن زمان، نیروی دریایی ایران در زمینه‌ی ادوات، فقط در حد سامانه و سیستم بود و تنها کار راهبری و تعمیرات ناوها را انجام می‌داد و همه تجهیزات مورد نیازش وارداتی بود. حتی برای خود فرماندهان نیروی دریایی، ساخت ناوشکن، افقی دور دست بود؛ چه برسد به ساخت ناوشکن با قابلیت‌های موشک اندازی و حمل بالگرد، اما پس از فرمان ایشان، نیروی دریایی دست به کار شده بودند و حالا بعد از ۱۲ سال توانسته بودند بدون کمک خارجی، ناوشکن کاملاً ایرانی جماران را به دست متخصصین داخلی بسازند. ایشان وقتی شناور شدن جماران در خلیج فارس و ملحق شدن آن به ناوگان نیروی دریایی ارتش را دید، گفت: «بعضی‌ها بودند که به نظرشان می‌رسید این کار شدنی نیست. نه فقط شدنی بود، بلکه نسبت به هم‌متی که امروز شما برای کارهای بزرگ دارید، این یک کار چندان هم بزرگ به حساب نمی‌آید!» به حقیقت رهبر شهید انقلاب به ظرفیت‌ها و شایستگی‌های نیروی انسانی ایرانی ایمان داشت و همین اعتقاد راسخ بود که دیدگان آسمانی او را هم چنان رو به چشم اندازه‌های روشن برای ملت ایران دوخته است.

راوی: برداشت از بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار دست اندرکاران ساخت ناوشکن جماران - ۱۳۸۸/۱۱/۳۰



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

حتی به اندازه یک وجب!



در بحران جنگ خلیج فارس (همزمان با جنگ آمریکا علیه عراق) مقام معظم رهبری ابلاغ فرمودند: «واحدهای نظامی در منطقه جنوب و غرب گسترش پیدا کنند.»

ما جزء واحدهایی بودیم که در منطقه جنوب، حوالی پادگان حمید، اردو زده بودیم. این حرکت در پی همان فرمان بود، فرمانی که در آن آورده بودند: «به هیچ وجه، نباید پذیرفت که کسی حتی

به اندازه یک وجب به خاک ما تجاوز کند.»

این دستور قاطع فرماندهی کل قوا، همه ما را مصمم کرده بود که کوچک ترین رخنه و نفوذ را نپذیریم. ما هرچه در توان داشتیم، به میدان آوردیم و آماده مقابله احتمالی با دشمن شدیم. آمریکایی ها تصمیم داشتند، با تصویب مصوبه ای در کنگره خود، از خاک جمهوری اسلامی ایران برای حمله به عراق استفاده کنند. تدبیر فرمانده معظم کل قوا و در پی آن، حضور گسترده نیروها در مناطق غرب و جنوب، آمریکایی ها را از تصمیمات خودشان بازداشت.

✍️ راوی: سردار علی فضلی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

اعتماد به تخصص و کالای ایرانی

«قطعا از انواع خارجی اش بهتر بود؛ یعنی زیباتر، محکم تر و بهتر!»



راوی: برداشت از بیانات رهبر شهید انقلاب به مناسبت هفته کارگر - ۱۳۹۹/۰۲/۱۷



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

اصل اصل بود! دو تا کاپشن خارجی با جنس و دوخت عالی داشت که دیگران برایش سوغاتی آورده بودند. صبح‌های جمعه، کاپشن می‌پوشید و می‌رفت کوه. یک روز تصمیم گرفت که آن کاپشن‌ها را رد کند؛ چرا که خبردار شده بود؛ مشابهنش را می‌توانند در داخل کشور بسازند.

سال ۱۳۹۷ وقتی خواست مثل هر سال، به دانش‌آموزان نقاط مختلف کشور، پوشاک هدیه بدهد، تاکید کرد به همان تولید کننده‌ی ایرانی سفارش بدهند تا برای بچه‌ها کاپشن بدوزد. او بعداً گفت: «قطعا از انواع خارجی‌اش بهتر بود؛ یعنی زیباتر، محکم‌تر و بهتر!»

ایشان آن سال هم مثل گذشته گفته بود برای تهیه هدیه‌ی بچه‌ها، کالای خارجی نخرند. وقتی هم یکی برای خودش خرید، دید که روی کاپشنی که تولیدکننده‌اش را خودش کاملاً می‌شناسد و حتی می‌داند آن را چه زمانی دوخته است، مارک خارجی زده‌اند! گفته بود آن را بکنند. سپس هم با دلخوری گفت: «تولید پوشاک داخلی ما که یک تولید سابقه دار، قدیمی و ریشه‌دار است (...)، این عیب بزرگ را دارد که رویش به دروغ مارک‌های خارجی را می‌زنند؛ این کار غلط است!»

یکی از بخش‌های پیشرو همین بخش تولید پوشاک است (...). ما با حرکت معمولی به جایی نمی‌رسیم. جهش لازم است، حرکت مضاعف لازم است؛ و زمینه‌ی این حرکت مضاعف خوشبختانه در کشور وجود دارد. عناصر بسیار خوب مبتکر، جوان‌های آماده‌ی به کار، جوان‌های تشنه‌ی کار در کشور وجود دارند. می‌توانیم از وجود این‌ها استفاده کنیم و تولید را به معنای واقعی کلمه جهش بدهیم و جهش تولید خواهد توانست اقتصاد کشور را احیا کند.

راوی: برداشت از بیانات رهبر شهید انقلاب به مناسبت هفته کارگر - ۱۳۹۹/۰۲/۱۷



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

گره‌گشایی از بحر ان‌ها با توسل به مسجد جمکران

آقای شهید سید حسن نصرالله [دبیرکل سابق حزب الله لبنان] می‌گفت: «یک دفعه به همراه شورای حزب الله لبنان محضر مقام رهبری بودیم. اوج سختی و تنگنایی ما بود و خیلی به حزب الله سخت می‌گذشت. کنفرانس شرم‌الشیخ هم صورت گرفته بود، همه توطئه‌ها شده بود که حزب الله را نابود کنند. موقعی که ما با رهبر معظم جهان اسلام دیدار داشتیم، ایشان به ما امید دادند و فرمودند:

«شما پیروز می‌شوید، این چیزها زیاد مهم نیست.»

سپس اضافه کردند و فرمودند: «من در امور کشور بعضی وقت‌ها حل مسائل برایم دشوار می‌شود، دیگر راهی پیدا نمی‌شود، به دوستان و انصار می‌گویم که آماده شوید به جمکران برویم، راه قم را پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم، بعد از راز و نیاز با آقا، من احساس می‌کنم همان جا دست غیبی مرا راهنمایی می‌کند و من در آنجا به تصمیمی می‌رسم و مشکل بدین صورت حل می‌شود و همان تصمیم را عملی می‌کنم.»



راوی: حجت الاسلام والمسلمین عباس کعبی عضو مجلس خبرگان به نقل از شهید نصرالله



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

پایه‌گذار صنعت موشکی کشور

« باید خودکفا باشیم، تکیه ما باید به داخل باشد. »



✍️ **راوی:** پاسدار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده سابق نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

پایه‌گذار صنعت موشکی کشور مقام معظم رهبری است. ما دو فروند موشک را از مجموعه‌ی موجودی هشت فروندی جدا کرده بودیم و داده بودیم به عزیزان متخصص وزارت سپاه که این‌ها را مهندسی معکوس کنند، در همان ماه‌های نخست خود حضرت آقا که آن زمان رئیس جمهور بودند، بازدید کردند و در جلسه‌ای شرکت کردند، تدابیرشان را همان‌جا مطرح کردند. رزمایشی در همان دوره جنگ گذاشته بودیم برای موشکی، خود ایشان حضور یافتند و بازدید کردند و دائماً این موضوع را دنبال کردند. یعنی همان موقع تصمیم سختی بود که شما هشت تا موشک دارید، دوتا را بردارید ببرید مهندسی معکوس. اولین ایرادی هم که آن روز گرفتند این بود که گفتند: «چرا این‌ها را باز نکردید؟»

متخصصین دنبال این بودند که یک مقدار با احتیاط عمل کنند و نگران بودند. یک مقدار ترس داشتند که قرار است چه بشود.

این جسارت را حضرت آقا پمپاژ کردند و گفتند که: «بروید و نگران نباشید و سریع آن‌ها را باز کنید، اگر باز نکنید، فردا نیاز جبهه زیاد بشود؛ ممکن هست همین را هم بیایند و ببرند و دوباره از شما بگیرند. باز کنید و شروع کنید این کار را!» ایشان در مقاطع مختلف نیز با توجه به نیاز کشور، به همین شکل کارها را به جلو پیش می‌بردند و می‌گفتند: «باید خودکفا باشیم، تکیه ما باید به داخل باشد.»

✍️ راوی: پاسدار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده سابق نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



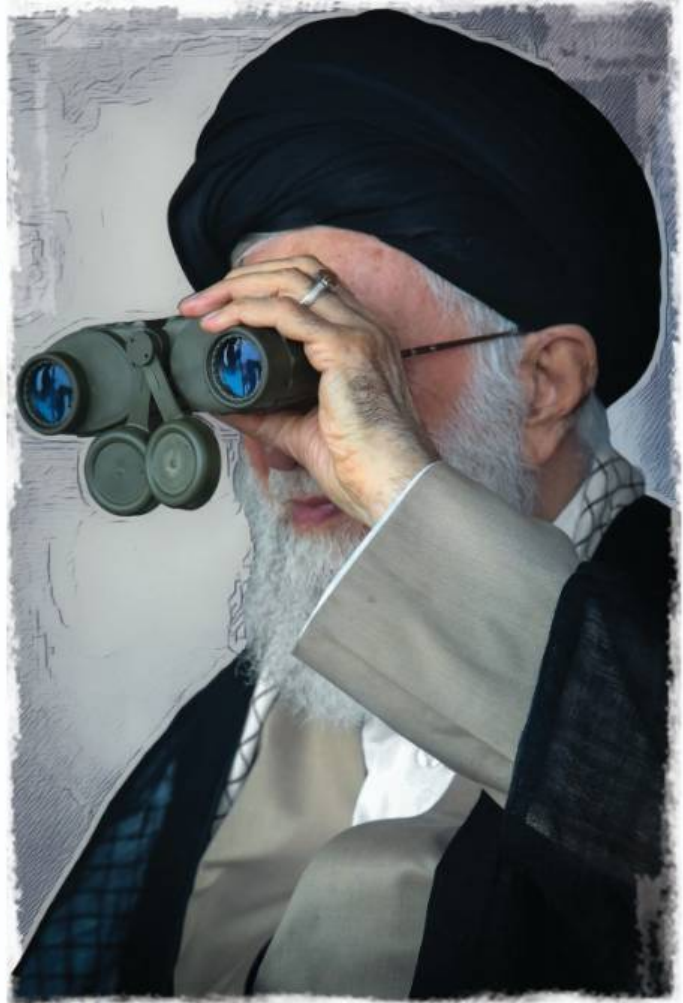
> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی غرور اروپایی‌ها شکست

پس از آنکه سفیران اروپایی به خاطر دادگاه میکنونوس به همراه سفیر آلمان خاک ایران را به عنوان اعتراض ترک کرده بودند، مقام معظم رهبری قاطعانه فرمودند: «سفیر آلمان حق ندارد برگردد تا ما بگوییم.»

اروپایی‌ها هم با هدف تحت فشار قرار دادن ایران و شکستن موضع مقتدرانه رهبری، بازگشت خود را منوط به بازگشت سفیر آلمان اعلام کردند.

مدتی گذشت، آن‌ها دیدند ایران نسبت به سفیران کشورهای اروپایی اعتنایی نمی‌کند و فشارهای آنها تاثیری ندارد. بلاخره مجبور شدند به تدریج و بی سروصدا و مخفی از چشم خبرنگاران و رسانه‌ها، منفعلانه وارد ایران اسلامی شوند؛ زیرا برایشان خیلی ذلت آفرین بود که یک کشور جهان‌سومی از نظرشان که زمانی مستعمره آنها بوده است الان اینگونه برخورد کند.



✍️ راوی: حجت الاسلام والمسلمین پاینده



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تنها مخالف خرید موشک‌های ارزان قیمت!

در اوایل دهه هفتاد، در زمان فروپاشی شوروی آن روز، به یکباره وضعیتی پیش آمد که پیشنهادات خیلی خوبی به ایران شد، وضعیت اقتصادی شوروی به هم ریخته شده بود و متلاشی شده بود، کشورهایی که بعد از فروپاشی شوروی به وجود آمده بودند مشکلات مالی داشتند. از بین همین کشورها آمدند و گفتند:

«ما به شما موشک می‌فروشیم! سکوی پرتاب می

فروشیم.» موشکی که ما از کره شمالی حدود دو و نیم میلیون دلار می‌خریدیم، اینها گفتند دانه‌ای ده هزار دلار می‌دهیم! سکوی پرتابی که کیفیت کره‌ای و روسی آن با هم اصلاً قابل مقایسه نبود گفتند صد هزار دلار می‌دهیم!

در نیروهای مسلح، در مجموعه موشکی، در مجموعه نیرو هوایی، تقریباً هیچ کس نه تنها با این خرید مخالفت نکرد، بلکه همه می‌گفتند: «این عالی است! شرایط خیلی خوبی است! شما بروید بخرید.»



راوی: پاسدار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرماندهی سابق نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

در جمهوری اسلامی فقط یک نفر مخالفت کرد و آن هم حضرت آقا بود! خیلی از مسئولین حتی آمدند، ورود کردند و گفتند برویم حضرت آقا را توجیه بکنیم، قانع بکنیم! آقا محکم مخالفت کردند، مخالفت کردند و مخالفت!

تا جایی که آقا عصبانی شدند و گفتند: «برای چه دنبال این موضوع هستید؟ چرا پیگیری می‌کنید؟»

از سال ۶۳ شروع کرده بودیم به ساخت موشک، شما حساب کنید ۷۱،۷۰،۶۹ این کار داشت یواش یواش به بار می‌نشست، داشت نتیجه می‌داد. حالا در آن روزهایی که داشت نتیجه می‌گرفت؛ ما یکباره می‌خواستیم چه کار کنیم؟ برویم یک تعدادی موشک آماده بخریم، نتیجه‌اش می‌شد که کار ساخت موشک متوقف می‌شد. حضرت آقا برای اینکه ساخت موشک متوقف نشود گفتند: «خرید ممنوع!» عصبانی شدند.

آقا سر بعضی از مسئولین داد زدند و گفتند: «برای چه اینکار را می‌کنید؟ نکنید این کار را!» و مخالفت کردند، شاید آن روز فرض کنید مثلاً ۳۰ سال پیش می‌گفتیم ای کاش آقا موافقت می‌کردند و می‌خریدیم، آن روز خود ما متوجه نبودیم که این تدبیر چقدر اثرگذار است و اگر آن روز انتخاب مسیرمان درست نبود، با این مسیر خودکفایی و قدرت پیدا کردن صنعت موشکی طی نمی‌شد یا خیلی عقب افتادگی زیاد می‌شد، چون بالاخره این را که می‌خریدی، ممکن بود مراحل بعد پیشنهادهای خرید دیگر هم بدهند؛ دیگر مسیر می‌شد مسیر خرید!

این مسیر شاید تا حدی باز باشد و بعد از مدتی بسته می‌شود و دیگر نمی‌توانی خرید کنی، با مشخصات جدید و برد جدید نمی‌توانی خرید کنی. خب این خیلی تعیین کننده بود؛ مسیری که حضرت آقا تعیین کردند.

راوی: پاسدار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرماندهی سابق نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

عتاب رهبری در مواجهه با صحنه سازی ها

او وقتی نیمکت های نور ا دید، از بچه ها پرسید: «این میز و صندلی ها را از چه زمانی برای شما آورده اند؟»



✍️ راوی: برگرفته شده از صبح صادق



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

آن روز پاییزی، او به بازدید از روستای اروس مالخواست، که منطقه‌ای محروم در مازندران بود، رفته بود. در آنجا به مدرسه‌ی روستا سر زده بود. وقتی که وارد کلاس شده بود، دیده بود که همه میز و صندلی‌ها نو هستند؛ پس شک کرده بود که آن‌ها را برای تشریفات و به خاطر او آورده باشند. بنابراین از بچه‌ها پرسید: «این میز و صندلی‌ها را چه زمانی برای شما آورده‌اند؟»

یکی از بچه‌های کلاس جواب داد: «آقا این‌ها را همین دیروز آورده‌اند!»
آیت‌الله خامنه‌ای نگاه عتاب‌آلودی به مسئول مربوطه کرد و گفت: «ضرورت ندارد به خاطر مسئولینی که خودشان به مشکلات واقف‌اند، صحنه‌سازی کنید!»

اشراف آیت‌الله خامنه‌ای بر مسائل کشور به قدری بود که وقتی یکی از علما شکایت کرده بود که به وضع فقرا در فلان منطقه رسیدگی نمی‌شود و صندوق پیشنهادات را توصیه کرده‌بود، آیت‌الله خامنه‌ای سرش را پایین انداخت و گفت: «من بیش از بیست سال تجربه‌ی مدیریتی در این کشور دارم. این کار جواب نمی‌دهد.»
سپس درباره مشکلاتی که آن شخص از آن منطقه مطرح کرده‌بود، اطلاعاتی را گفت که آن شخص مبهوت مانده‌بود که ایشان این اطلاعات را از کجا آورده است! سپس آیت‌الله خامنه‌ای گفت: «از هجده کانال اطلاعات به من می‌رسد و اطلاعاتی به من می‌رسد که مسئولین دفتر [بیت رهبری] از آن بی‌خبر هستند!»

✍️ راوی: برگرفته شده از صبح صادق



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

حمایت‌های آقا از رویان در فضای بی‌اعتمادی‌ها

سلول‌های بنیادی از زمان دکتر سعید کاظمی آشتیانی شروع شد و ایشان اولین گزارش کار دستیابی به اولین سلول‌های بنیادی را خدمت مقام معظم رهبری ارائه داد. آن موقع خیلی از پزشکان و جامعه علمی از ما نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند یا کار بزرگی شده و یا دروغ بزرگی می‌گویید. همان موقع وزارت بهداشت، گروهی برای ارزیابی فرستاد. سال ۱۳۸۳ دکتر شولر، متخصص سلول‌های بنیادی را برای برگزاری یک کارگاه به ایران دعوت کردیم. او به ما گفت که نیازی نبود من بیایم و شما خودتان بلدید. این حرف دکتر در رسانه‌ها منعکس شد و حضرت آقا در یکی از صحبت‌هایشان فرمودند: «بلکه خارجی‌ها ما را تایید کنند تا داخلی‌ها ما را بپذیرند!» متأسفانه، فضای جامعه علمی ما آنقدر متأثر از یک سری بحث‌ها است که احساسی نتوانستند می‌کنند. واقعا اگر حمایت مقام معظم رهبری نبود، ما در این فضا شاید زمین می‌خوردیم.



راوی: دکتر عبدالحسین شاهرودی، رئیس پژوهشگاه رویان و بیانان رهبر شهید انقلاب ۱۳۸۶/۰۲/۲۵



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

رهبر شهید انقلاب در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ قضیه را این طور بیان داشتند: «من به یاد دارم، شاید حدود دو سال، دو سال ونیم قبل، آن وقتی که این سانتزیفیوژهای ما مشغول کار شده بود و جوانان و دانشمندان ما توانسته بودند این‌ها را راه بیاندازند و مسئولان وقت، رئیس جمهور و دیگران خبرش را می گفتند، تعدادی از فیزیکدان‌های دانشگاهی که مردمان خوب و بسیار سالم و صادق هم هستند، بعضی‌شان هم من را می‌شناسند، به من نامه نوشتند که «آقا مبادا این‌ها را باور کنید! چنین چیزی اتفاق نیوفتاده و ممکن نیست!» حاضر نبودند باور کنند؛ قبول کنند. این همان تلقین است.

تا اینکه غربی‌ها، آژانس و دیگران خودشان آمدند و نگاه کردند و تصدیق کردند، اعتراف کردند که چنین چیزی را باور نمی‌کردند در ایران به وجود بیاید. آن وقت دیگران، دیر باوران در داخل کشور باور کردند. عین همین قضیه برای سلول‌های بنیادی به وجود آمد. بنده چندبار پیشرفت‌های سلول بنیادی را در چند سخنرانی به زبان آورده بودم. از دانشمندان کشور و از بعضی دانشگاه‌ها به من نامه نوشتند «آقا! این قضیه را شما انقدر نگوئید، این واقعیت ندارد؛ این جور نیست! این سخنی که می‌گویند در سلول بنیادی پیشرفت کرده‌اند و در شبیه‌سازی (کلونینگ) در حال کار و تمرین هستند را باور نکنید؛ چنین چیزی اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد!» بعد که گوسفند شبیه‌سازی را جلوی چشم همگان قرار دادند، بعد که در سمیناری که تشکیل دادند، دانشمندان معروف دنیا، زیست‌شناسان درجه‌ی یک دنیا آمدند مصاحبه کردند و تصدیق کردند که پیشرفت‌ها، پیشرفت‌های محیرالعقولی است، آن وقت یک عده از دیرباورها، باور کردند.

✍️ راوی: دکتر عبدالحسین شاهرودی، رئیس پژوهشگاه رویان و بیانات رهبر شهید انقلاب ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

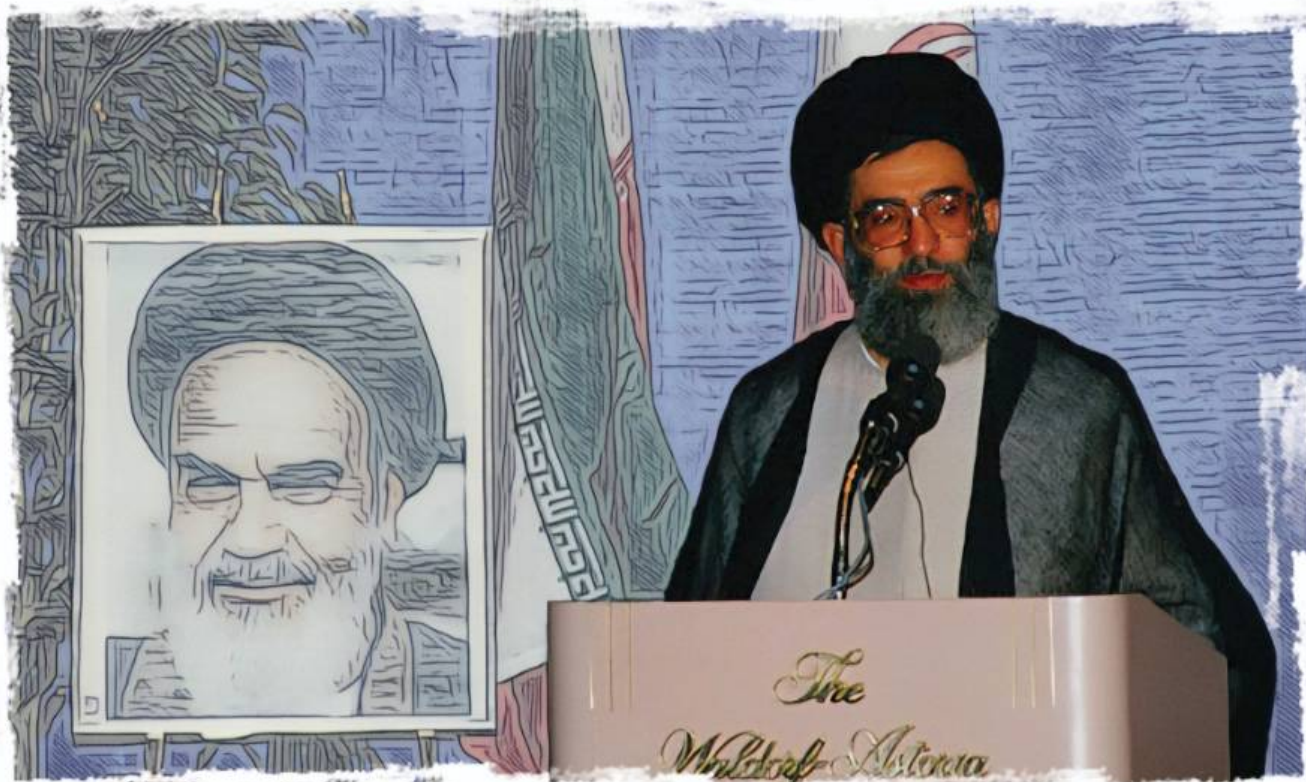


> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

طنین فارسی در سازمان ملل

یکی از همراهان حضرت آیت الله خامنه‌ای که مسئولیت ترجمه‌ی نطق رئیس جمهور وقت ایران در صحن سازمان ملل و مصاحبه‌های مطبوعاتی و تلویزیونی را برعهده داشت، آقای دکتر فضل‌الله نیک آئین بود، زبان‌شناسی فرهیخته و استاد دانشگاه.

در سازمان ملل در ۳۱ شهریور سال ۱۳۶۶ نیز در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد که آقای خامنه‌ای می‌خواستند نطق کنند، حالا به عنوان رهبری از دنیای اسلام و با توجه به عربی قوی آقا و تلفظ نسبتاً خوب ایشان، من خدمت ایشان گفتم: «خوب است شما این نطق را به عربی بخوانید.»



✍️ راوی: آقای فضل‌الله نیک آئین، مترجم و زبان‌شناس



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

پنجاه کشور اسلامی نشسته اند اینجا و خب شما متوجه هستید که من از چه زاویه ای این موضوع را می گویم؛ به هر حال نطق به هر زبانی که باشد ترجمه می شود ولی اینکه رهبری ایران به زبان عربی نطق کرده، می توانست پیام خاصی برای کشورهای اسلامی داشته باشد.

در واکنش به این پیشنهاد من، آقا سری تکان دادند و گفتند: «بله، ولی زبان فارسی، زبان رسمی کشور است.»

البته من هرچه می گویم مضمون جملات آقا است و بایستی در این کزیدورهای سازمان ملل، زبان فارسی طنین انداز بشود! در حالی که آن وقت هنوز شوروی از هم نپاشیده بود و تاجیکستان هم نبود، بلکه فقط افغان ها سخنان فارسی را متوجه می شدند. خب حضرت آقا این توانایی را هم داشتند که به عربی سخنرانی کنند، اما قبول نکردند.

این برای من قشنگ بود، یک عده ای هستند که مثلاً معتقد هستند اگر کسی آخوند شد، دیگر هیچ تعلقی به ایران و ایرانیت نباید داشته باشد و فقط به طرف زبان و فرهنگ عربی باید برود! اما آقا این طور نبودند و این چیزی است که خودم شاهد آن بودم.

راوی: آقای فضل الله نیک آئین، مترجم و زبان شناس



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

این هنوز از نتایج سحر است!



داستان شکل‌گیری و پیشرفت پژوهشگاه رویان (پژوهشکده علوم سلولی جهاد دانشگاهی)، گره محکمی با حمایت‌های مقام معظم رهبری خورده است. از زمانی که انگیزه تشکیل [رویان] در میان چند دانشجوی جهاد دانشگاهی شکل گرفت، به روش‌های مختلف و با وجود مشکلات فراوان، سعی کردیم امکانات و ملزومات لازم را فراهم کنیم. نهایتاً مقدمات اولیه و لوازم اصلی که فراهم شد، مسئله ساختمان مطرح شد. هرچقدر فکر

کردیم به چه طریقی می‌توانیم مشکل مکان را حل کنیم، به نتیجه‌ای نرسیدیم. مکان نسبتاً وسیعی برای این کار لازم بود که باید شروط خاصی هم می‌داشت. پس از بحث و بررسی‌های فراوان تنها فکری که به نظرمان رسید، همان دوست مشترک مرحوم دکتر کاظمی و رهبر معظم انقلاب بود، ایشان موضوع را به نحوی به رهبری منتقل کرد و گفت: «این جوانان می‌خواهند این کار را در جهاد دانشگاهی انجام بدهند و امکاناتی در اختیارشان نیست.» نهایتاً رهبر معظم انقلاب بنیاد مستضعفان را موظف کردند که مکانی را در اختیار این مجموعه قرار دهند، همچنین ایشان سوال کرده بودند: «چقدر کمک مالی می‌خواهید؟»

راوی: دکتر حمیدرضا گورابی، رئیس اسبق پژوهشگاه رویان



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

ماه‌م مبلغ شش میلیون تومان را اعلام کردیم و با کمک ایشان کار را شروع کردیم. وقتی معاونت وقت محرومان بنیاد مستضعفان، دستور مستقیم حضرت آقا را مشاهده کرد، کمک‌های بسیار کرد. نهایتاً خرداد سال ۱۳۷۰ با هر مشکلی که بود و با همه سختی‌ها، ساختمان مجهز شد و وزیر بهداشت آن زمان، مجموعه را افتتاح کرد. چیزی که باعث شد آن موقع و به واسطه‌ی آن رویان با انرژی پیش برود، این بود که فهمیدیم رهبری کشور به خوبی متوجه کاری هستند که جمعی از دانشجویان می‌کنند؛ یعنی در کشور و در این حد بالا به یک عده جوان اطمینان می‌کنند و می‌گویند: «شما می‌توانید این کار را انجام دهید.»

وقتی در همان سال‌ها اولین موفقیت حاصل شد، زمانی که خدمت رهبری رسیدند، ایشان تصریح کرده بودند که «من می‌دانستم شما موفق می‌شوید و این موفقیت برای کشور خوب است، خوبی‌اش این است که به دست شما انجام شده و کسانی هم این کار را انجام داده‌اند که روی آن تاکید دارند.»

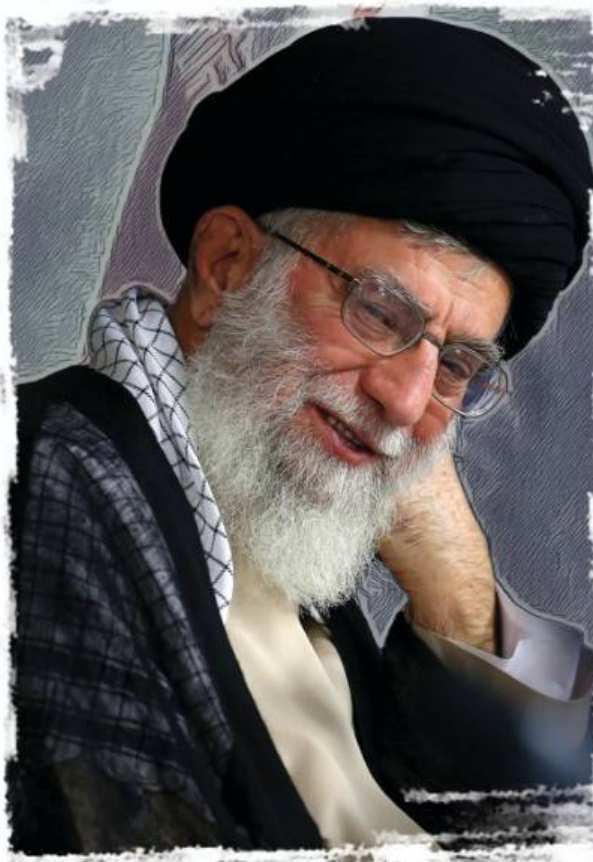
این انرژی که رهبری به مجموعه جوان ما می‌دادند، خیلی مهم بود. حق این بیت معروف را «باش تا صبح دولت بدمد! کاین هنوز از نتایج سحر است» را در آن جلسه خوانده بودند و تاکید کرده بودند: «که این هنوز اول کارتان است؛ بنابراین افق را وسیع‌تر ببینید. شما با این روحیه‌ای که دارید و با این کار حتماً می‌توانید موفقیت‌های بیشتری کسب کنید.» این جملات واقعا مایه دلگرمی بود.

راوی: دکتر حمیدرضا گورابی، رئیس اسبق پژوهشگاه رویان



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بشارت به اسلام در دیدار با نویسنده مسیحی



در یکی از این جلسات، آقای جرج جرداق، نویسنده مسیحی خدمت مقام معظم رهبری رسید. از آنجا که ایشان نمی‌توانست سوار هواپیما شود، ساحل به ساحل و مرز به مرز از لبنان به عشق مقام معظم رهبری به تهران آمده بود. در جریان ملاقات ایشان به زبان عربی با حضرت آقا صحبت می‌کردند و آقا هم که به زبان عربی تسلط کامل دارند، با او صحبت کردند.

راوی: حجت‌الاسلام موسوی کاشانی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

آقای جرداق خدمت آقا گزارش می‌دادند که کتابی راجع به امام علی (علیه السلام) نوشته‌ام و همچنین درخواست صله از مقام معظم رهبری کرد. آقا فرمودند: «به تهران خوش آمدید. امیدوارم سفر به شما خوش بگذرد. از شهرهای مختلف ایران از جمله مشهد، اصفهان، شیراز و جاهای دیگر حتما دیدن فرمایید، به عنوان فرزند امیرالمؤمنین (علیه السلام) از شما تشکر می‌کنم. شما بر من منت گذاشتید و مطالبه صله کردید. صله شما بسیار بزرگ است، ولی به یک شرط؛ شرط آن است که کارتان را تمام کنید «احسان بالاتمام»؛ تکمیل کار شما این است که کتابی درباره حضرت زینب (س)، دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بنویسید. من قول می‌دهم اگر شما این کتاب را بنویسید، خدا علی‌اعلی صله بزرگی به شما خواهد داد.»

آقای جرداق بعد از شنیدن این جملات از مقام معظم رهبری تشکر و خداحافظی کرد. من ایشان را تا دم در بدرقه کردم. در همین اثناء آقای جرج جرداق به من گفت: «آن سیدنا القائد بشرنی بالاسلام» و سه بار این جمله را تکرار کرد. یعنی رهبر معظم من را به اسلام بشارت دادند.

پرسیدم: «ایشان به شما چه فرمودند که شما را به اسلام بشارت دادند؟» پاسخ داد: «همین که فرمودند کتابی درباره حضرت زینب (س) بنویس، خداوند علی‌اعلی به شما صله بزرگی خواهد داد، بشارتی بود به اسلام، یعنی این که اگر من کتابی درباره آن بزرگوار بنویسم توفیق اسلام پیدا خواهم کرد و مسلمان از دنیا خواهم رفت.»

راوی: حجت‌الاسلام موسوی کاشانی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی رهبر ایران شیوه‌های مقاومت را به نلسون ماندلا می‌آموزد



[نلسون ماندلا] قبل از آن که در آفریقای جنوبی به پیروزی برسد، زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود به ایران آمد و با من ملاقات کرد، راجع به اوضاع آفریقای جنوبی از او سوال کردم، چیزهایی گفت.

من به او گفتم: «ما تجربه‌ای داریم که گمان می‌کنم در کشور شما هم قابل عمل باشد، و آن تجربه عبارت است از این که انسان‌های داوطلب - که اکثریت

جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دادند - زن و مرد، با جسم خودشان به خیابان‌ها آمدند، نه با مشتشان، نه با سلاحشان، نه با نارنجکشان، نه با خانه تیمیشان، بلکه با تن خودشان آمدند، روی خود را هم نبستند، با صورت باز آمدند؛ لذا نظام را منفعل کردند و او هم دید نمی‌تواند بایستد. واقعا چه کسی می‌خواست حکومت کند؟» گفتم: «به نظر من این الگو در آفریقای جنوبی قابل عمل است.» او سری تکان داد و بعد از رفتن او، یکی دو ماه طول نکشید که خبرهای تظاهرات عظیم مردمی در آفریقای جنوبی را در روزنامه‌ها خواندیم من فهمیدم که این بذر، سبز شد؛ عین وضعیت مردم ایران.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۱۳۸۰/۰۲/۱۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

سخنرانی مرجع تقلید شیعیان در مسجد اهل سنت کشمیر

آیت الله خامنه‌ای در بهمن ۱۳۵۹ سفری به هند و سپس به منطقه‌ی کشمیر داشتند.



✍️ راوی: سید قلبی رضوی کشمیری



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

در خاطرات سید قلبی رضوی کشمیری، از فعالان فرهنگی انقلاب اسلامی آمده است: «آن روز آیت الله خامنه ای در حسینیه [بدگام] به سخنرانی و انجام مصاحبه مطبوعاتی در سرینگر اقدام کردند. روز بعد سخنرانی ای در حسینیه [زدی بل] که مرکز شیعه نشین [سرینگر] است انجام دادند. همان روز (جمعه) در نماز جمعه اهل تسنن در مسجد جامع سرینگر شرکت کردند که ما این را از قبل برنامه ریزی کرده بودیم. در ابتدا [میر واعظ مولوی فاروق] امام جمعه اهل تسنن، نماز جمعه را خواند و آقای خامنه ای نیز پشت سر ایشان نماز اقامه کردند. بعد از نماز جمعه، مقام معظم رهبری حدود ۱۵ دقیقه سخنرانی کردند. علت اینکه زمان اندکی سخنرانی کردند، این بود که می بایست بعد از نماز تا ساعت چهار به فرودگاه برسند.

ایشان در خلال سخنرانی به طور مختصر به آیه «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» اشاره کردند و درباره وحدت مسلمانان و اهمیت وحدت شیعه و سنی صحبت کردند. اثرات این سخنرانی ۱۵ دقیقه ای در تاریخ کشمیر بیش از نگارش ده ها کتاب و ماه ها سخنرانی بود. ما به چشم خودمان این اثرات را دیدیم. در تاریخ کشمیر نخستین بار بود که یک روحانی شیعه با شخصیتی جهانی به این کشور بیاید و در مسجد جامع اهل سنت سخنرانی کند. تا قبل از آن روز، شیعه و سنی با هم اختلاف و درگیری داشتند. حتی اگر یک شیعه به مسجد سنی ها می رفت، مسجد را تطهیر می کردند و می گفتند: «یک رافضی وارد مسجد شده و مسجد را نجس کرده است.» اما بعد از سخنرانی آقا، این امر رایج شد که شیعیان به راحتی وارد مساجد اهل تسنن می شدند و بدون ترس و وحشت نماز را پشت سر امام جمعه اهل تسنن می خواندند.

در مقابل نیز سنی ها هم به مسجد شیعه ها می آمدند. این اتحاد و وحدت، محصول آن ۱۵ دقیقه سخنرانی آقای خامنه ای و مصاحبه مطبوعاتی ایشان بود.

✍️ راوی: سید قلبی رضوی کشمیری



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تبیین علت دشمنی مستکبرین با ایران اسلامی در پاکستان

دشمن، با همه راه‌های مختلفی که برای ایجاد شکاف در جامعه اسلامی آزموده است، امروز با پدیده‌ای بدون سابقه که مرکز وحدت همه مسلمین است، روبه‌روست و آن [جمهوری اسلامی] است. این پرچم بلند و رسا، پدیده‌ای نو ظهور است؛ که قانون اساسی و شعار عملی آن مطابق اسلام است و به طور طبیعی دلهای مسلمانان در اقشار عالم، برای آن می‌تپد.

امروز، جای دیگری با این قاطعیت و جدیت، دنبال احکام اسلامی نیست. منظور ملت‌ها نیستند، چرا که ملت‌های مسلمان، همه جا عاشق اسلام و آماده عمل به اسلام‌اند؛ منظور سیاست‌ها، نظام‌ها و دولت‌هاست که اگر بانام اسلام هم شروع کردند، وقتی با امواج شدید تهاجم‌های جهانی مواجه شدند، عقب‌نشستند.



راوی: آیت الله خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب - ۱۳۶۸/۰۷/۰۵



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

همان طور که دیدید، در این ده سال به خاطر اسلام به ما همه چیز گفتند: «کهنه پرست، مرتجع، بی تمدن، فنانیک!»

در سفری که من به پاکستان می رفتم در (دی ماه ۱۳۶۴) امام امت رضوان الله فرمودند که: «شما به علمای پاکستان بگویید که فشارهای وارده بر ما از سوی آمریکا و ارتجاع و شرق و غرب، نه به خاطر ایرانی بودن ماست، بلکه به خاطر اسلام است. آن روزی که دنیا احساس کند، خدای نکرده ما نسبت به اسلام جدی نیستیم، آن روزی که دنیای مستکبر احساس کند ما حاضریم روی اسلام معامله کنیم و بی تفاوت شده ایم، این فشارها تمام خواهد شد.»

من، عین بیانات حضرت امام را به علمای پاکستان که در جمع کثیری از علمای مسلمین بودند و از همه نقاط پاکستان آمده بودند گفتم.

برای ما محسوس و ملموس است که علت فشار، اسلام است. مسلمانان عالم این نکته را می فهمند و احساس می کنند این جام ام القرای اسلام، وطن اصلی و مرکز حقیقی اسلام است. لذا است که دل‌هایشان برای ایران و نظام جمهوری اسلامی می تپد؛ و به این عامل وحدت شوق پیدا می کنند. امروز، استعمار با توجه به وجود عامل وحدت، سعی می کند شکاف‌ها و اختلاف‌ها را از طریق مختلف قومی و مذهبی، میان شیعه و سنی به وجود آورد. در بین اهل تسنن، به نام مکتب فلان مدرسه، اهل حدیث و.... و در بین شیعه به نام‌های دیگر.

راوی: آیت الله خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب - ۱۳۶۸/۰۷/۰۵



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

سیاست مدارتر از رئیس سازمان ملل متحد

بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، از سوی کشورهای قدرتمند دنیا بر ایران فشارهای زیادی وارد می شد تا ماقطعنامه را بپذیریم. در همان ایام، خاویر پرز دکوئیار (دبیر سازمان ملل متحد) برای رایزنی‌های لازم به ایران آمد. یکی از برنامه‌های وی، ملاقات با حضرت آیت الله خامنه‌ای بود. در آن زمان ایشان رئیس جمهور بودند، بعد از ملاقات، دکوئیار به من گفت: «رئیس جمهور شما از کدام دانشگاه علوم سیاسی فارغ التحصیل شده است؟» گفتم: «چطور؟» گفت: «من از چند دانشگاه معتبر دنیا مدرک دکترای علوم سیاسی دارم و بیش از سی سال است که کار سیاسی می‌کنم و اکنون ده سال است که دبیر کل سازمان ملل هستم. در این مدت کمتر شخصیت سیاسی و رئیس جمهوری هست که وی را ندیده و با او گفت‌وگو نکرده باشم، ولی تاکنون شخصی سیاست مدارتر و هوشمندتر از رئیس جمهور شما ندیده‌ام!»



راوی: علی محمد بشارتی، وزیر کشور وقت



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

جنگ میان دو اردوگاه غیرخدایی

می گفتند صدام دیگر آن آدم سابق نیست و عوض شده! مثل خالد ابن ولید که تا پیش از مسلمان شدن، بی باکانه علیه پیامبر می جنگید؛ ولی بعد به اسلام گروید و در قامت جنگاوری سرسخت در سپاه پیامبر حاضر شد.



راوی: برداشت از بیانات مقام معظم رهبری شهید ۱۳۶۹/۱۱/۱۴ - و پیام ایشان به کنگره حج ۱۳۷۰/۰۳/۲۶



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

اواخر دهه ۶۰ بود، صدام به کویت حمله کرده و آن را ظرف کمتر از یک هفته اشغال نموده بود. آمریکا که منافعش در منطقه به خطر افتاده بود، همراه با هم‌ائتلافی‌های خود به منطقه لشکرکشی کرد و برای بیرون راندن ارتش صدام از کویت، جنگی تمام عیار به راه انداخت که به جنگ [خلیج فارس] معروف شد.

در همین فضا، صداهایی در کشور بلند شد که چنانسته اید؟ باید به دفاع از صدام برویم و با او، علیه آمریکا متحد بشویم! گذشته‌ها گذشته و اکنون باید به فکر مصالح اسلام باشیم!

اما ایشان جنگ صدام با آمریکا را جنگ میان دو اردوگاه با اهداف غیر الهی دانست، و دفاع از صدامی که برای رضای جاه طلبی‌هایش به کویت یورش برده بود و بهانه به دست آمریکا برای حضور نظامی و نفوذ سیاسی و اقتصادی در منطقه داده بود را ساده‌اندیشی خواند. ایشان گفتند: «کمک به مردم مظلوم عراق واجب است؛ اما ورود در جنگ به نفع رژیم عراق و تحکیم سلطه‌ی آن رژیم، کمک به مردم عراق نیست، بلکه کمک به رژیم ضد مردمی عراق و ظلم به مردم عراق است که ده سال است آن رژیم منحوس، جنگی ناخواسته را بر آنان تحمیل کرده است.»

گرچه موضعی که آیت الله خامنه‌ای برای کشور در مقابل این جنگ غیر الهی گرفت، شماینت برخی از چهره‌های سیاسی کشور را در پی داشت، اما هرگز رخنه‌ای در تصمیم متقن ایشان ایجاد نکرد.

راوی: برداشت از بیانات مقام معظم رهبری شهید ۱۳۶۹/۱۱/۱۴ - و پیام ایشان به کنگره حج ۱۳۷۰/۰۳/۲۶



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

نویدی محقق شده در دل نبرد

سید حسن نصرالله روایت می‌فرمود: در هیاهوی جنگ با اسرائیل بودیم، اوضاع اصلاً مساعد نبود، روحیه فرماندهان در هم شکسته بود؛ با آخرین امید پنجاه نفر از بهترین فرماندهان را جمع کردیم و به تهران، محضر حضرت آقا بردیم. وقتی رسیدیم، مسئولین دفتر گفتند: «آقا سرما خورده‌اند، فقط می‌توانید پشت سر ایشان نماز بخوانید.»
دلمان فرو ریخت، گفتم: «چشم، همین هم بس است.»



🔖 راوی: حجت‌الاسلام والمسلمین کرمی به نقل از شهید سید حسن نصرالله و سایرین



➤ خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

نمازمان را که خواندیم، وقتی آماده رفتن می شدیم، ناگهان آقا برگشتند و فرمودند: «من در خدمتم» صندلی آوردند و نشستند. به من اشاره ای کردند که ترجمه کنم. کلماتش مثل آب روی آتش، جان خسته فرماندهان را آرام می کرد، تا آنجا که به نقطه ای رسیدند که نفسم در سینه حبس شد، با اطمینان مطلق فرمودند: «شما بر می گردید و ان شاء الله پیروز هستید. خون از دماغ هیچ کدام نمی آید و تا دوسه روز آینده، نصرت با شماست.» در آن لحظه زیانم بند آمد. ترسم دیگر از اسرائیل نبود، ترسم از این بود که اگر این وعده قطعی محقق نشود، عظمت آقادر ذهن این فرماندهان چه می شود؟ بار آن کلمات از تمام جنگ سنگین تر بود. بعد از شهادت عماد مغنیه، در دفتر سید حسن نصرالله نشسته بودم، ایشان به صندلی خالی ای اشاره کرد و گفت: «روزهای آخر جنگ شش روزه، حاج عماد مغنیه روی همین صندلی نشسته بود، در اوج فشار جنگ، آن فرمانده بزرگ و استوار از شدت غم و خستگی گریه کرد. وعده پیروزی که رهبر انقلاب داده بودند روبه پایان بود و هنوز خبری نبود. ناگهان خدا به دل سید انداخت که راه حل یک تماس تلفنی است. فریاد زد: «حاج رمضان را پیدا کنید!» تلفن را سریع به عماد دادند، حاج رمضان (شهید محمد سعید ایزدی) از پشت خط شروع به صحبت کرد. نمی دانم چه گفت اما آن کوه استوار که در حال فرو ریختن بود، آرام گرفت چون صخره ای محکم. دقایقی نگذشته بود که طلبه ای از شورای حزب الله با سینی شیرینی وارد دفتر شد و بالبخند گفت: «تمام شد، اسرائیلی ها فرار کردند.» پیروزی دقیقا در همان روزی که آقا وعده داده بودند محقق شد! بعدها از حاج رمضان پرسیدم: «چه کنیم که ما هم مانند آقا، حقایق را بفهمیم؟» ایشان گفتند: «رسیدن به آن جایگاه برای من و شما بعید است، اما یک راه دارد و آن این است که روی حرف حضرت آقانه یک کلمه تحلیل بگذارید، نه تفسیر و نه نقد. به حرف کسی هم که نقد می کند، گوش ندهید. حرف آقا همانی است که هست.»

✍️ راوی: حجت الاسلام والمسلمین کرمی به نقل از شهید سید حسن نصرالله و سایرین



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی یک ایرانی در تربیون سازمان ملل متحد از عدم جدایی دین از سیاست نطق می کند

بعد از انقلاب تا امروز، شاید بیشترین حمله ای که به اصول فکری سیاسی نظام جمهوری اسلامی شده است، حمله به همین [عدم تفکیک دین از سیاست] است. در همه جای دنیا به این موضوع حمله کردند؛ امروز هم حمله می کنند.



✍️ راوی: آیت الله خامنه ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۱۳۶۷/۰۲/۱۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

امروز کسانی در اطراف دنیانشسته اند به زبان های مختلف کتاب می نویسند، مقاله می نویسند و در محیط های دور از ایران و همه جای جهان، گفتار تلویزیونی ارائه می کنند؛ برای اینکه ثابت کنند دین از سیاست جداست. سبحان الله! این قضیه [عدم انفکاک دین از سیاست] در شکستن هیمنه قدرت های ظالم و ناحق، چقدر نقش عظیمی دارد که رهایش نمی کنند! روز به روز علیه این موضوع حرف ها گفته و نوشته می شود. البته عده ای هم در داخل، گاهی مانند طوطی که بی توجه سخنی را تکرار می کند، همان حرف ها را تکرار می کنند. البته بعضی هم اصلا دلشان بابت بیگانگان است و دین را با کلیت خودش قبول ندارند!

در آن سال های ریاست جمهوری (سال ۱۳۶۶) که برای شرکت در یک اجتماع جهانی [مجمع عمومی سازمان ملل] می خواستم به یک کشور خارجی سفر کنم یک سخنرانی فراهم کرده بودم و طبق معمول، خدمت امام ارائه کردم که ایشان نظر بدهند، ایشان در حاشیه یادداشت کردند که راجع به (عدم انفکاک دین از سیاست) هم در این سخنرانی مطلبی بگنجانید. در ابتدا قدری تعجب کردم که این قضیه چه ارتباطی با سران کشورها مثلاً صد کشور غیرمسلمان می تواند داشته باشد؟ در عین حال چون امام دستور داده بودند، نشستم چند صفحه نوشتم. وقتی وارد مطلب شدم، تأمل کردم و دیدم که نه، درست همین است! جای این بحث در منبرهای عظیم جهانی است. چرا؟ چون علیه این بحث، در منبرهای جهانی کار می شود. بعد هم که به آنجا رفتم و آن بحث را القا کردم، بسیار در نفوس موثر واقع شد و اهمیت این حرف آشکار گردید. این عدم تفکیک دین از سیاست روشن بینی آن مرد بزرگ را می رساند.

✍️ راوی: آیت الله خامنه ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۱۳۶۷/۰۲/۱۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

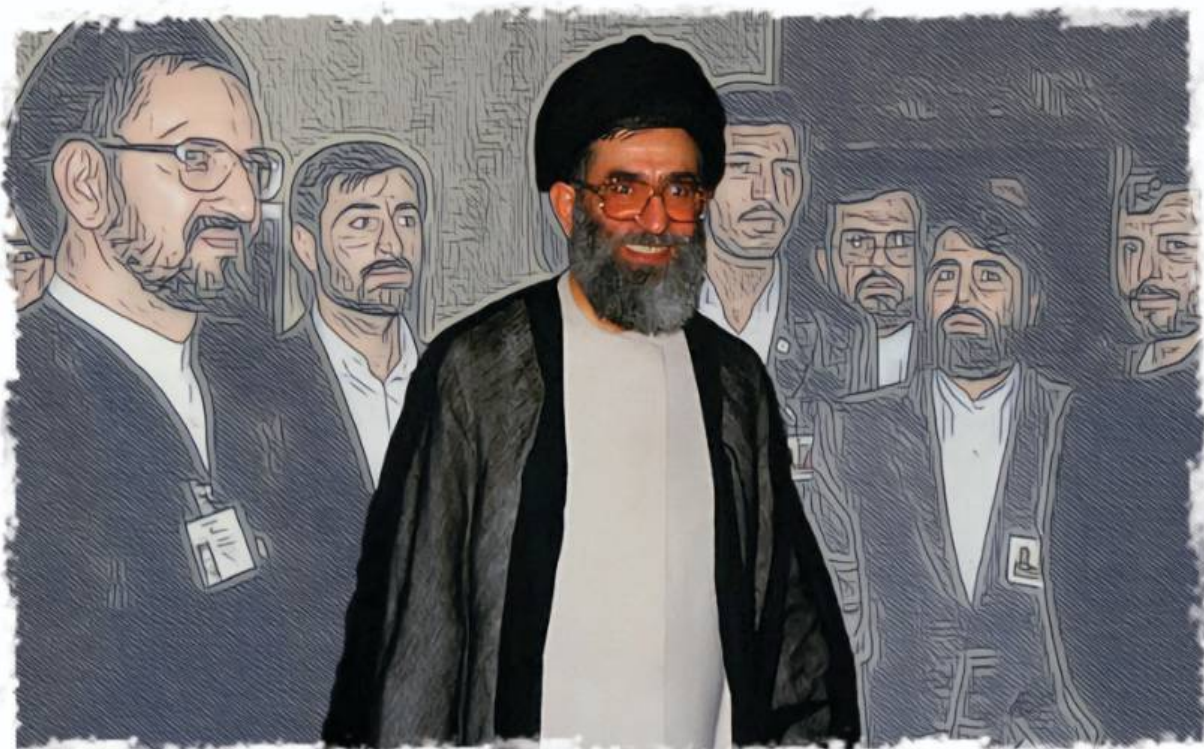
صحبت با مردم دنیا از تریبون سازمان ملل

هدف این سفر در سال ۱۳۶۶ به نیویورک برای شرکت در جلسه عمومی سازمان ملل متحد، علی‌رغم تبلیغات رسانه‌های بیگانه برای از سرگیری مذاکره و رابطه با آمریکا، بهره از فرصت مناسب برای دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی و تلاش برای روشن‌گری واقعات افکار عمومی جهانی بود.

آن سالی که بنده برای اجلاس سازمان ملل به نیویورک رفتم، یکی از مسئولین بلندپایه یکی از کشورهای اروپایی پیش من آمد و گفت: «شما بالاخره باید مسئله خود را با آمریکا حل کنید!» فکرمی کردند ماکه به نیویورک رفته ایم و در کشور آمریکا هستیم، شاید بتوانند نان را به تنور گرم بزنند!

گفتم: «نمی‌شود، قضیه سازمان ملل، قضیه دیگری است. من به سازمان ملل آمده‌ام تا با مردم دنیا سخن

بگویم و این ارتباطی با آمریکا ندارد! مسئله آمریکا، مسئله دیگری است.»

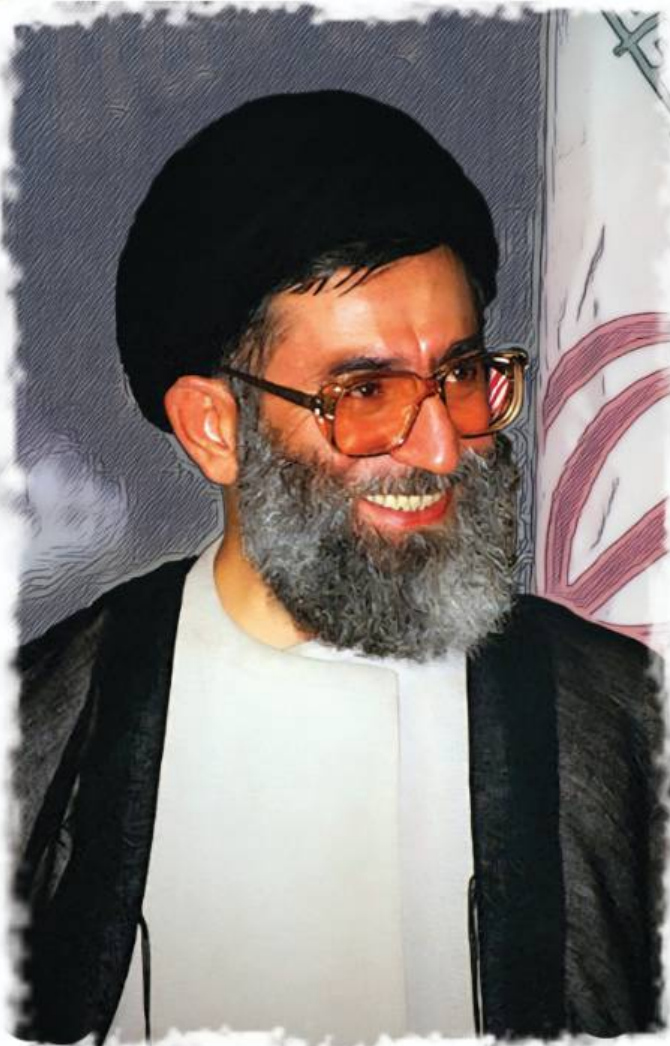


راوی: آیت الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

سخنرانی یک ایرانی در اجلاس سران عدم تعهد ها علیه جناح چپ و راست



من در زمان ریاست جمهوری، در کنفرانس غیرمتعهد ها (شهریور ۱۳۶۵) در زیمبابوه شرکت کردم. کنفرانس غیرمتعهد ها عمدتاً در اختیار چپ ها بود. البته دولتهای متمایل به غرب و آمریکا هم در آنجا بودند؛ اما کارگردان عمده، یکی رابرت موگاو دیگری فیدل کاسترو بود که اینها چپ بودند.

بقیه رؤسای جمهور چپ دنیا هم که طرفدار شوروی بودند، حضور داشتند و عمده کارگردانی در دست اینها بود. من رفتم در آنجا سخنرانی کردم، سخنرانی من صد درصد ضد آمریکایی و ضد استکباری بود. حقایق انقلاب، حقایق کشور، جرایم آمریکا، جرایم علیه ملت ایران، مسائل مربوط به جنگ تحمیلی و امثال اینها را گفتم. بعد با همان صراحت و شدت، به تجاوز شوروی به افغانستان حمله کردم. اینها مبهوت مانده بودند؛ یکی از همان رؤسای جمهور چپ به من گفت: «تنها غیرمتعهد در این کنفرانس ایران است.» ببینید؛ نظام اسلامی در ابعاد جهانی، این طور اهمیت و جلوه پیدامی کند و حتی دشمنانش مجبور می شوند به آن احترام کنند.

راوی: آیت الله خامنه ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۱۳۸۰/۰۸/۰۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شما غلط می‌کنید!

۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ بود. رودی جولیان (وکیل دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا) پشت‌تربون ایستاد، سندی که برایش ماه‌ها زحمت کشیده شده بود، پاره کرد و به آن تف انداخت. او این اهانت را بر سمبل سند توافق برجام انجام داد؛ برجامی که دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران برای به امضای رساندن آن، ماه‌ها با اتحادیه‌ی اروپا، آمریکا و گروه ۵+۱، بر سر هسته‌ای ایران



مذاکره کرده بود و امید داشت که طی آن تحریم‌ها علیه کشور برداشته شود. اما چند روز پس از جولیان، ترامپ هم رسماً خروج آمریکا از برنامه را امضا کرد و آن را با افتخار به دوربین‌هایشان داد و عکس گرفت. او در این اعلام، ایران و مردمش را تهدیدها کرد. پس از این اتفاق، نگاه‌ها از ترامپ برداشته شد. حالا همه توجه‌ها به او معطوف شده بودند تا ببینند او چه پاسخی به آمریکا و ترامپ خواهد داد. او در اولین واکنش به تهدیدهای ترامپ گفت: «بنده از طرف ملت ایران عرض می‌کنم، [آقای ترامپ، شما غلط می‌کنید!]

۱. ۲؛ بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در دانشگاه فرهنگیان - ۱۳۹۷/۰۲/۱۹
۲. ۳؛ بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت - ۱۳۹۷/۰۶/۰۷



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

۲/ و در حالی که برخی از مسئولان کشور گفته بودند که برجام را با اروپایی‌ها ادامه می‌دهیم، ایشان گفت: «مسأله بسیار حساس است، امروز مسئولین کشور در معرض یک آزمون بزرگند؛ آیا عزت و اقتدار این ملت عزیز را حفظ خواهند کرد یا نه؟ باید عزت این ملت تامین بشود، منافع ملت باید تامین بشود به معنای واقعی کلمه! برای تامین منافع، به حرف فلان رئیس و فلان نخست وزیر و فلان صدراعظم اعتماد نکنید؛ حرف اینها (دولت‌های اروپایی) اعتباری ندارد، امروز یک چیزی می‌گویند و فردا یک جور دیگری عمل می‌کنند!»

۳/ ایشان مدتی بعد هم به صراحت، درباره‌ی لزوم حفظ منافع ملی، خطاب به دولت وقت ایران گفتند: «برجام هدف نیست، برجام وسیله است. برجام هدفی نیست که ما لازم باشد این را حتما حفظ کنیم؛ وسیله‌ای برای حفظ منافع ملی ما است. اگر چنانچه یک روزی به این نتیجه رسیدند که برجام نمی‌تواند منافع ملی را تامین بکند، برجام را بگذارید کنار! یعنی هیچ اهمیتی ندارد؛ ببینید منافع ملی چه اقتضاء می‌کند. از من هم گاهی سوال می‌شود که شما گفتی که برجام را آتش می‌زنی، چرا نزدی؟ علتی که آتش زدیم، هم همین بود که گفتیم شاید بشود منافع ملی را با آن تامین کرد؛ والا اگر آدم بفهمد که منافع ملی تامین نمی‌شود، ماهم آتش زدن را بلدیم که این کار را بکنیم. بالاخره، بازی نکنند با ما؛ این را باید جدی دنبال بکنید!»

۱/ ۲؛ بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در دانشگاه فرهنگیان - ۱۳۹۷/۰۲/۱۹
۳؛ بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت - ۱۳۹۷/۰۶/۰۷



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

نطق ویران کننده در تریبون سازمان ملل

حضرت آیت الله خامنه ای در ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ نیز در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کرده و در سخنرانی خود دیدگاه ها و مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران را برای سران دولت های جهان تشریح کردند، این اولین حضور رئیس جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود.

حضرت آیت الله خامنه ای در نطق خود، درباره ایران و انقلاب اسلامی روشنگری کردند، جهان بینی الهی انبیاء را مورد تبیین قرار داده و نظام ظالمانه مادی جهان را به چالش کشیدند، جنایات آمریکا در خلیج فارس را تشریح کردند، از سکوت و حتی کمک های نهان و آشکار دولت های غربی به رژیم صدام پرده برداشتند، از رفتار شورای امنیت سازمان ملل در جریان جنگ تحمیلی به شدت انتقاد کرده و گفتند: «حداقل انتظار ایران از شورای امنیت بی طرفی بود.»



سپس به جنایات دورریم صهیونیستی و آپارتاید پرداختند، خواهان اتحاد ملت های جهان سوم علیه استکبار شدند و بر ضرورت مبارزه با مفسد فرهنگی، حفظ بنیان خانواده و حراست از حقوق زن تاکید کردند، نطق تاریخی آیت الله خامنه ای بازتاب زیادی در محیط بین المللی داشت، هاوک وزیر امور خارجه وقت انگلیس این نطق را سرتاسر تحقیر غرب توصیف کرد، جوکلارک وزیر امور خارجه کانادا نیز این سخنان آیت الله خامنه ای را ویران کننده خواند.

✍️ راوی: پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر ۹۶



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

جایز نیست بچه‌ها سر این سفره بنشینند!

یک روز مهمان مقام معظم رهبری بودم، فرزند ایشان آقا مصطفی نیز نشسته بود که سفره گسترده شد، آیت الله خامنه‌ای به فرزندشان نگاهی کرد و فرمود: «شما به منزل بروید.» من خدمت ایشان عرض کردم: «اجازه بفرمایید آقا زاده هم باشند، من از وی درخواست کرده‌ام که باهم باشیم.»

آقا فرمودند: «این غذا از بیت المال است، شما هم مهمان بیت المال هستید، برای بچه‌ها جایز نیست که بر سر این سفره بنشینند. ایشان به منزل بروند و از غذای خانه میل کنند.»

من در آن لحظه فهمیدم که خداوند چرا این همه عزت به حضرت آقا عطا فرموده است.



راوی: آیت الله عبدالله جوادی آملی



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بهتر از دویست تا!

حدود ۱۵ سال است که در حوزه‌های امنیتی و دفاعی و این که بیشتر چه باید کرد، راه حل‌هایی به رهبر انقلاب ارائه می‌دهم، البته من دو صفحه بیشتر نمی‌نویسم و ایشان عنایتی دارند که ظرف ۴۸ ساعت روی نظرات من به دبیرخانه شورای عالی امنیت، ستاد کل نیروهای مسلح، رئیس جمهور و معاون اول دستور می‌دهند. من غیر از این که هر ماه یک گردش کار می‌فرستم، سالیانه هم یک گزارش یک ساله خدمت ایشان می‌فرستم و قبل از کرونای هر هفته یکشنبه‌ها خدمت ایشان می‌رسیدم و هنگام نماز اگر دستوری داشتند، می‌گفتند یا اگر پیشنهادی داشتم شفاهی ارائه می‌کردم.

ما حدود ۲۰۰ کشور مستقل در جهان داریم و با علم و منطق، رهبران، رؤسای جمهور و پادشاهان این کشورها را با رهبری خود مقایسه کردم و دیدم رهبری خودمان از نظر علم و دانایی، خردمندی، آینده نگری، رئوف بودن و مهربان بودن و شناختن محیط بین‌المللی نظیر ندارند، یک رهبر جامع، شجاع، متقی و حکیم. صحبت‌های ایشان را با صحبت‌های بایدها یا پادشاهان اطراف و حتی کشورهای قدرتمند مقایسه کنید. ایشان به معنای واقعی دلسوز مردم هستند.



✍️ راوی: سردار یحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی رهبر شهید انقلاب در امور نظامی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

راهی جز بازگشت ندارید!

بعد از رحلت امام خمینی (ره) مستکبران جهانی برای لغو حکم اعدام سلمان رشدی که توسط بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران صادر شده بود، فعالیت گسترده ای را علیه ایران آغاز کردند و برخی از کشورها سفیران خود را از ایران فراخواندند. در پاسخ به این حرکت های قلدرانه، مقام معظم رهبری نه تنها تسلیم فشارها نشدند، بلکه با قاطعیت فرمودند: «سفیران فراخوانده شده، راهی جز بازگشت ندارند!»

گرچه در آن روز این قاطعیت برای عده ای غیر قابل هضم بود، اما مرور زمان، آینده نگری حسن تدبیر رهبری را روشن کرد و جهان بر تصمیم قاطع و پیش بینی آیت الله خامنه ای آفرین گفت با گذشت زمان، همه سفیران به کشور ما بازگشتند و نه تنها حکم اعدام سلمان رشدی لغو نگردید، بلکه عزتی دیگر به عزت های ملت مسلمان ایران افزوده شد.



راوی: علامه محمدتقی مصباح یزدی



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

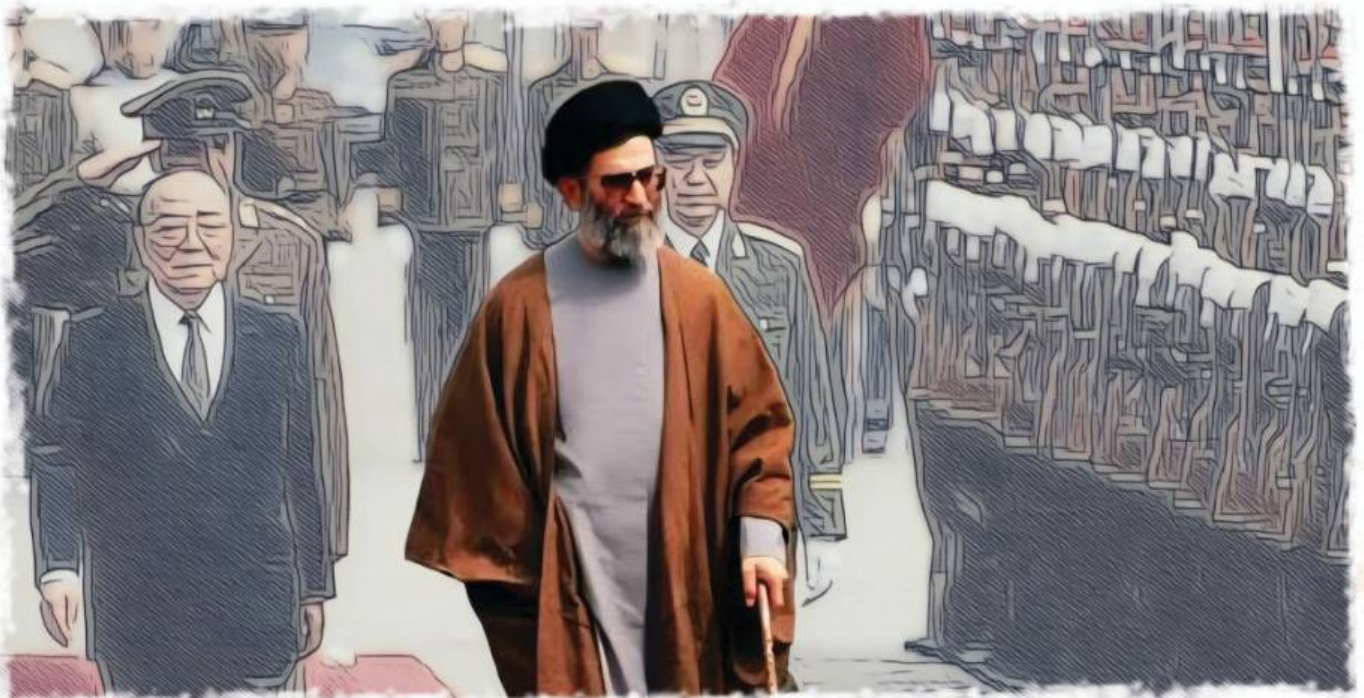
وقتی نخست وزیر چین شخصا از رئیس جمهور ایران عذرخواهی می کند!

سفر آیت الله خامنه ای و هیئت همراه به چین که به دعوت مقامات رسمی آن کشور در اردیبهشت ۱۳۶۸ انجام شد، باحاشیه هایی همراه بود، از جمله آن که قبل از نشستن هواپیمای حامل تیم ایرانی به فرودگاه پکن، اعلام می شود به دلیل بیماری رهبر چین، دیدار وی با رئیس جمهور ایران و هیئت همراه اولغو شده است.

از ابتکارات آیت الله خامنه ای این بود که پس از اطلاع از این موضوع، تصمیم گرفتند یکی دو دیدار با مقامات دیگر چینی را لغو کنند، چرا که دیدار با رهبر چین بسیار مهم بود و می بایست انجام پذیرد و هم اینکه به صورت غیرمستقیم این پیغام را به چینی ها بدهند که سطح نمایندگان ملت ایران کمتر از رهبر چین نیست!

نزدیک ساعت ۶ عصر، وقت ملاقات با نخست وزیر چین بود و آقا فرمودند: «من به ملاقات نمی روم!»

برای من به عنوان یک سفیر این خبر بسیار تلخ بود، نگران بودم که چه اتفاقی رخ خواهد داد. ما موضوع را به اطلاع چینی ها رساندیم. ساعت مقرر فرارسید، همه افراد آماده مذاکره بودند، خبرنگارها ایستاده بودند، اما از ورود هیئت ایرانی خبری نشد!



راوی: دکتر علاءالدین بروجردی، سفیر ایران در چین



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

خبرنگارها مخابره کردند که در رابطه‌ی ایران و چین مشکل جدی ایجاد شده است، مدتی گذشت، ساعت ۶:۳۰ عصر، نخست وزیر چین از محل کنگره‌ی خلق به محل اقامت رئیس جمهور ایران آمد و از همان دور، با صدای بلند گفت: «کوچکتر به دیدار بزرگتر آمده است!» بعد وارد اتاق شد، حدود یک ربع با حضرت آقا صحبت کرد و گفت ما نهایت احترام به مهمان را به خصوص شخصیتی مثل جناب عالی، وظیفه خود می‌دانیم. مشکل بیماری رهبر چین جدی است و پزشکان ایشان را ممنوع الملاقات کردند، با این حال، ما موضوع ملاقات را بررسی می‌کنیم تا حل شود. باتوجه به وعده نخست وزیر چین، آیت الله خامنه‌ای پذیرفتند که در جلسه شرکت کنند و بایک ساعت تاخیر در کنگره حاضر شدند و مذاکره انجام شد.

ملاقات با رهبر چین هم انجام شد، روز بعد به آقا گفته شد با توجه به نامساعد بودن حال رهبر چین، فقط ۱۰ دقیقه ملاقات صورت بگیرد که ملاقات در ۲۰ دقیقه انجام شد!

گفتنی است این ابتکار و شجاعت حضرت آیت الله خامنه‌ای جدا از این که باعث شد، همگان در برابر جایگاه هیأت عالی رتبه‌ی ایرانی سر تعظیم فرود آورند، موجب شد رهبر چین به صورت جداگانه و دوبرابر زمان تعیین شده پذیرای رئیس جمهور ایران و هیئت دیپلماتیک همراه باشد.

✍️ راوی: دکتر علاءالدین بروجردی، سفیر ایران در چین



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی رئیس جمهور ایران در نماز جمعه مسلمانان چین سخنرانی می کند

آیت الله خامنه ای و هیئت همراه در سفر به چین که به دعوت مقامات رسمی آن کشور در اردیبهشت ۱۳۶۸ انجام شد، در اقدامی قابل توجه و بی سابقه به ایالت مسلمان نشین چین (تین سیانگ) سفر کرد. آیت الله خامنه ای طی سخنرانی در نماز جمعه این شهر اظهار داشت: «امروز دین اسلام در دنیا به عنوان یک دین محکم و قوی مطرح است و مسلمانان در جهان احساس عزت می کنند و جمهوری اسلامی ایران، احکام اسلامی و قرآن را پایه ی نظام سیاسی خود قرار داده است.»



عے راوی: پایگاه خبری، ۱۰۲۷۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

جمعه نصر

گفته بودند که روی ضاحیه ۸۰۰ تن بمب ریخته اند، حالا تهران در انتظار چند تن بمب است؟



راوی: خطبه‌های رهبر شهید اسلام، آیت الله خامنه‌ای در نماز جمعه نصر - ۱۴۰۳/۰۷/۱۳



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

مهر ۱۴۰۳ بود و سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، طی حمله‌ی سنگین رژیم صهیونیستی به ضاحیه‌ی بیروت، شهید شده بود. او چندمین شخصیت بزرگ محور مقاومت بود که پس از شروع حمله‌ی اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ به غزه و دیگر مناطق محور مقاومت به شهادت رسیده بود. مدتی قبل تر هم اسماعیل هنیه (رهبر سیاسی جنبش حماس) پس از شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری دکتر پزشکیان، توسط پرتابه‌ی اسرائیل در تهران به شهادت رسیده بود.

حالا در این روزها که شخصیت‌های بزرگ مقاومت، هدف رژیم صهیونیستی قرار می‌گرفتند، رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی شایعه کرده بودند که او برای حفظ جاننش، به مکان نامعلومی پناه برده است؛ و این ادعا ته دل بعضی‌ها را خالی کرده بود.

علاوه بر این، در آن هفته، جمهوری اسلامی به خون‌خواهی میهمان خود، اسماعیل هنیه، عملیات وعده صادق ۲ را علیه سرزمین‌های اشغالی فلسطین انجام داده بود. بنابراین،

فضای ایران در نگاه بعضی‌ها، در وضعیت جنگی جلوه می‌کرد.

درست در همین اوضاع که تنهاده روز از شهادت سید حسن نصرالله و کمتر از یک هفته از انجام وعده صادق ۲ می‌گذشت، او خودش را در تربیون نماز جمعه تهران، جایی که میلیون‌ها ایرانی به صف ایستاده بودند و صدها دوربین داخلی و خارجی منتظر ثبت لحظات بودند، به همگان نشان داد، محکم سخنرانی کرد، با آرامش نماز خواند و با نمازگزاران مصافحه کرد! بله، جمعه نصری که آیت الله خامنه‌ای رقم زد، [متمم وعده صادق ۲] نام گرفت و مهر باطلی شد به ادعای [تهران ناامن] او با رجز خوانی‌هایش، سناریوی دشمن را به کلی درهم کوبید: «ما همه در شهادت سید عزیز ((نصرالله))، مصیبت زده و عزاداریم. این فقدان بزرگی است، ولی عزاداری ما به معنی افسردگی و پریشانی و نومیدی نیست؛ از جنس عزاداری برای سیدالشهدا حسین ابن علی (علیه السلام) است؛ زنده کننده، درس دهنده، انگیزه بخش و امیدآفرین است.

راوی: خطبه رهبر شهید اسلام، آیت الله خامنه‌ای در نماز جمعه نصر - ۱۴۰۳/۰۷/۱۳



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

ملت‌های ایران و رومانی در چه چیزی اشتراک دارند؟

آیت‌الله خامنه‌ای در اسفند ۱۳۶۷ سفری به رومانی داشت، رئیس‌جمهور و مردم این کشور از او استقبال کردند. ایشان در طی سخنانی با ابراز تشکر از ضیافت ریاست جمهوری رومانی و استقبال مردمی، با اشاره به وجوه مشترک مبارزات مردم رومانی علیه جنگ افروزان و سلطه‌طلبان در اروپا و مقاومت مردم ایران در طول هشت سال دفاع مقدس گفت: «هویت این مقاومت‌ها در شجاعت و استقلالخواهی دو ملت است.»



✍️ راوی: هفته‌نامه، پرتو سخن



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

دردی که با عشق خدمت تسکین می‌یافت



در همان سال ۱۳۶۰ که آقا ترور شدند، مرحوم آقا [پدر بزرگوار رهبر شهید] به تهران تشریف آوردند. آن اوایل، دست ایشان به شدت دردمند بود و درد آن با تلاش پزشکان قدری ساکت می‌شد. یادم هست در همان حالی که دست پدرم درد داشت، پدرشان را با کمک بعضی از دوستان، مثل مرحوم آقای شمع‌داری (رحمة الله علیه)، به حمام بردند. آن زمان، مرحوم آقا نزدیک نود سال داشتند و سخت بود که پدر به تنهایی این کار را انجام دهند؛ اما در همان حال، خدمت به پدر را فروگذار نکردند و سعی داشتند که خودشان شخصاً مباشرت داشته باشند، در حالی که برای ایشان آن وقت این امکان فراهم بود که از دیگران بخواهند چنین کارهایی را انجام دهند.

در دوران ریاست جمهوری، آن بیماری دست همراه ایشان بود و آقا دائماً درد عصب دست داشتند و شاید شب‌های متعددی از خواب بیدار می‌شدند و این سختی‌ها جزو برنامه‌های عادی زندگی آقا شده بود و آقا اصلاً اظهار نمی‌کردند. درد عصبی بسیار سخت و جزآور است، اما ایشان با همان درد در جلسات نیز شرکت می‌کردند و کارها را پیش می‌بردند. غرض اینکه با این حال که فرصت آقا کم بود و این مشکل را هم داشتند، از اهتمام به پدر غافل نبودند.

✍️ راوی: آیت‌الله سید مصطفی حسینی خامنه‌ای، فرزند رهبر شهید انقلاب



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

آداب احترام رئیس جمهور ایران به مزار سرباز گمنام وتیتو

آیت الله خامنه‌ای در
اسفند ۱۳۶۷ سفری به
یوگسلاوی داشت، او در
این سفر، عازم مقبره‌ی
سرباز گمنام در منطقه
ای موسوم به [اولا] در
حومه بلگراد شد.



✍️ راوی: روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۷/۱۲/۰۴



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

او در این مکان ضمن نثار دسته گلی در آرامگاه سرباز گمنام، نسبت به آن ادای احترام کرد و در دفتر یادبود مربوط به این آرامگاه نوشت: «سرباز گمنام تجسم شجاعت و پایداری مردم رنجیده، در تجربه های بزرگ تاریخ پرماجرای این سرزمین را مورد احترام قرار می دهم. این ملتی است که در دو جنگ جهانی و در حوادث بسیار دیگر در طول تاریخ نشان داده است که از استقلال و آزادی و شرف ملی خود دفاع می کند، پس این ملت شایسته ی احترام است. ما ملت ایران، فرزندان انقلابی بزرگ که به همه ی قدرت های سلطه گر جهانی «نه» گفته است و در برابر همه تهاجم ها و توطئه ها با تکیه بر خود و امید لایزال به کمک الهی ایستاده است، ملت یوگسلاوی را به خاطر همین روحیه پایداری و مقاومت و دفاع از شرف ملی خود تحسین می کنیم و پیوندهای خود را با آن گرامی می داریم.»

ایشان و هیأت همراه همچنین با حضور در آرامگاه [مارشال تیتو] ضمن نثار دسته گلی بر آرامگاه وی، از مقام رهبر فقید یوگسلاوی تجلیل کردند. آیت الله خامنه ای همچنین ضمن بازدید از منزل و محل کار مارشال تیتو، در دفتر یادبود آرامگاه وی نوشت: «من مارشال تیتو رهبر فقید یوگسلاوی را همچون رهبر شایسته ای که هم در میدان نبرد و هم در عرصه های سیاسی شجاعانه پرچم استقلال کشور و ملت خود را برافراشته است، تمجید می کنم. او با شرکت در بنیان گذاری جنبش عدم تعهد نشان داد که به استقلال در چارچوبی فراتر از ملت خود از حدود سلطه های همه ی قدرت های جهانی متعهد و پایبند است، تیتو به عنوان رهبری شجاع می تواند سرمشقی برای رهبران و سیاستمداران جهان سوم باشد.»

✍️ راوی: روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۷/۱۲/۰۴



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شرط‌های ما، در برجام رعایت نشد



حضرت آیت الله خامنه‌ای در بازدید از دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۷/۰۲/۱۹ در خلال سخنرانی خود به موضوع برجام اشاره کردند و فرمودند: «اما راجع به برجام؛ خب، بنده از روز اول بارها و بارها گفتم به آمریکا اعتماد نکنید! هم در جلسات خصوصی این‌را گفتم، هم در جلسات عمومی مردمی گفتم؛ در جلسات خصوصی بیشتر هم این‌را گفتم؛ گفتم به این‌ها اعتماد نکنید؛ اگر می‌خواهید قرارداد ببندید، تضمین‌های لازم را فراهم کنید، بعد صحبت کنید، بعد قرارداد ببندید، بعد امضا کنید؛ به حرف این‌ها اعتماد نکنید. یکی از چیزهایی که بنده آن وقت، بخصوص روی آن تصریح کرده بودم این بود که گفتم ما این قرارداد را قبول می‌کنیم به این شروط - چند شرط بود - یکی از شرط‌ها این بود که گفتیم رئیس جمهور وقت آمریکا بنویسد و امضا کند که تحریم‌ها برداشته شد؛ این جزو شرایط ما بود، جزو شرایط بنده بود؛ خب، مسئولین محترم زحمت کشیدند، تلاش کردند، عرق ریختند، [ولی] نتوانستند و این نشد و نتیجه‌اش این است که داریم مشاهده می‌کنید: دو سال، دو سال و نیم گذشته است، مابه‌همه‌ی تعهدات عمل کرده‌ایم، این مردم می‌آید بیرون و می‌گوید که من قبول ندارم و خارج می‌شوم و چنین می‌کنم و چنان می‌کنم.»

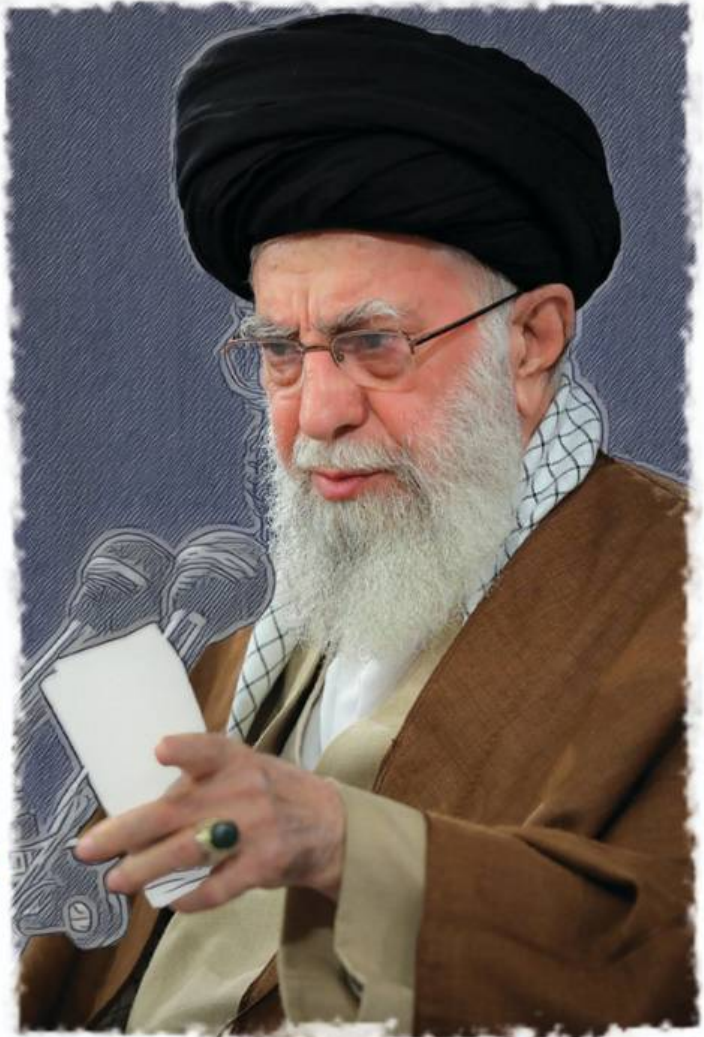
راوی: بیانات در دانشگاه فرهنگیان - ۱۳۹۷/۰۲/۱۹



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

عمل نکردن آمریکایی به وعده‌های توافق هسته‌ای

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی که در دیدار با زائران حرم رضوی داشتند، با توجه به اهمیت مسئله هسته‌ای و مذاکرات با آمریکا در منظر ایشان بخشی از سخنرانی خود را به این موضوع اختصاص دادند و فرمودند: «در همین توافق هم که ما با آمریکایی‌ها در قضیه‌ی پنج بعلاوه یک و مسئله‌ی هسته‌ای کردیم، آمریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند و کاری را که باید می‌کردند انجام ندادند.»



راوی: بیانات در جمع زائران حرم رضوی - ۱۳۹۵/۰۱/۰۱



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بله، به تعبیر وزیر خارجه‌ی محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند اما از راه‌های انحرافی متعدّد، جلوی تحقّق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند. شما نگاه کنید امروز در سرتاسر کشورهای غربی و کسانی که تحت تأثیر آنها هستند، همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل است، بازگرداندن ثروتهای ما در بانک‌های آنها دچار مشکل است، معاملات گوناگون تجاری ای که احتیاج به دخالت بانک‌ها دارد دچار مشکل است؛ وقتی دنبال می‌کنیم، تحقیق می‌کنیم و می‌گوییم چرا این جور است، معلوم می‌شود از آمریکایی‌ها می‌ترسند. آمریکایی‌ها گفته‌اند که ما تحریم‌ها را برمی‌داریم و روی کاغذ هم برداشتند اما از طرق دیگر جوری عمل می‌کنند که اثر رفع تحریم‌ها مطلقاً به وجود نیاید و تحقّق پیدا نکند. بنابراین، کسانی که امید می‌بندند به اینکه بنشینیم با آمریکادر فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک نقطه‌ی توافقی برسیم - یعنی مایک تعهدی بکنیم، طرف مقابل هم یک تعهدی بکند - از این غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همه‌ی تعهدهای خود عمل کنیم [اما] طرف مقابل با طرق مختلف، با شیوه‌های مختلف، با خدعه، با تقلّب سر باز می‌زند و به تعهدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض.»

راوی: بیانات در جمع زائران حرم رضوی - ۱۳۹۵/۰۱/۰۱



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بم؛ جایی که حضور، واجب تر از هر نگاه و فرمان بود

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دوشنبه با سفری که به شهر زلزله زده بم داشتند در ابتدای ورود حدود دو ساعت از مناطق مختلف این شهر ویران شده بازدید کردند. سپس در جمع شماری از مردم داغدار بم خاطر نشان کردند: داغ جوانان و همه عزیزی که در این مصیبت بسیار سنگین جان باختند قلب من و همه ملت و مسئولان را بسیار متأثر ساخته است و یاد این قربانیان از خاطر هیچ کسی نخواهد رفت، سپس با عرض تسلیت، برای مردم اندوه زده بم صبر و قدرت تحمل و اجر الهی مسألت کردند حضرت آیت الله خامنه ای زلزله بم را از جمله ابتلائات و امتحانهای الهی بر شمرند و افزودند: «داغ سنگین عزیزی که در این حادثه جان باخته اند همچنان بر قلب همه ما سنگینی خواهد کرد اما می توان به یاری پروردگار، همت و عزم و اراده مسئولان و مردم، کار به موقع، خسارت های این حادثه را جبران کرد و همچون ملت هایی که روند عظمت و بالندگی را از دل ویرانه ها و از درون مصیبت ها آغاز کرده اند حادثه جان خراش زلزله بم را به آغازی برای بنای دوباره امامستحکم این شهر تبدیل کرد.



✍️ راوی: رسانه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله شهید خامنه ای - ۱۳۸۲/۱۰/۰۸



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

ایشان با تشکر از مسئولینی که از اولین روز حادثه خود را به منطقه زلزله زده رسانده‌اند، افزودند: «سپاه، ارتش، بسیج، نیروی انتظامی، هلال احمر همراه بخش‌های گوناگون دولت در نجات زلزله‌زدگان و امدادگران تلاش کرده‌اند و با توجه به خسارات بسیار سنگین این حادثه همه مسئولان کشور و همه دستگاه‌ها موظف‌اند کلیه امکانات خود را با سازماندهی مرتب و منظم به میدان کمک به آسیب‌دیدگان بیاورند و طبق مدیریت متمرکزی که تشکیل شده و باید تقویت شود همچنان به رفع نیازهای مردم مظلوم بم و مناطق اطراف همت گمارند تا شاید اندکی از رنج و آلام این مردم التیام یابد.»

رهبر معظم انقلاب با اشاره به افزایش کمیت و کیفیت روند امداد آسیب‌دیدگان زلزله بم افزودند: «همان گونه که تصاویر تلویزیون نشان می‌دهد همه ملت ایران در این حادثه جانکاه با چشمانی گریان و قلب‌هایی پراندوه به یاری آسیب‌دیدگان بم شتافتند و با مردم مظلوم بم همدردی کردند که این کمک‌ها ادامه پیدا خواهد کرد.»

رهبر انقلاب همچنین در دیدار با مسئولان در شهر بم خاطر نشان کردند: «در روند تداوم امداد آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی معمولاً مشکلات فراوانی بروز می‌کند که باید ضمن حل مسائل موجود به فکر آن مشکلات نیز بود.» ایشان با اشاره به حضور سریع و مؤثر برخی دستگاه‌ها و مسئولان در منطقه برای یاری آسیب‌دیدگان افزودند: «لازم است با ارزیابی روند امداد به فکر آینده نیز بود چرا که نظیر این حادثه هر لحظه و در هر جا ممکن است روی دهد.»

راوی: رسانه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله شهید خامنه‌ای - ۱۳۸۲/۱۰/۰۸



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی زمین فوتبال، مدرسه‌ای برای بزرگان کشور معرفی می‌شود

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، زمانی که دیدار رسمی بود ضمن یادآوری تلاش مردان فوتبال لیست ایران، آنها را الگویی برای اعضا دولت قرار دادند!

ایشان در توصیف شرایط فرمودند: «شما ملاحظه کردید مادر بازی فوتبال امسال، در مقابل اسپانیا گل خوردیم اما همه تیم ما را تأیید کردند. بنده خودم که خیلی دیر در این قضایا وارد می‌شوم، وارد شدم؛ گفتم کارتان عالی بود. مردم هم آمدند به خیابان‌ها؛ در حالی که گل خورده بودیم. چرا؟ چون خوب بازی کردند؛ چون همه دیدند که این‌ها در میدان تلاش کردند، عرق ریختند، ابتکار به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند. دروازه‌بان با هوشمندی و فداکاری و سرعت عمل، یک کاری کرد که کارستان بود؛ این را مردم وقتی ببینند از شما، برای‌تان شعار می‌دهند؛ به نفع‌تان شعار می‌دهند؛ این باید احساس بشود.

ممکن است یک جا آدم نتواند مشکل را حل کند؛ [اما] همین قدر که بدانند وارد میدان هستند و دارید تلاش می‌کنید و روز و شب نمی‌شناسید، این به مردم این پیام اقتدار را می‌دهد. باید احساس بکنند دارد کار می‌شود.»



راوی: بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت - ۱۳۹۷/۰۴/۲۴



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بزرگ در نگاه دنیا

بی تردید او یک قهرمان جدی است! او کاملاً ماهر و فوق العاده باهوش است! او موفق ترین رهبر خاورمیانه از جنگ جهانی دوم به این سو است. «این حرف ها را راثول مارک گرشٹ افسر سابق سیا و تحلیلگر مسائل ایران در رابطه با آیت الله خامنه ای گفته است . گرشٹ که نگاهی به شدت ضد ایرانی دارد، همچنین گفته است: «او با کیاستی خاص با آمریکا روبه رو شده و آن را مقهور خود کرده است.»

[ری تکیه] مقام سابق امور خارجه ی آمریکا و تحلیلگر سرشناس روابط خارجی نیز اعتراف کرده است: «درحالی که از خلیج فارس تا کرانه مدیترانه، رژیم های بسیاری دچار بی ثباتی و فروپاشی شده اند. جمهور اسلامی ایران همچنان با اقتدار به پیش می رود و این، مدیون رهبری نبوغ آمیز آیت الله خامنه ای است.»



راوی: گردآوری شده از <https://foreignpolicy.com>



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تکیه همچنین آیت الله خامنه ای را یک متفکر استراتژیک تراز اول برشمرده و دستاوردهای امروز ایران را مرهون نبوغ این روحانی بی ادعادانسته است.

بله شهید آیت الله سیدعلی خامنه ای حتی در نگاه وزیران دشمنان مخالفانش هم خوش نام است، شخصیت او در نگاه بزرگان جهان چنان ممتاز و بی نظیر است که وقتی از فیلسوف و دانشمند آمریکایی [پروفسور گری کارل (محمد) لگنهاوزن] نظرش را درباره مقام معظم رهبری شهید پرسیدند گفت: «من به طور کلی در امور سیاسی دخالت نمی کنم، اما شما می توانید خودتان ببینید، از میان رهبران سیاسی دنیا، اصلا کسی مثل ایشان پیدا می شود؟ اصلا کسی هست که قابل مقایسه با ایشان باشد؟ مخصوصا اداری یک کشوری که دائما دشمنان به او فشارهای مختلفی می آورند، ایشان توانسته است این کشور را به پیش ببرد.»

بله محبت آیت الله خامنه ای فقط در دل های ایرانیان خلاصه نمی شود، بلکه حتی دیگر ملت ها و امت ها نیز به او دل سپرده اند؛ چنان که [دیلیپ داروا] سیاست مدار بنگلادشی، او را رهبر مسلمین جهان دانسته و پس از دیدار با او گفته است: «من بسیار تحت تاثیر شخصیت ایشان قرار گرفتم، ایشان شخصیت بزرگی دارند، شخصی آرام که مسلط به مسائل روز مسلمانان و نیاز آن ها است و انگیزه ی دوچندانی به من برای آشنا شدن با ایشان داد. این دیدار یکی از بهترین خاطرات من بود.»

📖 راوی: گردآوری شده از <https://foreignpolicy.com>



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

لحظه‌های عرفه در حیاط خانه؛ با عطر حضورِ مادر، که دریاد جاودان شد



یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را بجا آوردم. اعمال آن روز، طولانی‌هم هست- لابد آشنا هستید؛ خیلی از جوانان با آن اعمال آشنا هستند- چند ساعت طول می‌کشد. اعمال، از بعد از نماز ظهر و عصر شروع می‌شود و اگر انسان بخواهد به همه آن اعمال برسد، شاید تا نزدیک غروب- روزهای نه چندان بلند- به طول می‌انجامد.

آن وقت من یادم است که با مادرم- چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجّه و اعمال مستحبتی بود- می‌رفتیم یک گوشه حیاط که سایه بود- منزل ما حیاط کوچکی داشت- آن جا فرش پهن می‌کردیم- چون مستحب است که زیر آسمان باشد- هوا گرم بود؛ آن سالهایی که الان در ذهنم مانده، یا تابستان بود، یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می‌نشستیم و ساعت‌های متمادی، اعمال روز عرفه را انجام می‌دادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم می‌خواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، می‌خواندیم. دوره جوانی و نوجوانی من این گونه بود؛ دوره انس با معنویات و با دعا و نیایش.

✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شاهنامه، تجلی گاه هویت ملی ایرانی در بستر حکمت قرآنی



من با شاهنامه مانوسم. حکمت شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکمت اوستایی نیست؛ حکمت قرآنی است. اگر کسی به شاهنامه دقت کند، خواهد دید فردوسی ایران را سروده، اما با دید یک مسلمان؛ آن هم یک مسلمان شیعه. بیان زندگی قهرمان‌ها و پهلوان‌ها و شخصیت‌های مثبت مثل رستم و اسفندیار در شاهنامه، در اندیشه‌های اسلامی ریشه و ظهور و بروز دارد. عکس آن، شخصیت‌های منفی مثل تورانی‌ها یا بعضی از سلاطین، مثل کیکاووس شخصیت‌هایی هستند که در تفکر اسلامی به وضوح کوبیده شده‌اند. اما تفکر اوستایی چیست و چیزی که می‌تواند حکمت اوستایی را به ما نشان دهد، کجاست؟ زمان فردوسی هم بیش از الان نبوده. این‌طور نیست که ما خیال کنیم زمان فردوسی تفکر اوستایی آشکارتر بوده؛ خیر، آن وقت هم بیش از آنچه الان مادر اختیار داریم، نبوده است. لذا حکمت قرآنی، همان حکمت ملی بومی و ایرانی ماست.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

معجزه‌ی طبس؛

تجلی «نصر من الله» در برابر فیل‌های فولادی آمریکا



وقتی فیل‌های فولادی آمریکا را در طبس دیدم یاد آیات سوره فیل در قرآن افتادم!

«و کم قصمنا من قرية» یعنی ای مردم نومی‌د نباشید از این‌که بتوانید یک قدرت و یک

امپراطوری عظیم را به زانو در بیاورید. نگویید

آمریکا یک قدرت جهانی است و چگونه یک ملت

می‌تواند این قدرت را به خاک بنشاند، این کار در

تاریخ بارها و بارها تکرار شده است...

چه کسی تصور می‌کرد که دستگاه نظامی مجهز مرتب آمریکا در بیابان‌های طبس و در کویر مرکزی ایران آنچنان دچار فضا‌حت و شرمندگی بشود؟ که ما رفتیم از نزدیک آن فیل‌های فولادی را دیدیم و آیه‌ی کریمه‌ی قرآن بی‌اختیار به یاد انسان می‌آید. «ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل. ألم يجعل كيدهم في تضليل» آن حيله‌ای و کیدی که آنها برای مردم ترتیب داده بودند دیدید چگونه خنثی شد؟ در دو طرف جاده‌ی یزد و طبس لاشه‌های هواپیماها و هلی‌کوپترها، آن پیل‌های فولادی را می‌بینید که تلی از خاکستر شده‌اند؟ اجساد مردگانی در زیر آن تلّ خاکستر بوده است و شاید همین حالا هم باشد که اینها به قصد تجاوز آمده بودند، دزدانی که آمده بودند شبیخون بزنند برونند مزد بگیرند. وای از بدبختی بشر، اُف بر این مستمندی رژیم‌هایی که بر یک چنین عناصری حکومت می‌کنند و یک چنین از عناصری عصای دست و وسیله‌ی اتکای آنها هستند.

✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای - ۱۳۵۹/۰۲/۱۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی نجوای توسل کودکان، قانون زندان را درهم می شکند



همسرم برایم نقل کرد که مادرش پسر مجتبی را که کودکی بود سرشار از معصومیت و پاکی و سلامت روحی و عشق و عاطفه و پابندی به برخی عبادات به حرم حضرت رضا (علیه السلام) می برده و به او می گفته: به وسیله امام رضا به خدای متعال متوسل شو و از خدا بخواه که پدرت را از زندان آزاد کند.

کودک، معصومانه رو به امام رضا (علیه السلام) می کرده و به او توسل می جست. یک شب دیگر مجتبی با مادر بزرگش به حرم رفته و صحنه تکرار شده؛ اما این بار نشانه های تأثری شدید در مجتبی ظاهر شده، گریه و زاری کرده و با لحنی که حاکی از لبریز شدن کاسه صبر کودک و سوز و گداز عمیق او بوده، با امام رضا صحبت می کرده و به شدت اشک می ریخته؛ به حدی که

مادر بزرگش از کرده خود پشیمان شده و تصمیم گرفته که دیگر این کار را از مجتبی نخواهد.

دوروز بعد، تلفن خانه به صدای می آید تا صدای من را بشنوند؛ من آزاد شده بودم و از خانه برادرم در تهران با آن هاتماس گرفته بودم.

✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

فتح خرمشهر، نمایش بی بدیل عزت ملی در برابر جهانیان



وقتی جوانان ما خرمشهر را باز پس گرفته بودند، اوایل ریاست جمهوری بنده بود. یک هیأت جهانی به ایران آمد و رئیس آن - قریب به این مضمون - به من گفت: امروز در دنیا وضع شما با یک سال پیش از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. او راست می گفت. دنیا باور نمی کرد جوانان ما، بسیجیان ما، سپاه نورس ما و ارتش ضربت دیده ما بتوانند خرمشهر را با آن همه استحقاقات که دشمن و پشتیبانانش درست کرده بودند، پس بگیرند. وقتی جوانان ما خرمشهر را پس گرفتند، مرزها را پس گرفتند و توانستند خط آبی مشترک را هم پس بگیرند و با رفتن به فاو، دشمن را تحقیر کنند. ما که قصد نداشتیم فاورا نگه داریم؛ این تحقیر رژیم صدام بود؛ این به ذلت کشاندن ارتش بعث علفی بود. این کار را جوانان ما کردند؛ آن هم نه با تجهیزات پیشرفته آن چنانیکه نداشتند و نه با پشتیبانی های اطلاعاتی یا نظامی که در اختیارشان نبود؛ بلکه با قدرت اراده و فکر و هوشمندی و با جوانی کارساز.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شجره‌ی طیبه؛ روایت اصالت و تبلور هویت در تبار سادات

اجداد ما قرن‌ها در منطقه‌ی مرکزی ایران زندگی کردند؛ مانند امامزاده‌ی بزرگوار، حضرت سلطان سید محمد که نقل شده در تفرش مدفونند. ایشان در رأس سلسله‌ی سادات حسینی است که در منطقه‌ی تفرش و آشتیان و فراهان و تمام این سرزمین متفرقند. حضرت سلطان سید محمد، پدر سلطان سید احمد است که در هزاره مدفون است و این بزرگوار با چهار واسطه به امام سجاد (ع) میرسد. پدر سلطان سید محمد، سید حسن، و پدر او سید حسین، و پدر او حسن افطس است. حسن افطس فرزند علی‌الاصغر و او فرزند حضرت امام زین العابدین علی‌بن‌الحسین (ع) است.



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

سلطان سیداحمد و پدر او و احتمالاً جد او وقتی مجبور شدند از ظلم و ستم پادشاهان عباسی به سمت منطقه‌ی دوستداران اهل بیت و ولایت بیایند، قسمت مرکزی ایران یکی از پناهگاه‌هایشان بوده است. این بزرگواران می‌آمدند و مردم این مناطق با محبت، معرفت، بلندنظری و شجاعتشان، عزیزان و جگرگوشگان خاندان پیغمبر (ص) را در میان خود جا میدادند. تا وقتی که به مرور زمان، مأموران عباسی آنان را پیدا کردند و در هر نقطه‌ای که بودند، بر سرشان ریختند و شهیدشان کردند؛ مثل سلطان سیداحمد که به جرم طرفداری از حق و به جرم مبارزه با ظلم و طغیان و فساد، به شهادت رسید و در هزاره مدفون شد. اگر مردم این مناطق با آغوش باز فرزندان پیغمبر (ص) را پذیرایی نمیکردند، بچه‌های آنها بعد از شهادت پدرها رها می‌کردند و می‌رفتند، اما ماندند.

من افتخار می‌کنم که از اولاد این بزرگوارم؛ از فرزندان سیداحمد سلسله‌ی سادات حسینی تا جناب سیدقطب الدین، سلسله‌ی مستمری است که همه، بزرگان این منطقه‌اند. بعد از سیدقطب الدین دورشته میشوند: یکی رشته‌ی سیدظهیرالدین و سیدفخرالدین. معروف به میرفخر. که سلسله‌ی ما است؛ یکی هم رشته‌ی خانوادگی قائم مقام فراهانی که اینها هم بزرگانی بوده‌اند تا میرسند به میرزا عیسی و بعد میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی. اینها بیشتر مرد سیاست بودند و آنها بیشتر اهل علم و دیانت. سیدفخرالدین شخصیت بزرگ و مورد ارادت مردم بوده است. نوه‌ی سیدفخرالدین، مرحوم سیدمحمدتقی است و پسر سیدمحمدتقی جوانی است به نام سیدمحمد که از تفرش حرکت می‌کند و به طرف آذربایجان می‌رود و به خامنه که می‌رسد، مردم خامنه این سید رشید و آقا زاده را بزور نگه می‌دارند و از آنجا این سلسله می‌شوند: «خامنه‌ای»

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شجره نامه ما تنظیم علامه طباطبایی است

مرحوم والد ما که با آقای [علامه] طباطبائی از نجف رفیق بودند، دوست بودند - خود پدرم برای من نقل کردند این را - ایشان به آقای طباطبائی مینویسد که شما ترتیب شجره نامه‌ی ما را از فلان کس - یک آقای معروفی در قم - بپرسید بگیریید برای من بفرستید؛ آقای طباطبائی در جواب مینویسد که خود من به قدر ایشان میدانم یا بیشتر از ایشان میدانم؛ یکی از این دو عبارت است که حالا من یادم نیست. و ایشان شجره نامه‌ی ما را تنظیم کرده و فرستاده؛ یعنی این شجره نامه‌ای که الان در اختیار ما هست، تنظیم شده آقای [علامه] طباطبائی است.



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

آنجا که مهر پدری، فراتر از توانِ دستان، شروع به بافتن می‌کند

دخترم چهار پنج ساله بود که یک بار او را برای زیارت امام خمینی بردم. خانواده‌ی ما رفته بودند مشهد و او ماند پیش من برای اینکه بیاید امام خمینی (ره) را در روز عید ببیند. صبح بیدار شدیم و سرش را شانه کردیم و مرتبش کردیم و موهای سرش را به زحمت بافتیم. یک دستی هم که نمیشود؛ من بافتن موی سر را خیلی خوب بلدم اما با یک دست نمی‌شود؛ دودستی باید ببافند چون باید موها را سه قسمت کنند به همین خاطر رفقای پاسدار آمدند به کمک ما و موی سرش را بافتیم و چادر سرش کردیم و خدمت امام آوردیم...



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

لحظه‌های تلخ پیش از رحلت امام، بغضی که ناتمام ماند

در همان روز تلخ که حال امام مساعد نبوده من جمعی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی را دعوت کردم و به آنها گفتم که حال امام خوب نیست؛ کار بازنگری را قدری تسریع کنیم و مرده اتمام آن را به ایشان در بیمارستان بدهیم تا دل امام شاد شود. واقعاً از تصور آن چیزی که ممکن بود پیش آید. قلب من می‌لرزید. صدایم شکست و نتوانستم حرفم را تمام کنم. شاید چند ساعت بعد از آن بود که اطلاع پیدا کردیم این ودیعه الهی و این گوهر ارزنده را از دست دادیم. سخت‌ترین کار این است که درباره فقدان امام عزیز و جان ملت سخن بگوییم. حقیقتاً همه مایتم شدیم.



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

وقتی عبا، تنها پناهگاه مطالعه بود

سال ۴۳ از قم به مشهد برگشتم. مدرسه نمی رفتم و جایی برای مطالعه نداشتم. منزل پدرم هم خیلی جاکم بود؛ فقط یک اتاق داشتیم که در زمستان، خالی می ماند. روبه روی آشپزخانه وزیر اتاق خانم.



✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

چون خیلی سرد بود و رطوبت داشت، گرم نمی‌شد و وسایل گرمازا هم مثل امروز نبود. من اینجا را برای اتاق مطالعه آماده کردم. فرش نداشت؛ یک گلیم و یک تشک در گوشه‌ی آن انداختم و یک میز کوچک و یک والور هم بردم و آنجا را مثل اتاق طلبگی درست کردم و خلاصه، شدم طلبه‌ی آنجا.

زیر اتاق آقام بود. آقا بالا بود و من پایین. کتاب‌های مورد نیاز خودم را که عمده فقه و اصول بود، بردم آنجا و هنوز هم یادم هست که کجای اتاق، آنها را ردیف گذاشتم. در همان ایام مرحوم ربّانی شیرازی یک سفر آمد مشهد. وقتی می‌خواست با من ملاقات کند، او را بردم همان جا. اتاق را که دید، گفت: «عجب! اینجا حجره‌ی خوبی است.»

چون اتاق سرد بود، شب‌ها می‌رفتم زیر عبا تا بتوانم با نهایت سختی مطالعه کنم؛ البته آن هم نمی‌شد؛ برای اینکه تami آمدم گرم مطالعه شوم، از بالا صدایی می‌آمد و خانواده حرفی می‌زدند. پدر و مادرم کم‌کم نگران شدن؛ چون هم اتاق مرطوب بود و هم من تا دیروقت، آنجا مطالعه می‌کردم. دلم هم می‌خواست همان جابخواهم و برای خواب بالا بروم، ولی آنها به خاطر همان ملاحظات عاطفی رایج مخالفت می‌کردند و نمی‌گذاشتند و می‌گفتند اینجا مرطوب و سرد است. پدر و مادر، فرزندان را بچه می‌دانند؛ یعنی هر سنی هم که باشد، بچه است! فکر می‌کردند که اگر از ما مراقبت نکنند، طوری می‌شود. آقا گفته بود: «علی آقا زبانی به خودش فشار می‌آورد و خودش را اذیت می‌کند. زائد است اینها، این جوری لازم نیست.»

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



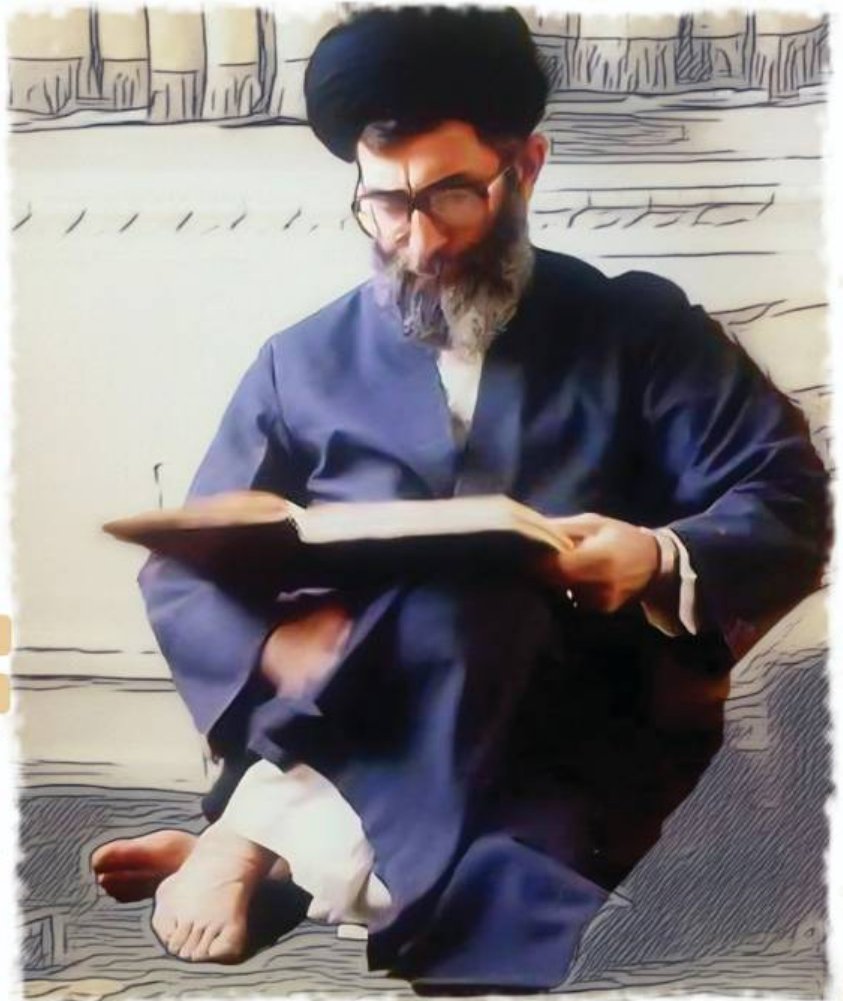
خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

نوجوانی؛ دوره طلایی مطالعه و یادگیری

من در دوران جوانی زیاد مطالعه می‌کردم.

غیر از کتابهای درسی خودمان که مطالعه می‌کردم و می‌خواندم، کتاب تاریخ، کتاب ادبیات، کتاب شعر و کتاب قصه و رمان هم می‌خواندم. به کتاب قصه خیلی علاقه داشتم و خیلی از رمانهای معروف را در دوره نوجوانی خواندم. شعر هم می‌خواندم. من با بسیاری از دیوانهای شعر، در دوره نوجوانی و جوانی آشنا شدم. به کتاب تاریخ علاقه داشتم و چون درس عربی می‌خواندم و با زبان عربی آشنا شده بودم، به حدیث هم علاقه داشتم.

الان احادیثی یادم است که آنها را در دوره نوجوانی خواندم و یادداشت کردم؛ دفتر کوچکی داشتم که یادداشت می‌کردم. احادیثی را که دیروز، یا همین هفته نگاه کرده باشم، یادم نمی‌ماند، مگر این که یادآوری وجود داشته باشد؛ اما آنهایی را که در آن دوره خواندم، کاملاً یادم است.



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شما هم واقعاً باید قدر بدانید؛ هرچه امروز مطالعه می‌کنید، برایتان می‌ماند و هرگز از ذهنتان زدوده نمی‌شود. دوره نوجوانی برای مطالعه و یاد گرفتن، دوره خیلی خوبی است؛ واقعاً یک دوره طلایی است و با هیچ دوران دیگری قابل مقایسه نیست.

من خیلی کتاب نگاه می‌کردم؛ منزل ما هم کتاب زیاد بود. پدرم کتابخانه خوبی داشت و خیلی از کتابها هم برای من مورد استفاده بود. البته خود ما هم کتاب داشتیم، کرایه هم می‌کردیم. نزدیک منزل ما کتابفروشی کوچکی بود که کتاب، کرایه می‌داد. من رمان و اینها که می‌خواندم، معمولاً از آن جا کرایه می‌کردم.

الان یادم افتاد که به کتابخانه آستان قدس هم مراجعه می‌کردم. آستان قدس هم در مشهد، کتابخانه خیلی خوبی دارد. در دوره اوایل طلبگی - در همان سنین پانزده، شانزده سالگی - به آن جا مراجعه می‌کردم. گاهی روزها آن جا می‌رفتم - نزدیک آستان قدس است - و مشغول مطالعه می‌شدم؛ صدای اذان با بلندگو پخش می‌شد، به قدری غرق مطالعه بودم که صدای اذان را نمی‌شنیدم! خیلی نزدیک بود و صدا خیلی شدید داخل قرائتخانه می‌آمد و ظهر می‌گذشت، بعد از مدتی می‌فهمیدیم که ظهر شده است! با کتاب انس داشتیم. البته الان هم که در سنین نزدیک شصت سالگی هستم - همان طور که گفتید بعضی از شما جای فرزند من هستید و بعضی مثل نوه من می‌مانید - از خیلی از نوجوانان بیشتر مطالعه می‌کنم؛ این را هم بدانید.

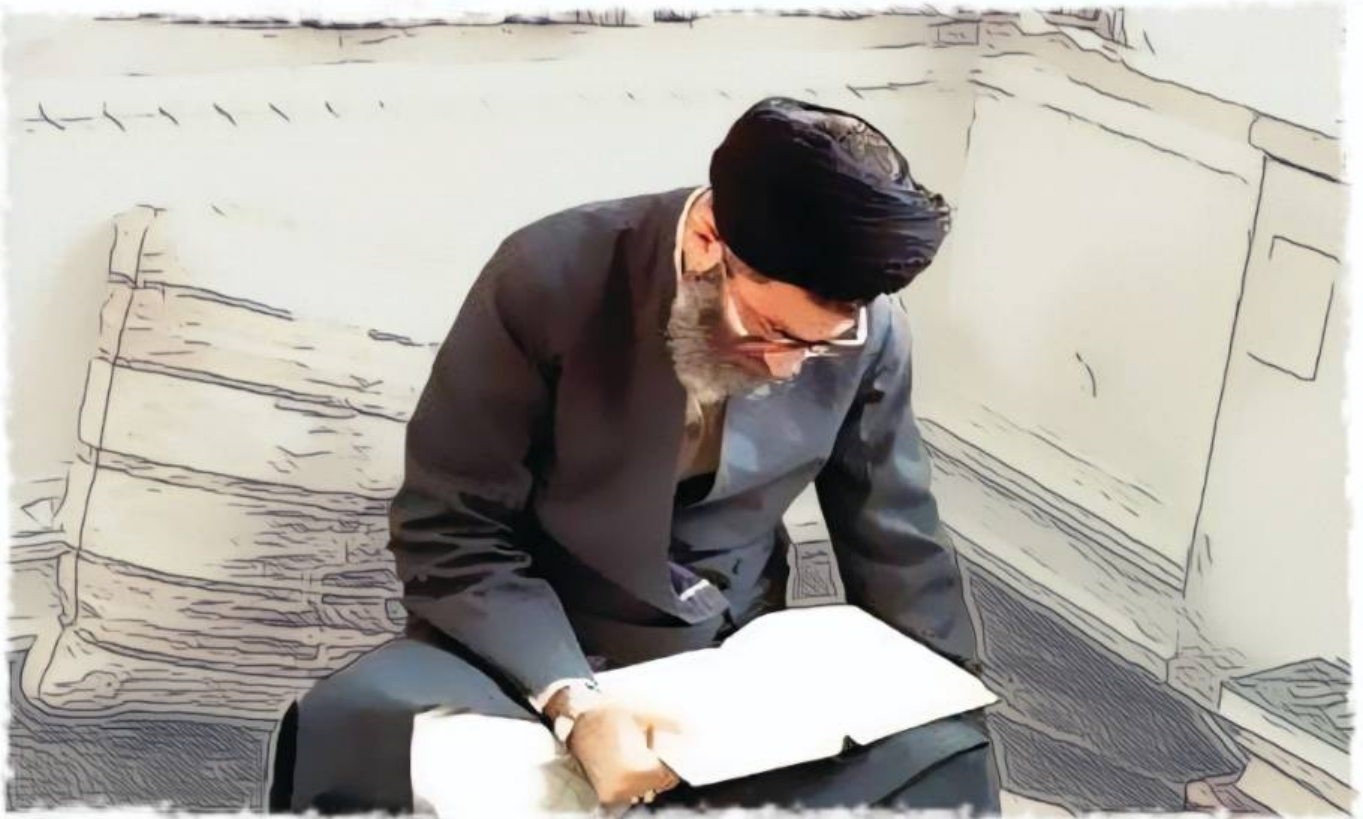
✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

مدیون این مرد و کتابش هستم

نکته‌ی دوم در مورد آقای آذر یزدی است که الان اطلاع دادند ایشان در این جلسه نشسته‌اند و ظاهراً بیمار هم بودند و با حال بیماری زحمت کشیده‌اند و آمده‌اند. من چندی پیش در یک برنامه‌ی تلویزیونی دیدم که از ایشان تجلیل کرده بودند. من با اینکه وقتم هم کم است، از وقتی تلویزیون را روشن کردم و دیدم که از ایشان دارد تجلیل می‌شود، پای آن برنامه نشستم، صحبت‌های خود ایشان را هم گوش کردم. ایشان در آنجا می‌گفتند که در طول آن سال‌های پیش از انقلاب هیچکس کمترین تشکری، تقدیری از این مرد زحمتکش و خدوم نکرده.



✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای - بیانات در دیدار نخبگان استان یزد - ۱۳۸۶/۱۰/۱۵



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

آن برنامه را که من دیدم، نکته‌ای در ذهنم بود و دلم خواست که آن را یک وقتی به ایشان بگویم، فکر می‌کردم دیگر امکان ندارد و عملی نیست؛ کجا حالا ما آقای آذر یزدی را زیارت کنیم! حالا تصادفاً امشب ایشان اینجا هستند.

آن نکته این است که من خودم را از جهت رسیدگی به فرزندانم، بخشی مدیون این مرد و کتاب این مرد می‌دانم. آن وقتی که کتاب ایشان درآمد - اول هم به نظرم دو جلد، سه جلد، تا آن وقتی که من اطلاع پیدا کردم، از این کتاب درآمده بود؛ «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» - من رفتم تورق کردم. بچه‌های ما داشتند به دوران مُراهقی - یعنی نزدیکی به بلوغ - می‌رسیدند، دوره هم دوره‌ی طغوت بود و همه‌ی عوامل در جهت گمراه‌سازی ذهن و دل جوان حرکت می‌کرد. من دلم می‌خواست چیزی باشد که جوان‌های ما با او هدایت شوند و جاذبه هم داشته باشد. خب، کتاب خوب که خیلی بود. بنده فهرست پیشنهادی کتاب می‌نوشتم و بین جوان‌های دانشجو و دانش آموزهای سطوح بالای دبیرستان‌ها پخش می‌شد، اما برای بچه‌های کوچک، دستان خالی بود، تا اینکه کتاب ایشان را من پیدا کردم. نگاه کردم دیدم این از جهات متعددی، از دو سه جهت، همان چیزی است که من دنبالش می‌گردم. به نظرم دو جلد یا سه جلد آن وقت چاپ شده بود، خریدم. بعد هم دنبالش گشتم تا اینکه جلد پنجم به نظرم یا ششم - حالا درست نمی‌دانم، یادم نیست - درآمد؛ بتدریج چاپ شد و من رفتم تهیه کردم و برای فرزندانم خریدم. نه فقط فرزندان، بلکه در سطح شعاع ارتباطات فامیلی و دوستانه، هر جا دستم رسید و فرزندی داشتند که مناسب بود با این قضیه، این کتاب ایشان را معرفی کردم. خواستم این حق‌شناسی را من به نوبه‌ی خود کرده باشم. ایشان یک خلأی را در یک برهه‌ی از زمان برای زنجیره‌ی طولانی فرهنگی این کشور پر کردند. این کار، بالارزش است. خداوند از شما - آقای مهدی آذر یزدی! - این خدمت را قبول کند و مأجور باشید. این ستایش‌های زبانی و اینها، اجر کارهایی که با اخلاص انجام گرفته باشد، نمی‌شود؛ اجر کار مخلصانه را خدا باید بدهد و خدا هم خواهد داد.

✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای - بیانات در دیدار نخبگان استان یزد - ۱۳۸۶/۱۰/۱۵



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

عده‌ای تهاجم فرهنگی را نفهمیدند

۱/ ندانستن این که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند؛ ما باید این را کاملاً بدانیم.



۱: بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم - ۱۳۸۰/۱۰/۱۹
۲: بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۲/۰۲/۲۲



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

از سال‌های هفتاد و سه، هفتاد و چهار بتدریج و به صورت روزافزون، مبارزه اعتقادی - اخلاقی شروع شد. بنده همان وقت‌ها شروع این مبارزه را احساس کردم. بحث تهاجم فرهنگی‌ای که مطرح کردیم، ناشی از این بخش قضیه بود. در کنار حرکات عملی سیاسی و اقتصادی و غیره، حقیقتاً یک تهاجم در زمینه مسائل فرهنگی و با ابزارهای فرهنگی آغاز شد.

۲/ سالها پیش، من یک روز راجع به تهاجم فرهنگی صحبت کردم و گفتم دشمن از روزه‌های فرهنگی به ما حمله می‌کند؛ اما متأسفانه عده‌ای این را نفهمیدند. بعضی صریح و بعضی هم در پرده گفتند فلانی به چه چیزی حمله می‌کند؟! کدام تهاجم، چه تهاجمی؟! امروز بعد از گذشت چند سال، آدم‌های دیرفهم کم‌کم می‌فهمند که تهاجم فرهنگی یعنی چه! موج حملات فرهنگی دشمن که ایمان جوانان را هدف قرار داده، حالا به چشمشان می‌آید و ابراز نگرانی می‌کنند! می‌بینند در همه‌ی محیط‌هایی که جوانان حضور دارند، دشمن می‌خواهد جایی از خود به جا بگذارد و عقیده آنها را به انقلاب و دین و امام برگرداند؛ حتی عده‌ای در این که این ملت استقلال می‌خواهد، خدشه می‌کنند! یعنی درست همان خواست دشمن؛ یعنی تهاجم فرهنگی.

۱: بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم - ۱۳۸۰/۱۰/۱۹
۲: بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۲/۰۲/۲۲



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

روایت یک هشدار درباره نفوذ فرهنگی



رهبر شهید انقلاب در دیداری که با جمعی از مسولان شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتند، ضمن بیان نظرات خود در زمینه کارکرد این شورا نکته‌ای را در قالب هشدار برای آینده مطرح کردند؛ ایشان فرمودند: «تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثرگذاری کنند. این بازی‌های اینترنتی از جمله‌ی همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور می‌شود از جمله‌ی همین است که من چقدر سر قضیه‌ی تولید اسباب‌بازی داخلی معنی‌دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال نکنند؛ البته بحمدالله ظاهراً اینجایک تصمیمی در این زمینه گرفته شد، حالا ان شاءالله همان تصمیم را هم دنبال کنید که اجرایی بشود.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - ۱۳۹۲/۰۹/۱۹



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

خب، دوستان ما آمدند در یکی از دستگاه‌های فعال و مسئول، عروسک‌های خوبی درست کردند؛ خوب هم بود؛ اول هم حساسیت طرف مقابل را - یعنی مخالفین را، خارجی‌ها را - برانگیخت که اینها آمدند در مقابل باری و مانند اینها، این عروسک‌ها را درست کردند؛ ولی نگرفت. من به اینها گفتم که اشکال کار شما این است که شما آمدید به فلان نام، یک پسری را، یک دختری را آوردید در بازار، این عروسک شما را بچه‌ی ما اصلاً نمی‌شناسد - ببینید، پیوست فرهنگی که می‌گوییم اینها است - خب، یک عروسک است فقط، در حالی که مرد عنکبوتی را بچه‌ی ما می‌شناسد، بتمن را بچه‌ی ما می‌شناسد. ده بیست فیلم درست کرده اند، این فیلم را آنجا دیده، بعد که می‌بیند همان عروسکی که در فیلم داشت کار می‌کرد، در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گوید این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد؛ این پیوست فرهنگی است. شما بایستی این عروسک را که ساختید، در کنار ساخت عروسک، ده بیست فیلم کودک درست می‌کردید برای اینکه این عروسک معرفی بشود پیش بچه‌ها؛ بعد که معرفی شد، آن وقت خودشان می‌خرند، ولی وقتی معرفی نشد، بازار ندارد و ورشکست می‌شود؛ و ورشکست شد. یعنی یک چنین دقت‌هایی را بایست کرد. به هر حال این تهاجم فرهنگی به این شکل یک واقعیتی است.

✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - ۱۳۹۲/۰۹/۱۹



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شورای عالی انقلاب فرهنگی، از یک ایده تا ستون فقرات نظام



شورای عالی انقلاب فرهنگی جزو نهادهای قطعی نظام است. خب، قبل از این شورا، ستاد انقلاب فرهنگی بود، که امام یک عده‌ای از دوستان را برای مسئله‌ی دانشگاه‌ها معین کرده بودند. بنده رئیس جمهور بودم، مسئول بودم، حضور داشتم، می‌آمدیم، می‌رفتیم؛ به این نتیجه رسیدیم که این کافی نیست؛ ما بایستی اینجا را، هم دایره‌اش را وسیع‌تر کنیم، هم مسئولیتش را بیشتر تبیین کنیم، و هم ضمانت بدهیم. آن وقت رؤسای سه قوه و بعضی دوستان دیگر را وارد کردیم و «شورای عالی انقلاب فرهنگی» را به امام (رضوان الله تعالی علیه) پیشنهاد کردیم، ایشان هم تأیید کردند. خب، چند سال ادامه داشت و روزه‌روز تکمیل شده. این شورائی که امروز ما داریم، نسبت به آن شورائی که ما آن وقت داشتیم، کاملتر، قوی‌تر، مجرب‌تر و پخته‌تر است. علاوه بر این، کارهایی که در این شورا انجام می‌گیرد، خیلی گسترده‌تر است و دایره‌ی وسیع‌تری دارد. آن وقت بیشتر توجه ما به دانشگاه‌ها بود و اندکی هم به آموزش و پرورش و بخش دیگر؛ امروز دایره خیلی وسیع‌تر است.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - ۱۳۹۰/۰۳/۲۳ هـ



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

قدرت کلام امام در برابر سانسور مدرن پیام

آنها از حرف‌های مامی ترسند. در فضای عالم، به حتی یکی از حرف‌های درست و حسابی مسئولین نظام جمهوری اسلامی، اجازه پخش نمی‌دهند و آن را در مطبوعات معروف عالم درج و نشر نمی‌کنند؛ چون می‌ترسند. من یک وقت عرض کردم که فرزند عزیز درگذشته امام بزرگوار، به فکر افتادند تا پیام حج امام بزرگوار را با پرداختن بهای زیادی، در مطبوعات یکی از کشورهای غربی چاپ کنند. اما آنها حاضر نشدند چاپ کنند. آنها با این که بنده پولند و پول برایشان دین و ایمان و ناموس و غیرت و همه چیز است، حاضر نشدند درج کنند. چون حواس دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان جمع بود که پیام امام، مثل بمب در آن جامنفجر می‌شد. آنها با حرف‌های مامخالفند و از حرف‌های مامی ترسند.

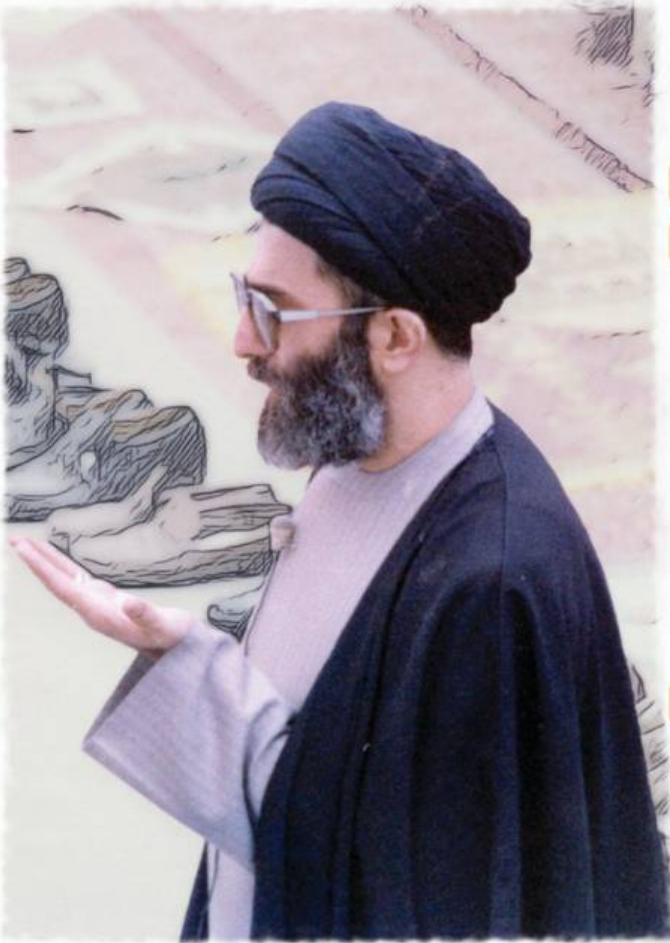


راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش - ۱۳۷۴/۰۱/۳۰



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

تیپی کوچک، اثری بزرگ؛ روایت امداد الهی در جبهه



می‌دانید که یکی از امدادهای الهی در جنگ‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله این بوده که نیروهای دشمن را در چشم سپاهیان اسلام، کم جلوه می‌داده «اذا التقیتم فی اعینکم قلیلاً ویقللکم فی اعینهم» در قرآن است، شمارادر چشم آنها زیاد نشان می‌دهیم، آنها را در چشم شما کم نشان می‌دهیم. می‌دانید روحیه یکی از اساسی‌ترین عناصر رزم است دیگر، اگر روحیه نباشد، هرچی هم عدد زیاد باشد، فایده‌ای ندارد و این روحیه ایجاد می‌کند. من این را در جنگ احساس کردم. من حالا عیب ندارد این را بگویم: یک وقتی در مقابل دولشگر و نیم عراقی در غرب اهواز ما فقط یک تیپ داشتیم، آن هم یک تیپی که استعدادش به قدر یک گردان هم نبود! عراقیها از ترس این تیپ جلونمی‌آمدند، عراقیها تا بیست کیلومتری اهواز تقریباً آمدند، چرا جلوتر نیامدند؟ از چی می‌ترسیدند؟ از یک تیپی که آن جاتوی زمین فرورفته بود و سنگر کننده بود و مستقر شده بود. این تیپ را وقتی ما می‌رفتیم می‌دیدیم، واقعاً دلمان می‌سوخت که نیروهای ما چه قدر کم‌اند. یک تیپ ضعیفی بود که اولش استعداد آن در حد یک گردان بود.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای - ۱۳۶۱/۰۱/۱۰



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

و حالا اگر بگویم که این تیپ چند تانک داشت؛ واقعاً هر شنونده‌ای تعجب خواهد کرد. یک تیپ بی استعداد ضعیف از لحاظ تجهیزات و از لحاظ نفرات، عمدتاً از لحاظ تجهیزات زرهی، این تیپ، دوتالشگر را جلوی خودش معطل کرده بود. به فاصله‌ی دو، سه کیلومتری همین تیپ، دُبِ حردان معروف که مدت‌ها اسمش سر زبان‌ها بود و لابد شنیدید، که بعد هم ما آن را گرفتیم، یعنی نیروهای اسلام گرفتند دُبِ حردان را. آن دُبِ حردان معروف مرکز نیروهای عراقی بود، دولشگر و نیم نیروی عراقی آن جا گسترش یافته بود و نیروهای ما این قدر بود. اینها از ترس همان یک تیپ، جلو نمی‌آمدند. ببینید در چشم آنها ما زیاد می‌شویم. در عوض بچه‌های ما، یک تیم‌های کوچک مثلاً پنجاه نفری، شصت نفری تشکیل می‌دادند از نیروهای داوطلب یا سپاه یا مخلوطی از داوطلب، سپاه، گاهی هم ارتشی‌ها، و این‌ها می‌رفتند، نفوذ می‌کردند در داخل دشمن، در دل دریای دشمن، واقعاً دریایی از دشمن بود، نفوذ می‌کردند، ضربه می‌زدند، چند تانک می‌زدند و برمی‌گشتند.

این ناشی از این بود که دشمن را کم، کوچک و ضعیف می‌شمردند و جرأت می‌کردند بروند طرفشان. این یک امداد غیبی است دیگر، که من این را خودم مشاهده کردم. یعنی این کم دیدن آنها [یعنی عراقی‌ها] و زیاد نمودن ما به آنها یک لطف الهی بود. البته این لطف را من ناشی از توجهات نیروهای ما می‌دانم. همان وقت من در نماز جمعه بارها یاد کرده بودم از کسانی که در سنگرها، در کنار تانک‌ها، در داخل جبهه با چه توجهی به خدا و با چه خلوصی کار می‌کنند، اینها البته زمینه‌ی این لطف الهی است.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای - ۱۳۶۱/۰۱/۱۰



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

ضعف باور به کمک الهی؛ سد راه پیشرفت کشور

مقام معظم رهبری در خلال سخنرانی خود در جمع مسئولان نظام به تبیین مدد الهی می‌پردازند و می‌فرمایند: «همه‌ی مسئولین کشور - به خصوص مسئولین سطوح بالای کشور- به خداوند متعال توجه کنند، توسل کنند. کارهای سنگین، وظایف مهم، حقوق عمومی مردم، مسئولیت‌هایی است بر دوش آنها؛ این مسئولیت‌ها را با کمک پروردگار می‌شود به خوبی انجام داد. اگر توانستیم راه کمک الهی را به سوی خود و به روی خود باز کنیم، هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت که قابل حل نباشد.



🔗 **راوی:** رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی - ۱۳۹۲/۰۵/۱۸



➤ **خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!**

به خدای متعال امیدوار باشند، همه‌ی تلاش خود را به صحنه بیاورند. نمی‌شود تنبلی کرد، کار نکرد و امیدوار به رحمت الهی بود. هدایت الهی، دستگیری الهی، لطف الهی آن وقتی است که ما همه‌ی موجودی توان خود را - که آن هم متعلق به خدای متعال است - وارد صحنه کنیم؛ از فکر و تدبیر، از نیروی جسمی و توان کار، از امکانات عظیم نیروی انسانی کشور، از همه چیز استفاده کنیم؛ آن وقت خدای متعال قطعاً تفضل خواهد کرد.

بسیاری بودند که در مقاطعی، از آینده‌ی کشور مأیوس می‌شدند. ما در این سی و چند سال، تجربه‌های متعددی داریم؛ بودند افرادی که یا نزدیک بین بودند، یا دچار ضعف باور به کمک الهی بودند، یا حسن ظن به وعده‌ی الهی نداشتند؛ در یک مواقعی، «وزلزلوا حتی یقول الرسول و الذین ءامنوا معه متی نصر الله»؛ در طول تاریخ هم پیش آمده است؛ در همان مواقع، خدای متعال کمک کرده است. و شما امروز ملاحظه کنید ملت ما، کشور ما، نسبت به همه‌ی دوره‌های گذشته، در نقطه‌ی مقدم قرار دارد؛ پیشرفت جزو ذات حرکت ملت ایران شده است؛ روزه‌روز بحمدالله ملت پیشرفت کرده است، باز هم پیشرفت خواهد کرد؛ مهم این است که رابطه‌ی خودمان را با خدای متعال محکم کنیم.»

🔗 راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی - ۱۳۹۲/۰۵/۱۸



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

سرداری که مادرش فکر می کرد مستخدم سپاه است!



در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای همدان شما، یک سردار سپاهی - که دارای شأن و موقعیتی هم بوده است - وجود داشته که وقتی مادرش از او می پرسد تو در سپاه چه کاره ای، جواب می دهد: من در سپاه جاروکشی می کنم. مادرش خیال می کرده واقعاً این جوان در سپاه یک مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم می روند و خانواده ی دختر سؤال می کنند پسر شما چه کاره است، مادرش می گوید در سپاه مستخدم است! بعد در اجتماعی که مراسمی بوده، یک نفر داشته سخنرانی می کرده، این مادر می بیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. می پرسد این شخص کیست. می گویند این فلانی است؛ یکی از سرداران سپاه. آن مادر، آن وقت پسرش را می شناسد! ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانها می خواهم بگویم؛ به فرزندان شهدا و به خانواده های آنها: آن عظمتی که خانواده های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها با حادثه ی سنگین و کوبنده ی فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون می دانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت می کند.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان همدان - ۱۳۸۳/۰۴/۱۶

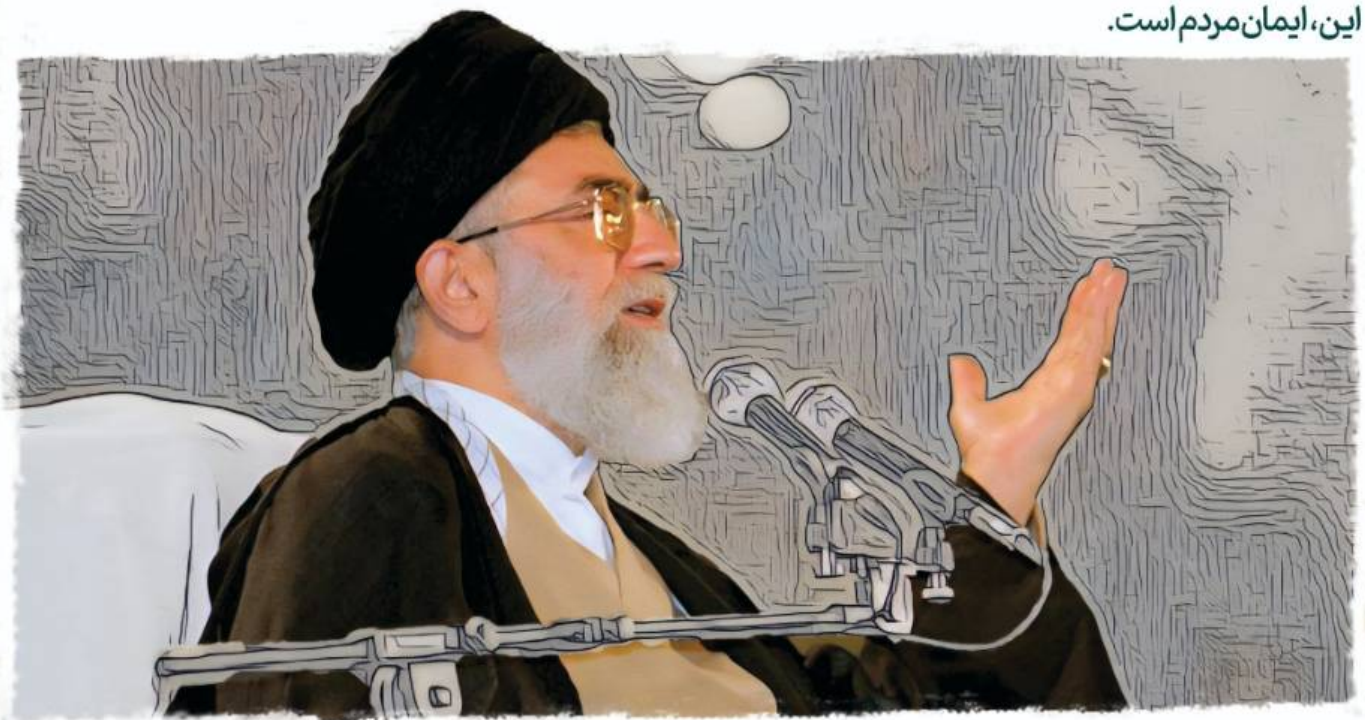


> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

گیلان، سربلند در آزمون ایمان و جهاد

به نظر من بزرگترین کار مردم گیلان این بود که علی‌رغم تبلیغات قوی و عملی رژیم طاغوت برای ضایع کردن و فاسد کردن عقیده‌ی مردم آن سامان در طول سال‌های طولانی، مردم آن خطه، ایمان را، اخلاص را، حضور در صحنه را، جهاد را به جایی رساندند که جزو بخش‌ها و استان‌های برجسته‌ی کشور به شمار آمدند؛ این خیلی مهم است. دستگاه‌های مضر و مفسد و فاسد رژیم طاغوت با همه‌ی عوامل خود، سعی در کشاندن مردم به فساد و فاسدسازی فضا بکنند، ولی مردم این‌جور دین خود، ایمان خود، عقیده‌ی خود، عزم خود را نگه دارند و در هنگام لازم آن را نشان دهند. از یک طرف دستگاه طاغوت بود، از یک طرف عوامل گروهک‌های ملحد و ضد دین بودند.

من در اوایل انقلاب آمدم رشت، مرحوم شهید عضدی من را در اطراف میدان بزرگ شهر رشت گرداند. گروهک‌های گوناگون، با تابلوهای خود، با شعارهای خود، همه‌ی فضا را پر کرده بودند؛ دانشگاه را هم در قبضه‌ی خودشان درآورده بودند و خیال میکردند که گیلان متعلق به آنهاست. مردم مؤمن گیلان، همین جوانهای مؤمن و انقلابی، بدون کمک هیچ دستگاه و ارگانی وارد صحنه شدند و پرچم اسلام را، پرچم توحید را، پرچم انقلاب را در آنجا برافراشتند و همه‌ی اینها را از صحنه بیرون کردند. این، ایمان مردم است.



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان - ۱۳۸۹/۱۰/۰۸



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

نیروگاه هسته‌ای هم می‌توانیم بسازیم

ملتی که بدون کمک و بدون استاد توانست یک چنین مراکز عظیم غنی‌سازی رابه وجود بیاورد، چرانتواند نیروگاه بسازد؟ باید بتوانیم. چرانتوانیم؟ یک‌روزی می‌گفتند: شما نمی‌توانید نیروگاه بخاری هم بسازید. من یادم هست دوره‌ی ریاست جمهوری خود من بود؛ نیروگاهی بود که در زمان رژیم گذشته شروع شده بود، نصفه‌کاره مانده بود. می‌آمدند می‌رفتند تا دلایل‌های بین‌المللی از یک کشوری بیایند آن را درست کنند. بعضی‌ها هم می‌گفتند ما در داخل می‌توانیم درست کنیم. ما چند نفر از مسئولین مرتبط با این مسائل را در دفتر ریاست جمهوری خواستیم - چند تا از رؤسای کشور را - نخست‌وزیر و دیگران را هم دعوت کردیم تا بحث کنیم. اینها آمدند گفتند: آقا امکان ندارد که ما بتوانیم آن نیروگاه را - که نزدیک تهران هم هست - به آخر برسانیم و افتتاح کنیم. این، قضاوت آنها بود. گفتند: اصلاً امکان ندارد؛ حتماً بایستی خارجی بیاید. ما خارجی را نیاوردیم؛ متخصص داخلی رفت آن را کامل کرد، درست هم کرد، الان هم سالهاست که دارد برق می‌دهد و از تولید اودارد کشور استفاده می‌کند.



راوی: رهبر شهید انقلاب در دیدار دانشجویان یزد - ۱۳۸۶/۱۰/۱۳



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

اول انقلاب جهاد سازندگی می‌خواست سیلو بسازد. می‌دانید سیلوهای ما را در دوران طاغوت، شوروی‌ها می‌ساختند. رژیم طاغوت گندم را از آمریکا می‌گرفت، سیلویش را شوروی می‌ساخت! سیلو ظاهرش ساده است، اما نسبتاً فناوری پیچیده‌ای است. جهاد سازندگی گفت می‌خواهیم سیلو بسازیم؛ از اطراف صدا بلند شد که آقا نمی‌توانید؛ بیخود خودتان را معطل نکنید، سرمایه‌ی کشور را هم به باد ندهید. یک نمونه‌ی سیلوی کوچکی در خوزستان ساختند که بنده آن وقت رفتم بازدید کردم. امروز کشور جمهوری اسلامی شما یکی از سیلوسازهای درجه‌ی یک دنیا است؛ جزء کشورهای سیلوساز برجسته‌ی درجه یک است.

یکی از سدهای نزدیک تهران آب می‌داد. گفتند بروند این را درست کنند؛ گفتند خود کمپانی سازنده‌ی این سد باید بیاید؛ رفتند آوردند. این هم مربوط به اوائل ریاست جمهوری ماست. می‌گفتند: مگر ما می‌توانیم سد درست کنیم؟ همین تلقینات گذشته بود. جوان‌های ما همت کردند، رفتند سراغ سدسازی. امروز کشور جمهوری اسلامی به فضل الهی بهترین سدساز این منطقه است. در منطقه‌ی ما هیچ کشوری مثل جمهوری اسلامی مسلط بر ساختن سدهای بزرگ - چه سد بتونی، چه سد خاکی - نیست. سدهایی که ما ساختیم، از مشابه‌های خودش که زمان طاغوت به وسیله‌ی شرکت‌های خارجی ساخته شده، بهتر و با ظرفیت بیشتر و البته با هزینه‌ی بسیار کمتر است؛ کار خودمان هم هست. چرا نمی‌توانیم؟ نخیر، نیروگاه هسته‌ای هم می‌توانیم بسازیم.

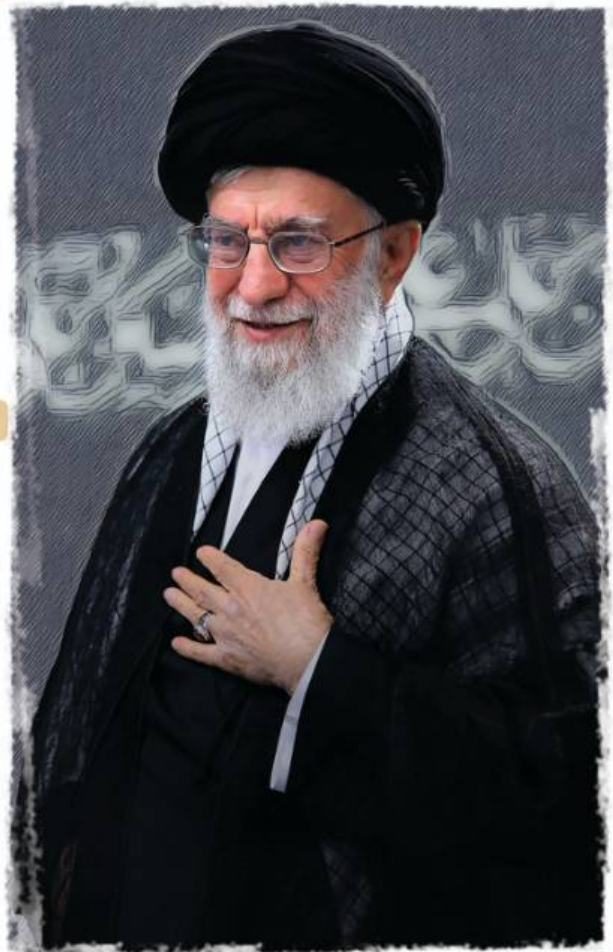
راوی: رهبر شهید انقلاب در دیدار دانشجویان یزد. ۱۳۸۶/۱۰/۱۳



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

پشتوانه مردمی، رمز پیروزی ولی خدا در تمام دوران

رهبر شهید انقلاب در دیداری که با خانواده سردار شهید قاسم سلیمانی و جمعی از یاران وی و شهیدان اقتدار در میلاد امیرالمؤمنین و سالگرد شهادت سردار سلیمانی داشتند موضوعات متعددی را مطرح کردند در خلال این سخنرانی فرمودند: «یک نکته ای وجود دارد در مورد امیرالمؤمنین (علیه السلام) که این نکته امروز هم در جامعه‌ی ما و در حکومت ما و نظام اسلامی باید مورد توجه قرار بگیرد؛ آن نکته این است که امیرالمؤمنین در هیچ درگیری نظامی مغلوب نشد؛ هیچ. در همه جافاتح بود و غالب بود؛ حتی در احد. [در جنگ] احد دیگران فرار کردند، امیرالمؤمنین غلبه کرد؛ شجاعت او، ایستادگی او و یکی دو نفر دیگر اطراف پیغمبر اکرم آن فراری را که افراد ضعیف مبتلا به آن شده بودند، جبران کرد؛ یعنی امیرالمؤمنین در تمام غزوات شبیه این در حنین هم اتفاق افتاد، در جاهای دیگر هم بود. پیروز شد. در دوران خلافت سه جنگ پیش آمد، در هر سه امیرالمؤمنین پیروز شد؛ در صفین هم پیروز شد. در صفین یک قدم بیشتر نمانده بود که مسیر تاریخ عوض بشود؛ اگر مالک اشتر می توانست خودش رابه آن نقطه برساند که نزدیک بود برساند، تاریخ عوض می شد، منتهای دستور امیرالمؤمنین برگشت.



راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای - ۱۴۰۴/۱۰/۱۳



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

آن مشکلی که در آن زمان وجود داشت، و امروز هم وجود دارد، این است که همین امیرالمؤمنینی را که در هیچ درگیری نظامی مغلوب نشد، توانستند در موارد زیادی از رسیدن به هدف، مانع بشوند؛ یعنی راهی پیدا کردند که امروز ما به این راه می‌گوییم «جنگ نرم». بعضی خیال می‌کنند این حوادث این جوری، این تهمت‌ها، این فریب‌ها، این خباثت‌ها، این نفوذها مال امروز است؛ نه، زمان امیرالمؤمنین هم همین‌ها عامل بودند. کار دست مردم است؛ ولی خدا بدون کمک مردم که کاری نمی‌تواند بکند: هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصِيرَةٍ وَالْمُؤْمِنِينَ.

دشمن در مقابل شجاعت امیرالمؤمنین و قدرت امیرالمؤمنین و اراده‌ی پولادین امیرالمؤمنین چاره‌ای نداشت جز اینکه پناه ببرد به فریب محیط پیرامونی امیرالمؤمنین که در جنگ صفین این کار با سر نیزه کردن قرآن‌ها حاصل شد؛ بعد از آن هم اتفاق افتاد، زمان امام حسن (ع) هم اتفاق افتاد؛ جنگ نرم این است. جنگ نرم یعنی چه؟ یعنی با فریب، با دروغ، با تهمت، با وسوسه، با استدلال‌های مغالطه‌آمیز مردم را از آن راهی که دارند می‌روند مردّد کنند. در مردم تردید ایجاد کنند. این، جنگ نرم است. این جنگ امروز هم در جریان است؛ امروز هم این کار دارد انجام می‌گیرد. هدف از جنگ نرم، بی‌انگیزه کردن مردم است؛ برای اینکه مردمی را که در میدانند و آماده‌ی تلاشند و آماده‌ی کارند، بی‌انگیزه کنند، ناامید کنند، مأیوس کنند، دچار تردید کنند، با ابزارهای جنگ نرم وارد میدان می‌شوند. آن زمان، [یعنی] زمان امیرالمؤمنین این کار را کردند که در تاریخ بتفصیل جزئیاتش وجود دارد. افرادی می‌رفتند در شهرها، در روستاها به مردم حمله می‌کردند، ظلم می‌کردند، بعد یک نفر شایعه می‌کرد که این‌ها از طرف علی آمده‌اند. مردم را مردّد می‌کردند. امروز هم همین کار عیناً دارد انجام می‌گیرد. امروز ملت ایران نشان داده که در میدان‌های سخت، آن جایی که به وجود او احتیاج هست، محکم می‌ایستد. این کار ملت ایران است، مخصوص یک گروه خاص و یک جمع خاص نیست؛ آن جایی که بایستی بایستد می‌ایستد؛ آن جایی که باید کمک کند، کمک می‌کند؛ آن جایی که باید شعار بدهد، شعار می‌دهد؛ آن جایی که بایست دشمن را روبه‌رو مأیوس کند، مأیوس می‌کند. این انگیزه دشمن را نگران می‌کند؛ سعی می‌کنند این انگیزه را با بهانه‌های مختلف در افراد سست کنند، ضعیف کنند.»

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای - ۱۴۰۴/۱۰/۱۳



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

از پیشرفت هسته‌ای خبری نبود، اگر...



رهبر شهید انقلاب همچون سخنرانی‌های گذشته خود در دیدار با مسؤولان به موضوع مهم هسته‌ای اشاره می‌کنند، چرا که از منظر ایشان این مهم باید همواره در خاطر مسؤولان باشد تا ذره‌ای از مسولیت خود غافل نشوند به همین جهت در ادامه بیانات خود می‌فرمایند: «در همین قضیه‌ی هسته‌ای، آن وقتی که ما با اینها همراهی کردیم و عقب‌نشینی کردیم - البته برای ما تجربه‌ای بود، اما این واقعیت است - اینها جلو آمدند؛ اینقدر جلو آمدند که من در همین

حسینیه گفتم اگر بنا باشد که این روال از سوی آنها ادامه پیدا کند، من خودم وارد قضیه خواهم شد؛ و وارد قضیه شدم؛ ناچار شدیم؛ اینها کارمانیست.

عقب‌نشینی‌ها آنها را گستاخ‌تر کرد، طلبکارتر کرد. یک روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ملا ۲ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم؛ آنها گفتند نمی‌شود! اینها قانع شدند که ۵ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمی‌شود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمی‌شود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم! اگر ما آن عقب‌نشینی‌ها را، آن انعطاف‌ها را ادامه می‌دادیم، امروز از پیشرفت هسته‌ای که هیچ خبری نبود، به این نشاط علمی هم که در چند سال اخیر در کشور وجود پیدا کرده - این حرکت علمی، این جوان‌ها، این ابتکارات، اختراعات، پیشرفت‌های گوناگون در بخش‌های مختلف - قطعاً لطمه می‌خورد؛ چون اولاً نسبت به هریک از آنها ممکن بود یک بهانه‌ای بیاورند؛ ثانیاً حرکت هسته‌ای و صنعت هسته‌ای، نماد پیشرفت یک کشور است. این هم یک واقعیت دیگر است.»

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۹۱/۰۵/۰۳



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

هم‌رکاب با چمران در دل نبرد

بنده اول جنگ رفتم اهواز. اولین بار این لباس را من شب ورود به اهواز پوشیدم؛ معمول هم نبود آن وقت معممین لباس نظامی بپوشند! من دیدم لباس سربازی را ریخته‌اند آن‌جا؛ باشهید چمران رفته بودیم و از تهران هم یک عده با ما بودند... دیدم دارند آن لباس‌ها را می‌پوشند، به چمران گفتم چه طور است من هم یکدانه بپوشم؟ گفت چی؟! یکدانه لباس سربازی برداشتم پوشیدم و عمامه و عبا را گذاشتم کنار؛ تفنگ هم داشتم، تفنگ را هم برداشتم.

همان شب ورود ما به عملیات ایذایی علیه دشمن، بنده هم با این ها راه افتادم رفتم، هنوز شاید یک ماه هم از جنگ نمی‌گذشت. پا شدیم رفتیم شب تاریک؛ چندین شب متوالی بنده در عملیات ایذایی علیه تانک‌های دشمن شرکت کردم. آن وقت سپاه تشکیلات خیلی کوچکی داشت؛ ارتش هم در یک جاهایی مستقر بود.

تحرکی نبود در ناحیه‌ی اهواز، یک عده داوطلب، چه سپاهی، چه آن گروه داوطلبینی که ما داشتیم باشهید چمران در اهواز، راه می‌افتادند شبانه می‌رفتند تانک‌های دشمن را یکی دو تا سه تا با آرپی جی می‌زدند. چند نفر هم کلاشینکف به دست، این‌ها را حفاظت می‌کردند؛ رفتم دیدم عجب دنیای جدیدی است.



✍️ راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار با طلاب و روحانیون عازم جبهه - ۱۳۶۶/۰۸/۲۶



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

شهیدی که زیر آفتاب مانده بود



در یکی از همین روزهایی که ما در خطوط جبهه حرکت می کردیم، یک نقطه ای بود که قبلاً دشمن متصرف شده بود، بعد نیروهای ما رفته بودند آن جا را مجدداً تصرف کرده بودند، بنده داشتم از این خطوط بازدید می کردم و به یگان ها و به سنگرها و به این بچه های عزیز رزمنده مان سر می زدم، یک وقت دیدم یکی دو تا از برادران همراه من خیلی ناراحت، شتابان، عرق ریزان، آشفته، آمدند پیش من و من را جدا کردند از کسانی که داشتند به من گزارش می دادند که یک جمله ای بگویم، دیدم که این ها

بگویم، دیدم که این ها ناراحتند گفتم چیه؟ گفتند که بله ما داشتیم توی این منطقه می گشتیم، یک وقت چشم مان افتاده به جسد یک شهیدی که چند روز است این شهید بدنش در زیر آفتاب این جا باقی مانده.

من به شدت منقلب شدم و ناراحت شدم و به آن برادرانی که مسئول بودند در آن خط و در آن منطقه، گفتم سریعاً این مسأله را دنبال کنید، جسد این شهید را بیاورید و جسد شهدای دیگر را هم که در این منطقه ممکن است باشند جمع کنید. اما در همان حال در دلم گفتم قربان جسد پاره پاره ات یا اباعبدالله، این جا انسان می فهمد که به زینب کبری چقدر سخت گذشت، آن وقتی که خودش را روی نعش عریان برادرش انداخت، و با آن صدای حزین، با آن آهنگ بی اختیار، کلمات را در فضا پراکند و در تاریخ گذاشت فریاد زد «بأبی المظلوم حتی قضی، بأبی العطشان حتی مضی» پدرم قربان آن کسی که تا آن لحظه ی آخر تشنه ماند و تشنه لب جان داد.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله سید علی خامنه ای در خطبه های نماز جمعه - ۱۳۶۷/۰۶/۰۴



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

از تضرع تا تکلیف، روایت یک مسئولیت بزرگ



قبل از تشکیل مجلس خبرگان ۱۴ خرداد، با تضرع و التماس از خداوند خواستم اگر این کار برای دین و آخرت من زیان دارد، کاری کن این اتفاق نیفتد.

آنچه که در خصوص تعیین رهبر واقع شد و بار این مسئولیت بر دوش بنده‌ی کوچک ضعیف حقیر گذاشته شد، برای خود من حتی یک لحظه و یک آن از آنات گذشته‌ی زندگی، متوقع و منتظر نبود. اگر کسی تصور کند که در طول دوران مبارزه و بعداً در طول دوران انقلاب و مسئولیت ریاست قوه‌ی اجرایی، حتی یک لحظه در ذهن خودم خطور می‌دادم که این مسئولیت به من متوجه خواهد شد، قطعاً اشتباه کرده است.

من همیشه خودم را نه فقط از این منصب بسیار خطیر و مهم، بلکه حتی از مناصبی که به مراتب پایین‌تر از این منصب بوده است - مثل ریاست جمهوری و دیگر مسئولیت‌هایی که در طول انقلاب داشتم - کوچک‌تر می‌دانستم. یک وقتی خدمت امام (ره) این نکته را عرض کردم که گاهی نام من در ردیف بعضی از آقایان آورده می‌شود، در حالی که در ردیف آنها نیستم و من یک آدم کوچک و بسیار معمولی هستم. نه این که بخوام تعارف کنم؛ الان هم همان اعتقاد را دارم.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله سید علی خامنه‌ای



خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!

بنابراین، چنین معنایی اصلاً متصور نبود. البته در آن ساعات بسیار حساسی که سخت‌ترین ساعات عمرمان را گذرانیدیم و خدای داد که در آن شب شنبه و صبح شنبه چه بر ما گذشت، برادرها از روی مسئولیت و احساس وظیفه، با فشرده‌گی تمام، فکر و تلاش می‌کردند که چگونه قضایا را جمع و جور کنند. مکرر از من به عنوان عضو شورای رهبری اسم می‌آوردند، که البته در ذهن خودم آن را رد می‌کردم؛ اگرچه به نحو یک احتمال برایم مطرح می‌شد که شاید واقعاً این مسئولیت را به من متوجه کنند.

در همان موقع به خدا پناه بردم و روز شنبه قبل از تشکیل مجلس خبرگان، با تضرع و توجه و التماس، به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! تو که مدبر و مقدر امور هستی، چون ممکن است به عنوان عضوی از مجموعه‌ی شورای رهبری، این مسئولیت متوجه من شود، خواهش می‌کنم اگر این کار ممکن است اندکی برای دین و آخرت من زیان داشته باشد، طوری ترتیب کار را بده که چنین وضعیتی پیش نیاید. واقعاً از ته دل می‌خواستم که این مسئولیت متوجه من نشود. بالاخره در مجلس خبرگان بحث‌هایی پیش آمد و حرف‌هایی زده شد که نهایتاً به این انتخاب منتهی شد. در همان مجلس، کوشش و تلاش و استدلال و بحث کردم، تا این کار انجام نگیرد؛ ولی انجام گرفت و این مرحله گذشت. من همین الان خودم را یک طلبه‌ی معمولی و بدون برجستگی و امتیازی خاص می‌دانم؛ نه فقط برای این شغل با عظمت و مسئولیت بزرگ، بلکه - همان طور که صادقانه گفتم - برای مسئولیت‌های به مراتب کوچکتر از آن، مثل ریاست جمهوری و کارهای دیگری که در طول این ده سال داشتم.

اما حالا که این بار را روی دوش من گذاشتند، با قوت خواهم گرفت؛ آن چنان که خدای متعال به پیامبرانش توصیه فرمود: «خُذْهَا بِقُوَّةٍ». برای این مسئولیت، از خدا استمداد کردم و باز هم استمداد می‌کنم و هر لحظه و هر آن، در حال استمداد از پروردگار هستم، تا بتوانم این مسئولیت را در حد و وسع خودم - که تکلیف هم بیش از وسع نیست - با قدرت و قوت و حفظ شأن و الای این مقام، حفظ کنم و انجام بدهم. این تکلیف من است، که امیدوارم ان شاء الله مشمول لطف و ترحم الهی و دعای ولی عصر (عج) و مؤمنین صالح باشم.

راوی: رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت الله سید علی خامنه‌ای



> خاطرات جدید در راه
است، ما را همراهی کنید!



این حسین گیت که عالم همه در پی اوست
این چه شمع است که چنان همه پروانی اوست
سید علی

او خودش را در تریبون نماز جمعه تهران، جایی که میلیون‌ها ایرانی به صف ایستاده بودند و صدها دوربین داخلی و خارجی منتظر ثبت لحظات بودند، به همگان نشان داد، محکم سخنرانی کرد، با آرامش نماز خواند و بانمازگزاران مصافحه کرد! بله، جمعه نصری که آیت الله خامنه‌ای رقم زد، [متمم وعده صادق ۲] نام گرفت و مهر باطلی شد به ادعای تهران ناامن. او بار جز خوانی‌هایش...

برشی از کتاب - خاطره ۵۲

